بسم الله الرحمن الرحیم

مقاله سیم از کتاب نفایس الطب در بیان غذای مریض

بعضی یاران بدان ایدک الله تعالی که علاج بیماران دو قسم است یکقسم این است که علاج ایشان بمجرد
اغذیه کنند و یکقسم آن است که علاج ایشان به ادویه و اشربه و اغذیه کنند و همت بعضی اطبا
زمان ما صرف است بسبب آنکه پشت سعی و مجاهدت بدیوار تعطل و شتم باز داده اند و تحصیل
مسایل علمی و عمل طب که علم محتاج الیه است کما ینبغی قیام نمینمایند لاجرم فیمابین علاج اینست مناسب
حال ایشان و بیماران است اما مناسب این قسم بحال ایشان این است که از خطر بدنامی استعمال
ادویه ایمن میباشند اما مناسب آن بحال بیماران اینست که میل طبایع ایشان بغذاها و میوه ها
که طبیب مناسب حال ایشان میفرماید حاصل است و منت تحصیل آن کمتر است و بر طبایع ایشان
سبک میباشد و بالله التوفیق اغذیه تحصیل اعراض حاره که بسبب حرکات و سوداویها
و بسبب حرارت آفتاب و یا حمام و دیگر اسباب خارجیه عارض باشد از جمله آنها آش جو است
با اسفاناج و کشنیز تر یا گوشت خروس بچه کوچک که نوخوان باشد و یا نان گندم که خالی
باشد از شوایب که ترید کرده باشند در آب انار میخوش و یا سرکه و یا آب غوره و طلب بگلاب
و یا دراج که در بالای ماست ایستاده باشد که آن بغایت تسکین حرارت بدن و صداع

گرم

کرم سادج میکنند اما باید که مجموع مطلی بقند باشد و تخم خیار مقشر و تخم کدوی شیرین
مقشر و تخم کاهو مجموع ایشان کوفته بمقابت برابر باشد ایشان سفید کوفته سفوف سازند
و هر صباح چهار مثقال از این مشغول شوند و یک ملعقه بزر ریحان ترکی گلاب خوشبو بر آن
ان پاشانند و نیز آش غوره و آش ناردان و آش زرشک بگوشت جوزه بچه مرغ فربه
مطلی بقند با اسفاناخ و کشنیز تر جهة این صداع مناسب است و آش تر هندی مطلی بقند
بگوشت فروج و اسفاناخ و سلق و کشنیز تر چون شبعی باشد مناسب است و از میوها
سیب و انار میخوش و امرود و توت شامی و صندل و ابزر ترین ریحان عنب متغیر
مطلی بقند و بیشتر ترنجبین خیار مناسب است و با وجود غذاها چون ارطلو ماسیل
سفید و گلاب و چوش و رستل بلعاب بذر قطونا و اندک شکر بر سر مالند مناسب
و از آش بر شرابه نیلوفر بلعاب بذر قطونا و گلاب و عرق کاسنی مشغول شوند جهت
باشد اعنی بصداع گرم با ماده یعنی صداعی که بسبب ماده گرم یعنی صفراوی خون
حادث شده باشد از جمله معالجات این چون صفراوی باشد اب انار ترش و شیرین
هر دو چهار که داده اب المدسترین بنجعه باشد و دانه اب انار ترش بکعبه باشد اب انار
با پیه آنها بگیرند و صاف کنند و پیه انار از بهر دعای سعید است که در میان دانهای
انار میباشند و آن در تلیین طبیعت و تسکین حرارت دخل تمام دارد و لهذا حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است کلوا الرمان مع شحمه و یک قدح بزرک
اب هر دو انار بگیرند و در آن بیست مثقال شیرخشت حل سازند و قدری گلاب
بر آن بریزند و بناشتا مشغول شوند اسهال صفرا میکند بی تغیر مزاج و نیز پانزده
عدد آلو سیاه بزرک خشک با بیست عدد تمر هندی خشک بجوشانند و در اب آن

بیست مثقال ترنجبین سفید حل سازند و صاف ساخته در صباح بناشتا مشغول شوند تلیین
طبیعت نماید اگر اسهال قوی‌تر خواهند مطبوخ هلیله و سنامکی چنانکه در قرابادین مسطور است
به شرایط مشغول شوند و اغذیه این صداع غذاهای ترش است با نواحی به وجهی که علاج در صداع
گرم بی ماده مذکور شد بگوشت مرغ و جوجه یا دراج یا تیهوج مطجن بقند با اسفاناج و کشنیز تر و باید
که ملاحظه قبض و بسط طبیعت این اغذیه استعمال نمایند و چون این صداع گرم مادی از چون
باشد علامت وی آنست که رنگ و روی سرخ و رگها برخاسته باشد و سر ثقیل باشد
در اول این فصد قیفال باید کرد بعد از آن اغذیه که مفصلا مذکور شد مطجنات بقند سفید
بگوشت مرغ و جوجه یعنی گوشت مرغ و بچه کوچک با اسفاناج و با تیهوج و با دراج و کشنیز
و برنج سفید و ماش مقشر مشغول شوند و آش جو به وجه مذکور مناسب است و هر صباح
شراب لیمو و عناب و نیلوفر با لعاب بذر قطونا مشغول شوند و چون شکم نرم باشد
آش به ترهندی و ماش مقشر و آش آلو با اسفاناج و کشنیز تر و سلق به بعضی گوشتهای مذکور
مناسب است و نیز آش عدس مقشر و اندک برنج با اسفاناج و کشنیز تر بگوشت مرغ و جوجه
جهت این صداع مناسب است و نیز دانه کشنیز کوفته و بقند کوفته آمیخته هر صباح بناشتا
مشغول شوند سه مثقال از سفوف ساخته و بعد لعقه‌ای تر که گلاب خاصه بر بالای آن
بیاشامند و میوه‌های مذکور که جهت صداع گرم بی ماده مذکور شد جهت این صداع محمود است
ان شاء الله تعالی و تقدس اغذیه صداع سرد بی ماده که سبب علامت وی آنست که
رنگ روی سرخ و رگها برخاسته باشد و در سر ثقلی باشد اول در علاج این فصد
قیفال باید کردن بعد از آن اغذیه که مفصلا مذکور شد مطجنات بقند سفید بگوشت مرغ و جوجه

و اسفاناج

خلاف
در رساله صداع
اگر آب برگ بید
ماورد نافع است و اگر
سر را به خاصیت منع بخار از سر کند و بنفشه و کاهو
آب کشنیز تر با گلاب
سر را ضماد کنند صداع گرم را
نافع بود

واسفاناج وکشنیز تر بگوشت مزوّجه یا دراج یا تیهوج مشغول شوند و هر صباح بناشتا
شراب لیمو و عناب و نیلوفر یا لعاب بذر قطونا مشغول شوند و چون شکم قبض باشد
آش تمر هندی و آش آلو بعدس مقشر و با اسفاناج بسیار و با سلق بسیار و کشنیز تر
بگوشت مزوّجه مشغول شوند جهت این صداع مناسب است و نیز دانه کشنیز کوفته
و بقند کوفته آمیخته هر صباح سه مثقال از آن سفوف ساخته مشغول شوند و یک
ملعقه شربت گلاب خاصه بدان یا بالای آن بیاشامند و میوه های مذکوره که جهت صداع گرم
بی ماده محمود است انشاء الله تعالی اغذیه صداع بارد بی ماده که بسبب برودت
هوا و اثر سرما و برف و مثل آن عارض شده باشد نخوداب بدارچینی یک مثقال و مصطکی
یک مثقال بگوشت تقلیه بنعناع و سداب مناسب است و هم چنین قلیه ها که بگوشت
مرغ جوان خانگی و گوشت تقلیه باشد بمصطکی و دارچینی و قرنفل و زیره مشغول
شوند مناسب است و زنجبیل بگلاب بر سنگ سائیدن و بر سر مالیدن
مناسب است و اگر وجع ساکن نشود از روغن مثل نخودی یا مثل آن زعفران در روغن
زنبق و یا روغن قسط محلول ساخته بر سر مالند مناسب است و از میوه ها
به شیرین و امرود شیرین مناسب است والشفاء الله تعالی اغذیه صداع سردی
مادی که از بلغم و ریاح غلیظ حادث شده باشد نخوداب بدارچینی و مصطکی
و زیره کرمانی بگوشت تقلیه جهت او سداب و نعناع و زیره یکنوبت و هم چنین
بگوشت دراج و تیهوج و خروس نیز بشرط آنکه بشوربا خروس پیر اکتفا کنند و جرم
گوشت آن نخورند و چون شکم قبض باشد سلق بسیار و شیره کاغلا اضافه نمایند
و نیز انجیر در آب عسل خیسانند و مشغول شوند مناسب است و چون از ریاح غلیظ

باشد کوئی مشغول شدن مناسب است و روغنهای گرم با بابونه و زعفران بر وجه
مذکور مالیدن چون صداع شدید باشد مناسب است و شراب گرم درین صداع مشغول
شدن مناسب است و اصلح لحوم در این صداع لحوم صید است که بریند به پیاز سفید و
دارو های گرم پخته باشند مناسب است و همچنین گوشت کبوتر به نخود آب مشغول
شدن مناسب است و اصلح لحوم درین صداع لحوم صید است که بریزند پیاز سفید و داروهای
گرم پخته باشند مناسب است و همچنین گوشت کبوتر به نخود آب مشغول شدن
مناسب است اغذیه صداع حاری زردی تخم مرغ نیم برشت و اغذیه حامضه که مکرر
مذکور شد مثلی بقند و دانه کشنیز مقشر و برنج و رمان جوشانیده باسفاناج و کشنیز تر بسیار
مناسب است و آش عدس مقشر بگوشت مرغ جوان و باقلی بکرنب و اسفاناج و کشنیز تر
مناسب است و همچنین رب انار و رب زرشک و رب به مناسب است اغذیه
صداعی که از خشکی دماغ و بی خوابی و ریاضت حادث شده باشد جهت این صداع تخم مرغ
نیم برشت به نبات و نمک و مالوذج قندی به روغن بادام و شوربای برنج و ماش
مقشر بگوشت سینه مرغ و جوجه مرغ فربه و کشنیز و مصطکی مناسب است اغذیه
صداعی که در عقب جماع حادث شود سبب این صداع ضعف دماغ است که از جماع
حادث شده باشد مناسب آن اغذیه مقویه دماغ است خصوصا در زمستان مثل هریسه و باحم
مزعفر و شیر برنج بقند سفید و گوشت بره بریان و گوشت خروس مجمر فربه که در روغن آن
پرمغز کرده کان و کشنیز خشک کوفته و زیره و پیاز سفید و مصطکی کرده باشند و کباب
مطرا خروس مجمر مناسب است و بعد از آن که کباب شود شکم آنرا بر دی صاحب
صداع بکشایند که رایحه آنرا استنشاق کند اغذیه صاحب صداعی که از سقطه و ضربه حادث
شده باشد

شده باشد حلیم گندم است بگوشت عروس بچه مزوره با اسفاناج و کشنیز تر و مصطکی والشفاء
منه تعالی و تقدس اغذیه امراض بارده که در سر آدمی عارض میشوند مثل فالج و لقوه و صرع
و تشنج و رعشه و سکته و غیرها واجب است که اغذیه ایشان قلیه‌ها و مطجنات باشد که
با نان گندم خالص تنوری مشغول شوند بابکاه و سبزیهای گرم مثل نعناع و سعتر و شبت
و سداب و جرجیر و ذیره و تنز نخوداب بر نخود سیاه و گوشت کبوتر بزعفران و قرنفل
و فلفل و مصطکی و دارچینی مطیب ساخته در روغن گردکان و زیت تازه مناسب است
و واجب است که در ابتدای حدوث این امراض که از برودت پیدا شده باشد بیمار در مرض
فالج و لقوه سه روز و یا بیشتر چون صبر داشته باشد گرسنگی و تشنگی بکشد و اکتفا بر ماء
العسل کند و طریق ماء العسل ساختن اینست که عسل صاف کرده را با آب بقوام آورند
و در ظرف کاسی یا چینی و شیشه کنند و کیفیت استعمال وی اینست که هر صباح هفت
انگشت و هر پیشین هفت انگشت و آخر روز هفت انگشت بلیسند و در جمیع
از طعامها مایع یعنی شوربا و اشیاء سرد پرهیز لازم شمرند و اقتصار بر نخوداب
سبزیهای گرم مذکوره و ادویه عطر حاره مذکوره و گوشت کنجشک و کبوتر و کنجشک
گوشت آهو و کبک و خروس پیر که مهزا باشد نمایند و بدینها مداومت نمایند
و گوشت بز نر زرد را چون بادویه‌های گرم مذکوره طبخ نمایند بد نیست و از
میوهای خشک مویز و انجیر و پسته و گردکان و جلغوزه مناسب اند و چون صاحب
سکته بخود آید اغذیه او اهم و الطف میباید از اغذیه سایر امراض دماغیه بارده و باید
که اقتصار نمایند در صباحها بر نان تنوری که در خمیران مصطکی و رازیانه بسیار
و انیسون ریخته باشند و در آخر روز چون اشتهاء صادق داشته باشد بر گوشت

کبوتر و گوشت گنجشک که در نخوداب تشبیره کرده کان و اندک پیه مرغ ال بخته اکتفا نمایند
و بیره بریان کنند و بدهند که تناول نمایند و چون حرارت قوی داشته باشد مندرجی
کدوی شیرین نیز بر مذکورات اضافه نمایند و اگر خواهند ترش باشد اندک سماق نیز کرده
اضافه نمایند و نیز تنقیه سودا شر ایلیها بماء الجبن که در و سنا مکی و افتیمون جوشیده باشد و
بمطبوخ افتیمون نمایند و تدهین تمام تن با دهان مرطبه مثل روغن کدو و نیلوفر و بنفشه
بادام نمایند و استحمام تحمام مرطب که پوسته اب معتدل بو سر ریزند در هفته سه نوبت
بتقدیم رسانند مناسب است انشاء الله تعالی و نقرس اغذیه صاحب سرسام غذای
صاحب سرسام باید که در غایت لطافت باشد و لهذا در اول باید که اقتصار بر سکنجبین
مندی که بر پوست و تخم کاسنی طبخ کرده باشد چنانکه رسم است نمایند بعد از ان اکتفا
بر ماء الشعیر و بیخ گوشت باسفاناج و کشنیز تر که سکنجبین مذکور در ان حل کرده باشند
نمایند چون مرض و ضعف معده بناشد و تلو شوربا به ماش مقشر و عدس مقشر بگوشت
فروجه فربه که نو بانگ کرده باشد و کشنیز تر باسفاناج و کدوی شیرین بکار برند و چون
سرسام صفراوی باشد اش غوره و ناردان و زرشک و ریباس محلی بقند بماش مقشر
و اندک برنج باسفاناج و کشنیز تر مناسب است و اگر طبع قبض باشد الوی سیاه در زن
انها بجوشانند و مشغول شوند سرسام اختلاطی باید بر ماء الشعیر دقیق مذکور فروجه
اضافه نمایند غذای مناسب صاحب سرسام اینست که بگیرند اب غوره و اندک کشنیز
و بادام مقشر و برانلوب خیار مقطع اضافه نمایند و بر مجموع فروجه فربه قلیه کنند
بعد از ان انرا بجوشانند که مهرا شود و مشغول شوند و چون صاحب سرسام از مرض
خلاص شود بعنایت الله تعالی در زمان نقاهت البته پرهیز کند از اغذیه حاره و از

معده

معلوم و آنگاه دارد از امتلاء تخمه زیاده بر اصحاب امراض حاده ذکر احتیاط لازم شمرد و الشفاء
منه تعالی و تقدس اغذیه امراض عین مثل رمد و جرب و سبل و حمره و غیر ذلک
مناسب حال ایشان تقلیل غذا است و نیز ترید نان در مرق اندک و آب بسیار
مخلوط به روغن بادام محلی بقند سفید مناسب است و آش عدس مقشر و ماش
مقشر باندک سرکه محلی بقند که اصلا در آن حموضت نمانده باشد به شیره بادام
و چون مرض میل بتنزل کند با جوجه مرغ خاله و بره بغایت مهرا ساخته مناسب است
و چون حرارت غالب باشد آش جو بیخته بقدر حاجت و اسفاناج و کشنیز تر دران و عناب
چند جوشانیده مناسب است و نیز سفوف کشنیزی مناسب است چنانکه مقداری
دانه کشنیز بکوبند و از پوست جدا کنند و مثل آن قند سفید بکوبند
و امتزاج آن نمایند و هر صباح دو مثقال از آن بر کف کرده بخورند و بعد ملعقه
گلاب خوشبوی بر بالای آن بیاشامند و بر تشنگی صبر مناسب است و چون
از علامات معلوم شود که رمد از غلبه خون است البته فصد قیفال نمایند انشاء الله
تعالی نافع باشد اغذیه رعاف مناسب رعاف اغذیه ایست که به برف و یخ
سرد کرده باشند مثل آش حصرم و رمانیه و تفاحیه حامضه و سماقیه و عدسیه با اسفاناج
و کشنیز تر بی گوشت و با گوشت بجوجه عند الضعف مناسب است و
چون با قوت باشد فصد قیفال در رعاف مناسب است و نشاسته و چون
سیاه دانه در صدف عرق کوفته و از و بالا بیرون نکرده بر سر بینی کنند و در بینی دمند بعد از آن
که هر دو سوراخ بینی را باب سرکین خر که بالای یخ باشند بشویند مناسب است
و نیز کشنیز تر بریخ و یا برف سرد کرده در حبیب سر بالای پیشانی نهند مناسب است

زرده و نان ورا بر بنند و نیز نیمرشت و شیر گاو و مرغ جوشانیده چندانکه غلیظ شود و از اغذیه ملایمه
رعاف آید والله اعلم و قدس اغذیه درد دهان و جوشش دهان که از املاء سبکو بند و اغذیه
هانی که گرم و سرد و اغذیه اوجاع لثه یعنی گوشت بیخ دندان و وجع اسنان بدانکه جمیع امراض این اعضا
خوردن میوه‌های تر مثل بر ترش و غوره و ریباس و توت شامی در عرد در سبب شامی ترش
چون از گرمی باشد مناسب است و آش سماقیه و حصرمیه و عدسیه بگوشت خروس بچه و مرغ جوان
باسفاناخ و کشنیز تر مناسب است و این مذکورات جهت خناق و اوجاع لثه گرم و اماس گرم
نیز بنند و جهت درد دندان چون از سوء مزاج سرد باشد خاگینه کرده کان هسته و کرد کان
شهد و حلوای جوز و امثال آن عسل آب گرم که در او تبر گرم جوشانیده باشند مثل قرنفل و مصطکی
در دهان و نگاه دارند عسل بزعفران و مصطکی در آن کرده باشند و پلاو سیر کرده اول سیر را جوشانیده
بگذارند و آب اول را ریخته باشند و نخوداب بگوشت کبوتر و مصطکی و دارچینی جهت دندان
که از سردی و ریاح غلیظ و بلغم بوده باشد نافع است و چون درد دندان از گرمی باشد
پوست خشخاش بجوشانند و آب آنرا نگاه دارند و قدری گلاب اضافه نمایند و قدری
سرکه و قدری لعاب بزر قطونا نیز اضافه نمایند و چون بغایت بیخ دندان و دهان
گرم باشد قدری کافور در آن حل سازند و مضمضه کنند مکرر و اگر کرم خورده باشد
و سبب آن خون فاسد متعفن باشد علاج آن کندن دندانست و مکیدن خون بیخ آن
و چون خناق گرم المخلط باشد آش ماش مقشر بشیره بادام باسفاناج و عناب و بگوشت خروس
بچه مناسب است و در خناق بلغمی غذای مناسب آن حسوی است که از عسل و نانید
و قند سفید و شیره نخاله پخته باشند و نیز زرده تخم مرغ نیم برشت مناسب است و بعد
الشفا بحمدالله تعالی و منه فقد تم اغذیه بتمام و منزل در بین مرضین مذکورین پرهیز واجب

از امتلا

از امتلاء طعام و ادویه زرگوشتها و چربیها و اختصار مخصوص نماد در نزله گرم
بر شراب خشخاش و شراب بنفشه و لعاب بذر قطونا و آش جو بشیره بادام و اسفاناج
و کشنیز تر یا گوشت و حسوی ماخوذ از نشاسته سفید و روغن بادام و شیره سپوس
گندم و خشخاش مسحوق و کتیرا مسحوق و نیز آش ماخوذ از ماش مقشر و باقلا و شیره
بادام و شیره خشخاش و کدو و پاچه بزغاله و تره مزاجیج مذکورات از برای
نزله گرم و زکام گرم و سرفه گرم و خشک را نافع است و جهت نزله سرد آش رشته
بشیره بادام و عسل و اسفاناج و کشنیز تر مناسب است و نان حسوی متخذ از شیره بادام
و شیره سپوس گندم و عسل مناسب است و نان بادو شلب مشغول شوند مناسب است
و ثقل به بادام بریان کرده و انجیر و مویز بر گوشت نافع است و از گوشتها گوشت جوجه
چهار ماهه و گوشت خروس بچه با آش مقشر و اسفاناج مناسب است و نیز فالوده
قندی و عسلی بشیره خشخاش و روغن بادام در زکام بلغمی سرد مناسب است انشاالله
تعالی که نافع باشد اغذیه سرفه و خشونت سینه اغذیه مناسب ایمرض آنست که ماش
مقشر را در آب بجوشانند و با شیره بادام بسیار طبخ نمایند که حریرا شود و با نان بخورند
البته از آب سرد و ترشیها پرهیز نمایند و آش ماش مقشر به شیره بادام و پیه مرغ
خانگی و اسفاناج و با پاچه بره و بزغاله که مهرا شده باشد مناسب است و نیز شیره
خشخاش با قند مناسب است و نیز جهت سرفه مطلق حریره ماخوذ از آرد باقلا و روغن
بنفشه بادام و آب انار شیرین مناسب و احساء متخذ از ماش مقشر و باقلا و روغن
پاچه و لعاب تخم کتان و نشاسته و قند سفید با یکدیگر طبخ نیک کرده مناسب است
که بلغم لزج بسیار بسبب آن از سینه جدا شود مناسب است و تعلیل مدارا شوربا کرنب

بگوشت تقلی مزوره و برشته با اسفاناج و کشنیز تر واندک فلفل ناکوفته که در ان عند الطبخ انداخته
باشند مناسب است و هلیم گندم بگوشت تقلی مناسب است و تنقل ببادام مقشر محلی با قند
مشغول شوند نافع است و نیز انجیر و جلغوزه و خربزه شیرین و حلوا ماخوذ از خرما
و مانند و روغن بادام و لعاب حلبه مناسب است اغذیه اصحاب ضیق النفس و ربو مزمن
اغذیه مذکوره مناسب است و جهت کسی که ماده غلیظ در سینه داشته باشد ماء العسل که بدان
زنجبیل و مصطکی و دارچینی و انیسون کوفته اضافه کرده باشند مناسب است احشاء که ماده
سرفه نضج دهد و سرفه خشک را نافع باشد بگیرند آرد باقلا سه جزو و نشاسته یک جزو و قند سفید
دو جزو و کثیرا سفید کوفته و بیخته نیم جزو شیره سبوس گندم یکقدح و با یکدیگر طبخ کنند
چنانکه شرط است حسوی که جهت سرفه قریب العهد و حمی مناسب است بگیرند یک کف
نخاله گندم و در آب بجوشانند و بپالایند و باز بر آتش نهند و هفت مثقال نشاسته
کوفته و پانزده مثقال قند بر ان اضافه نمایند و بشیره بادام بقوام آورند و نیز بازردی
تخم مرغ نیم برشت بی نمک که بر بالای ان نبات سوده و بیخته باشند مشغول شوند نافع است
انشاء الله تعالی و تقدس [illegible] نفث الدم مر غذاء که ان غذا را لزج دهد و حق ان ساکن
کرده اند مثل روغن بادام و آش ماش مقشر و عدس مقشر که در ان بادام بیخته باشند و بیسته [illegible] عناب
در ان انداخته باشند که بجوشد مناسب است و نیز فالوذج قندی که ماده ان نشاسته
باشد و شیره خشخاش طبخ کرده باشند بروغن بادام مناسب است و آش جو که بهمان
عناب و قطعهای شیرین جوشیده باشد مناسب است و از اغذیه ملائمه این مرض [illegible]
و ماهی و مزاجی است که ان ماهی کوچک سفید است که از آب شیرین که بر سنگ ریزه
جاری باشد گرفته باشند و نیز سماقیه و حصرمیه و زرشکیه بگوشت دراج و تیهو و مرغ [illegible]
بچه مناسب است [illegible] از میوها به شیرین و سیب [illegible] و عناب تر و دانه مویز منقی
که [illegible]

که بکمال منضج باشد مناسب است و نیز در طعام ایشان که مربا و نشاسته کوفته و انار
بیرون کرده باشد و بجنین مناسب است و نیز کلارمی بکمثقال با شراب صندل مشغول
شدن مناسب است والشفاء منه تعالی و تقدس اغذیه مسلل جمجمه سل اشرف اغذیه
شربها و مرغ و شیر بز مرغ حضو مناسب و شیر ادمی که هر صباح سی مثقال از ابها بجوشانند
و ده مثقال نبات سوده امانه نمایند و مشغول شوند چون تب ظاهر او سل نباشد
و اطلاش جو بشیره بادام و خشخاش و قند شقیل باسفاناج و کشنیز تر مناسب است و اگر
خواهند مزوج بیم و لعاب حلق بسیل باشد شیره خشخاش را موقوف دارند و بهدانه
دانه به و نبات در صحان کنند و لعاب ان بکشد و از اغذیه مناسب این مرض حلیم
گندم و حلیم جو و ابا قلا بگوشت مرغ جه و مرغ جوان مزور گوشت بره باسفاناج
و کشنیز تر و اش برنج و ماش مقشر با لحوم مذکوره هم مناسب است حتی ماهی زلال اردو
باقلا و اب نخود و کرسنه بشیره بادام طبخ کرده مناسب است و نیز اش جو بگوشت
خرچنگ و اسفاناج و کشنیز تر چون تب قوی همراه ان باشد مناسب است و نیز
شربت قند خالی تر جرشش است و خربزه شیرین جلاء ترجرشش صید هد حتی
دکر کرسل و حرارت را مناسب است بکیرند نخود مقشر و لوبیای سرخ مقشر و کعک
منه قطیر یعنی بسکیاما و ماش مقشر همه بکوبند و از بیر و نیز نا بیرون کنند و نیک
کف مجموع در اب بجوشانند و چون وقت بختن شوند در نیم روغن بادام بران
ریزند و بقوام اورند و مشغول شوند مناسب است و از گوشتها گوشت مرغ خانگی
جوان مزور و پاچه بزغاله و بره و گوشت بزغاله و گوشت ماهی رضراضی که گفته شد
مناسب است و کباب مهرا ساخته نیز مناسب است والشفاء منه تعالی و تقدس

اغذیه ذات الجنب غذای معتدل مرض جواب است اسفاناج وشیره بادام وبعد چه
چون ضعیف باشد وبعد از آن این مستوی مناسب است که بگیرند آرد جو واسفاناج و
شیره بادام طبخ کنند واش ماش مقشر واندک برنج بشیره بادام واسفاناج وکشنیز تر مناسب است
مزوره مناسب این مریض چون حرارت باشد بگیرند شیره تخم خیار وشیره مغز حبلدی و شیره
دانه کدوی شیرین بقند وروغن بادام ویا شیره بادام طبخ کنند ومشغول شوند مناسب است
وپوست دانه به وبنات در دهان گیرند ولعاب آن بمکند که مناسب است وچون حرارت
نباشد ماهی رضراضی مناسب است که بگیرند تازه بریان کم نمک مشغول شوند ونیز قند
سفید وکره تازه بنان خوردن چون حرارت نباشد مناسب است وچون حرارت
باشد شراب بنفشه وشراب نیلوفر بلعاب بذر قطونا وگلاب مناسب است اغذیه
خفقان گرم اصحاب خفقان گرم را اغذیه که جهة اصحاب جگر گرم ومعده گرم مناسب است
مثل طعام مزوره وزرشك وریباس ونار دان وحماض باسفاناج بسیار وکشنیز تر وتره
نسبه ودر آن انداخته که بجوشند بگوشت تر وجه ومرغ جوان ودراج وتیهوج وکباب ماهی
رضراضی وتطیب مذکورات به بر شیرین مطیب وسیب شیرین مطیب مناسب است
ومعرقات بادویه بارده واشربه عطره بارده مثل شراب صندل بغایت مناسب است
اغذیه خفقان سرد نیز آن گوشت نقلی مزعفر مطیب بقرنفل ودارچینی ومصطکی
وعود وسنبل ونعناع وبادرنجبویه در آن انداخته که بجوشد مناسب است ومعجون مباح
دواء المسك حلو نیم مثقال تا یک مثقال در آب سیب شیرین مطیب وگلاب حل ساخته مشغول
شوند نافع است انشاء الله تعالی وتقدس وسفوف کزبره در خفقان باشد نافع است
وطریق ساختن وی اینست که بگیرند دانه کشنیز تر وآنرا بکوبند بغایت چنانکه

رزوالا

از والابکذرانند و قند سفید مثل ان حل الکوبند و بعد ازان هر دو را بهم بیامیزند
و هر صباح سه مثقال ازان بر کف کرده مشغول شوند و بلب ملعقه نرم که کلاب
مطیب سرد بالای ان بیاشامند و مکرر در ایام کثیره برین وجه عمل نمایند نافع باشد ان شاء الله
تعالی و تقدس اغذیه رقت شیر مرغ عسلک نخود آب یکوشت نقلی فربه و ماهی صغار
در روغن کره بریان کرده حسو تحیه تخذ از آرد جو و آرد نخود و آرد گندم و آرد حلبه شیر
گاو تازه جوشانیده و در وقت جوشیدن قدری تخم رازیانه انداخته و روغن بادام
و قند بقدر حاجت مناسب است و اما اغذیه ملازمه این مرض شیر گاو و شیر بز سبب
کرده ران بیرن شست و رازیانه و کرفس و شبت خیسانیده باشند و اگر بجای برگها
تخمهای اینها دران خیسانیده باشند بهتر است و بدین شیر برنج طبخ کرده قند
امتزاج کرده تناول نمایند الشفاء منه تعالی اغذیه امراض معده اکثر امراض معده
حادث میشود از سوء مزاج مادی معده و اجتماع اخلاط بارده و چنانچه دران اغذیه
که صلاح تنقیه معده دارند بطریق قی کردن تر بهتر است که باشیشه ممرا کرده باشند
و نیز آب کامه است ممزوج باعسل و سکنجبین عسلی است که اینها را مشغول شوند و آب
گرم بربالای ان و باسکنجبین قندی در آب حل کرده بربالای اینها بیاشامند و چیم
و شکم بسته بپر مرغ قی کنند و نیز پوست بیخ درخت خربزه پنج مثقال بجوشانند
و بکربی بپالایند و در آب آن ده مثقال سکنجبین قندی حل ساخته بگرمی بجرع فرمایند
که تا بلغم بپاو برد و ان برای معده گرم حصرمیه و رمانیه و تفاحیه و در شکن قی کو شست
چون رای بیاسانی طبیب تقاضا کند و با یکوشت خروس چوجه و کبک و بزغاله سرخ
و بره شیر خوار مناسب اند باسفاناج و کشنیز تر و یکمثقال مصطکی دران جوشانیده باشند

وازمیوهای ترش سیب ترش ومیخوش وبه سبزین مطیب وامرود نافع است وچون گرمی معده
زیاده باشد دوغ که ازماست ترش ساخته باشند مناسب است واز برای معده سرد نخود آب
وکشنیز تر وخشک در آن بسته وانداخته که در آن بجوشند بدارچینی ومصطکی وزیره بروغن
زیت نانه وگوشت کبوتر یا مرغ جوان خاکینه زیره مناسب است ونیز اطعمه که در آن دارچینی
ومصطکی وانیسون وزیره ملح کرده باشند وبجای سبزیها سعتر وسداب در آن جوشانیده
باشند مناسب است واز میوها خشک سنجد ونخود وفستق وبادام ملح مناسب است
ودر حبه امراض بارده معده اطعمه که به سیر وپیاز پخته باشند مناسب است تا ماباین که آب جوش
اول سیر را بریزند ونیز سیر که ضعف معده است تا اگر بدان پیاز گرفته باشند ودیگر ملح
ابازیرها گرم مثل مرزنگوش وغیره باشند تا بدان گرفته باشند مناسب معده سرد است
اغذیه هیضه وانقلاب معده فواکه قابضه وحامضه است بعد از اتیان بهضوم
ونعوم ودنی ملح ومرغ پیچه زیره کباب کرده ومطرا ساخته ودر وقت کباب کردن
آب سماق غوره لیمون نافع است واز سبزیها نعناع وکرفس وکاسنی وطرخون در اطعمه
لطیفه صاحب هیضه بعد از آنکه اشتهای صادق پیدا شده باشد مناسب است
اغذیه فواق بیشتر آنها که در رود اروهای گرم مذکور بکار رفته باشد وزیره
بسیار بآن جوشیده باشد سبزیها مطیب مثل سداب ونعناع وکرفس وتجرع آب
گرم بکرات نافع است فوایب که نفع سبیل هم کس را کرا اشتها طعام او ضعیف باشد
بکبر دماش مقشر وبسیار بجوشانند تا مهرا شود وپیاز تر ومعتر وکشنیز تر را قطعه
قطعه ساخته همه را با شیره بادام بجوشانند که پخته شود ونمک کوفته قدری بر آن
بریزند وبگذارند که جوشی چند بزنند وبعد از آن ماش همه آرا بر آن بریزند بقدر پخته

حاجت

حاجت و دیگر بجوشانند و چون نیک پخته شود بر آن قدری زیره کوفته اضافه نمایند
و آب انار ترش و یا سرکه هر کدام که بیمار خواهد اضافه نمایند و بریان که در جمیع آن مصطکی
و پخته و پخته باشند مشغول شوند نافع است ان شاء الله تعالی و تقدس اشربه عطش
بدانکه تشنگی بر دو قسم است تشنگی صادق و تشنگی کاذب غذای تشنگی کاذب زیرباج
بقند سفید و مانند شیره بادام باد و به جاره مذکوره مرارا و اما غذای تشنگی صادق
طعام مطبوخ با سفاناج است و طعام کدو و یا سرین و حلیم جو است و این مجموع بگوشت
خروس کوچک فربه و گوشت بزغاله مناسب است و کباب ماهی و مزاجی نیز مناسب است
و از مسکنات تشنگی صادق امرود است و همچنین بوانه محلی بقند و طعام ناردانی و طعام
کاهو و نیز خربزه مسکن تشنگی است مگر آنکه بغایت خربزه آن گرم مزاج و صفراوی باشد
و رعایت شرایط نکند که مستحیل بصفرا شود و یا خربزه بغایت شیرین باشد و آب
افشله غوره و آلو و آب کشنیز تر نافع است جهت عطش صادق والشفاء منه تعالی بیده
شانزدهم اغذیه امراض جگر اغذیه جگر گرم آش جو است که در آن کاسنی و کشنیز تر
جوشیده باشد و آش مقشر است باکاهو و سلق و کاسنی بگوشت فروجه و نیز آش کدو
و عدس مقشر است که از ابر که و یا زرشک و یا ناردان پخته باشد و اغذیه قابضه
در امراض جگر محمود است چنانکه محمود است در امراض معده و دوغی که از ماست
ترش ساخته باشند جهت جگر گرم محمود است و نیز کشوت و عنب الثعلب و لسان الحمل
چون در طعام اصحاب جگر پخته باشد نافع است و آش زرشک طعامی است نافع جهت
جگر گرم که محلی بقند باشد و نیز نافع است جهت ایشان مکیدن نار شیرین متواتر
و نیز نافع است جهت ایشان تجرع سکنجبین ساده اما جهت اصحاب جگر سرد و امراض وی

که از سردی باشد غلیها باد و به حاره مثل دارچینی و مصطکی و زعفران و مطبخات و برابها لحوم
خفیفه مثل گوشت کبک و کنجشک و دراریج و امثال و قلیه که بهت بزیره و فلفل و دارچینی و قرنفل
که سبزی ان سداب و نعناع و شبت باشد و حلوا ماخوذ از عسل و روغن کرده کان جهه
ایشان مناسب است و خوردن خوبی الجیم هم مناسب است و در اطعمه ایشان کاسنی طبخ نمایند
مناسب است حسوی متخذ از حلبه و لبوب حاره و زرب سیاه فتح سده جگر مینماید و مویز
مویز منقی تقویه جگر سرد بکند و زردی تخم مرغ نیم برشت جهه ایشان غذای محمود است
اشد به ورم و وجع سپرز اغذیه اصحاب سپرز کاسنی پخته و کاهوی پخته است و گوشت
خروس بچه و امثال آن مقشر به سرکه با اسفاناج و کشنیز تر و گوشت فروجه بغایت نافع است
و انچه مینمایند در سرکه نافع است و همچنین سرکه بهمه حال سپرز غلیظ را میگدازاند
و همچنین سکنجبین ترش بشیره تخمکان در سوء مزاج گرم سپرز مناسب است و سکنجبین
بزوری حاره و بارده و یا برای مرکب صلابه سپرز مناسب است و نیز حب الخضرا جهه
صلابه سپرز مناسب است و یا زرب سیاه که در سرکه پخته باشند جهه صلابه ان مناسب است
و شلجم بسرکه کرفته که دران خردل و زعفران کرده باشند نافع است نانی که از برای
اصحاب سپرز نافع است اینست که بگیرند ارد گندم یکمن و انیسون و مصطکی از هر یک
عشر یکمن بار دمذکور را امیخته در تنور طبخ نمایند و این نان را با سرکه کبر تناول نمایند
و مداومت کنند کمربی نافع است و بادنجان بسرکه کرفته جهه صلابه و ورم سپرز
نافع است و اب باران افضل ابهاست جهه صاحب ورم سپرز و جهه وجع
سپرز که از ریاح غلیظ باشد معجون کمونی کربی نافع است اغذیه اصحاب استسقا
واجب است که غذای اصحاب استسقا را وزن کنند و باید سدس غذائی باشد که

درحالت

که در حالت صحت مجوز بوده اگر متوسط الاکل بوده باشد و اگر کثیر الاکل بوده باشد
غذای او ده یک غذای صحت باشد و آبی که مستسقی گاهی مجوز بود واجب است
که مدبر باشد و تدبیر آن اینست که بگیرند آب دو دخانه صد من و سرکه یک من و دو
بجوشانند چندانکه ثلث آن بماند و سرد کرده گاهی مشغول شوند و اگر سرفه و تنگی
نفس همراه باشد بجای سرکه تخم رازیانه و انیسون در او بجوشانند و سرد کرده
گاهی مشغول شوند و صبر بر تشنگی و گرسنگی درین مرض بسیار مفید است و از اغذیه
مناسبه استسقاء مطلق آش زرشک است بماش مقشر و اندک برنج مجلی بقند سفید
که سبزی آن کاسنی و اسفاناج باشد بگوشت تدرو جوجه و انیسون دو چی و مصطکی و مزاب
زرشک نیز درین مرض بسیار مناسب است و قلیه زرشک باللحوم خفیفه که
کهنه نشود عنقریب بنان مدبر مذکور مناسب است و اگر استسقاء سرد باشد علاج
آن اقتصار است بر نان خشک فقط که تدبیر آن بمصطکی و انیسون کرده باشند
و اگر ضعیف القوت باشد نان خورش وی گوشت تیهو و یا کبوتر بچه و یا گنجشک
و یا تدرو جوجه باشد که کباب کرده باشند و از جمله نان خورشها نان خورش وی سرکه است
مجلی بقند که زیت مخلوط ساخته باشند و نخوداب بگوشت تدرو جوجه و یا مرغ خانگی
جوان بدارچینی و مصطکی و انیسون بسیار درین استسقاء محمود است و باید که دوای
گرم و انیسون که در اطعمه استسقاء سرد بکار میبرند بر وجهی باشد که تشنگی را زیاده نکند
و الا تخفیف آن کنند و اگر استسقاء گرم باشد اول در تغذیه آن اقتصار است بر برنج
مزعفر یعنی اغذیه گوشت نداشته باشد در آن آش زرشک مجلی بقند بماش مقشر
و بکاسنی و گاهی مناسب است نیز درین استسقاء آش مجلی به سکنجبین تنزی باسفاناج

وکشنیز تر مناسب است واگر از آش جو در اعراض صفرا نی در بعضی احساس کند امتصاص
بر سکنجبین نمایند که در عرق کاسنی حل ساخته باشند که این شربت نیز غذا است فی الجمله اگر
قوی القوی باشد واگر ضعیف باشد فروجه و با نیمرو اضافه نمایند واگر ان را ابر در شلک
ترش کنند محللی بقند مناسب تر باشد نافع باد انشاء الله تعالی ونقد س اغذیه بیرقان
نافع است جهة یرقان زرد الحمه عوره مثل آش وغلیه ان آش ماش مقشر ونخود مقشر
بکوشت فروجه واسفاناج وکشنیز تر وکاسنی که ممزوج سرکه کبر محللی بقند جوشند
واش در شلک نیز بروجه مذکوره مناسب است وهم چنین مناسب است جهة یرقان
زرداب کوشت فروجه که در سرکه واب ودروغن ذبت تازه پخته باشند که
باندک نان مدبر بمصطکی وانیسون تناول نمایند در مریض نیز تقلیل غذا مطلوبست
ونیز ماهی سفید که از او مزاجی میکویند بریان کرده بخورند مناسب است وجمیع
این مذکورات در یرقان سیاه مناسب است وچون مریض ضعیف القوی باشد
اغذیه مذکوره را بکوشت مرغ جوان مهرا و باکوشت دراج ونیمرو مناسب است
ونیز ماست ترش ودوغ ترش مشغول شدن مناسب است واش انار دانک ترش
مقشر هم مناسب است بلحوم مذکوره ونخود اب بلحوم مذکوره وسلق ممزوج
بسرکه کر محللی بقند باشد هم مناسب است ومشغول شدن سکنجبین ساده وبازوری
معتدل که در عرق کاسنی حل کرده باشند نیز مناسب ایشان است چون حرارت
وتشنکی باشد اش جو با فروجه با اسفاناج وکشنیز تر که اب در شلک ترش باشد
مناسب است والشفاء منه تعالی ونقدس اغذیه اسهال صفراوی که
علامت ان حرارت وتشنکی با فراط وتلخی دهان وممزوج صفرا بطریق اسهال باشد
بکیرند

بکیرند پنج مثقال ادجو بریان کرده و صمغ عربی بریان کرده یکمثقال و طباشیر بریان کرده
یکمثقال مجملی بشراب صندل ساخته در صباح مشغول شوند و باب انار میخوش و سماق
ترش داغ کرده یکما از خشک شده مدبری کوفته و بیخته در ان اب انار و یا با ماست
ترش داغ کرده بیامیزند و تناول نمایند و تدبیر ماست اینست که بکیرند ماست
کاو ترش را و تا بیست نوبت اهن با اتش سرخ کرده در ان اندازند که بجوشد
و هم چنین بیست نوبت دیگر سنگ گرم کرده چنانکه دست بسوزاند در ان
اندازند که بجوشد چنانکه نصف یا ثلث بماند بعد از ان ان ماست را در کیسه کرده
بپالایند و وقت استعمال دوغ کنند و بکار برند و بوقت تشنگی بجای اب نیز مشغول
میتوان شدن و هم چنین اب صاحب اسهال را داغ کنند بر وجه مسطور و لهذا فقیر
بعضی استادان را دید که صاحب اسهال صفراوی را اب جلادان را که اهن در ان
سرد میکنند فرمود که تصفیه و برد کنند و بیاشامند و نیز اش زرشک بر برنج بریان
کرده و یا با ماست و کشنیز بر بکوشت خروس بچه که اول کباب کرده باشند و بعد از ان
در اش طبخ کرده باشند مجملی بشند تناول نمایند و اش انار دان و غوره و سماق مزوره
که در ذر سنگیه کهنه شده مشغول شوند و اکر شیره بادام بریان کرده و با خشخاش بریان
کرده بجای فرموده بکار برند میتواند بود و نیز بریسه کرده بر این اشها اجرب کنند
میتواند بود و نافع است فاما باید که این اشها غلیظ باشند و ابی نباشند و نیز
صمغ عربی بریان کرده یکمثقال تا دو مثقال کوفته در وقت تناول اضافه این اشها کنند
و در این اطعمه بر شرین مطیب مقطع ساخته و لعل سازند که طبخ شود هم مناسب است
و نیز کاهی بر شرین مطیب ذرخیز کیرند و در اش سرم بخندند که بپزند و مشغول شوند

ونیز مویز سیاه پر دانه را با ناردان بریان کرده بکوبند بالمناصفه و شیره آنها را بگیرند و در آن
برنج ناشسته بریزند و شیره بادام بریان کرده با شیره خشخاش بریان و بر شربت مطیب مقطع با آن
بران اضافه نمایند و طبخ فرمایند و تناول نمایند مناسب است نافع باد ان شاء الله تعالی
و تقدیس اغذیه زلق الامعاء که بسبب جوشش سطح معده حادث شده باشد
مزوریست که از آب غوره و سماق و سرکه و زرشک اخذ کرده باشند برنج ناشسته
اما باید که محلی بقند باشد و نیز مناسب است که درین مرض بگیرند مقدری از جو
و نصف آن جاورس مقشر و طبخ کنند در آب بعد از آن ارزا اضافه کنند و اندک
روغن بادام و یا تدریب شیره بادام بریان کرده بران اضافه نمایند بعد از آن بگیرند
تدریب کعک الخشک کوفته و بیخته بدان بیامیزند و از آن حریره طبخ نمایند و مشغول
شوند و یا بگیرند آب سماق و در آن جاورس یکشبانه روز بخیسانند و بعد از آن
جاورس را بسیاری بدست بمالند بعد از آن بجوشانند که حریره شود و سرد کرده
مشغول شوند نافع است ان شاء الله تعالی و تقدیس اغذیه اسهال بلغمی
بدانکه غذای مناسب این اسهال سویقات است مثل سویق سنجد و سویق ناردان
و سویق حب توت شامی و سویق سیب ترش و سویق به قابض ترش و سویق
بلوط بریان کرده و سویق دانه مویز و سویق امرود و سویق گندم و جو بریان
کرده و سویق کعک الخشک بریان کرده و سویق بادام بریان کرده با پوست
و سویق عنق انبها را بعنابت سحق کنند و هرگاه که جمیع مذکورات و یا بعضی انها را
با بعضی ربوب مثل رب به و آب سیب ترش و رب انار ترش و غیره مشغول شوند
نافع است و مراد از سویق آرد مذکورات است و طعامی که از جاورس مقشر معلو

به بیه برنج و مصطکی طبخ کرده باشند نافع است و نیز پلاودی از برنج بریان کرده و با ناشسته
که بریان نکرده باشند اگر برنج سرخ باشد بهتر باشد به بیه بز و با شیره خشخاش بریان کرده
و با شیره بادام با پوست بریان کرده و مصطکی به یکی ازین ترشیها طبخ نمایند مثل سماق که
منیاه پلاودی شود و مشغول شوند مناسب است و چون ضعف غالب باشد مزوجه
فربه و با مرغ جوان و با دراج و با تیهوج را در اول کباب کنند بعد از آن در طعام
اندازند که پخته شود مناسب است اما بهتر آنست که غذای صاحب اسهال مطلقاً
بی گوشت باشد خاصه اسهال دموی و سحج امعا و اگر جهة ضعف داخل سازند باید
که جرم آن را مشغول نشوند و اگر ضعف غالب باشد مزوجه با سماق کباب کنند
چنانکه مطرا شود و مشغول شوند و از سبزیها از برای این اسهال کرفس و کراث و کشنیز
و نعناع و فودنج در آزاد بالح و شبت و سداب مناسب است باید که در اطعمه صاحب
اسهال دانه کشنیز بریان کرده در قته دسته بپندازند که با آن بجوشد و از میوهها بستر
و قصب و دانه مورد تر و حزبوت شامی و سفرجل مشغول شوند مناسب است و اگر
از سفرجل جمله هر مساح که در گلاب خیسانیده باشد مشغول شوند مناسب است
و از ابازیر سنبل و زیره و نانخواه و خردل در اطعمه بیشتر بریان کرده مشغول
شوند مناسب است بریان کردن ابازیر وجه است که اول حرارت آب گرم
آن را نشوید بلکه در آب بجوشانند و بعد از آن بیخ بگذارند و کباب کنند
چنانکه چون سرد شود بکوبند بغایت کوفته شود مشغول شوند با بعضی حلویات
مناسبه مثل شراب مورد و صندل و کردکان بریان کرده و نیز درین مرض
مناسب است و درین نوع اسهال بهترین معالجات صبر است بر گرسنگی و تشنگی

وتعب است ونیز باقلا وزیره بریان کرده که با سرکه یک شبانروز خیسانیده باشند
بعد از آن باقلا را صحرا کنند وزیره بریان د بزنند ومشغول شوند مناسب است ونیز
زردی تخم مرغ در سرکه جوشانیده که پخته شود ومشغول شدن مناسب است
اغذیه هیچ انعما واشربه آن بدانکه اغذیه هیچ اعما اغذیه بوجه قابضه است مثل
برنج وکاورس عشر مقلو بیه کرده بزغاله دبیره بادام بریان کرده باپوست وایضا
بزه بلغ بریان کرده باپوست وایضا کسره بیضه بریان ونیز تخم مرغ نیم برشت مناسب است
بی نمک مناسب است وهم چنین بلچه بزه و بزغاله در برنج ناشسته طبخ کرده با سفاناخ
وکشنیز هم مناسب است حسوی که نفع تمام میدهد در هیچ بگیرند از دجو بریان
کرده ونشاسته بریان کرده باپوست بادام بریان کرده وخشخاش بریان کرده و
انبهارا در اول بغایت نرم نمایند بعد از آن در آب اندازند واندک سماق
وطبخ نمایند وبیرون ودانه کشنیز خشک در رقعه بسته واندک اندازند واندک
سماق وطبخ نمایند وبیرون ودانه کشنیز خشک در رقعه بسته واندک زیره
بریان کرده در سرکه خیسانیده بدان اضافه نمایند وبسیار طبخ کنند که تمام شود
ومشغول شوند ونیز بگل ارمنی که دیگ نداشته باشد تنقل نمایند ونیز آن
ماست داغ کرده چنانکه گذشت دوغ ساخته مشغول شوند ونیز آب را
داغ کرده چنانکه گذشت دوغ ساخته مشغول شوند ونیز آب را داغ کرده
چنانکه گفته شد ومورد بربند وقطونا بریان کرده وصمغ عربی بریان کرده
از هر یک یکمثقال بر هفت مثقال اشربه مذکوره تناول نمایند باندکی گلاب
هر صباح بغایت معتدل است انشاء الله تعالی ونقدس افزیه اسهال دموی

هر چه مبرد و مجفف است از قوابض نافع است در بند اسهال مثل نانی که سبوس آن
گرفته باشند و مثل عدس کرده و نوبت جوشانیده باشند و آب آن ریخته باشند و در کرت
سیم آن طبخ کرده باشند با سماق و آب انار دانه مقلی بقند و با عدس مقشر طبخ کنند پس برنج هم
و هم چنین است طعام غلیظ مثل پلاو و چنانکه مویز بی دانه سیاه را بکوبند با انار دان
و سبزه از آن بگیرند و برنج ناشسته در آنجا بریزند و پلاو و از آن طبخ کنند و با نمک خشک
بخورند و آش جو نیز در این مرض نافع است طریق طبخ آن بر این وجه که جو را بکوبند
که سفید شود بعد از آن بریان کنند و بلغور سازند و با آب انار دانه طبخ کنند طباشیر
بریان کرده دو مثقال در رقت بسته در آن اندازند که بجوشد و قدری آب زرشک
نیز اضافه آن کنند و طبخ بلیغ نموده تناول نمایند و مطلقا سماق و زرشک و رمانه مناسب است
که برنج ناشسته بپزند مثل پلاو و بیرون اضافه آن نمایند و چون حرارت مزاج همراه باشد
گوشت اضافه نکنند و اگر ضعف از جانب بغایت غالب باشد اضافه گوشت مزوره را
مزوجه و یا مرغ خانگی جوان و یا کبک و دراج و تیهو اضافه نمایند اما تا میسر است
جرم گوشت نخورند و نیز نافع است در بند اسهال که نان در آب غوره یک شبانه روز
بخیسانند و بعد از آن خشک کرده بریان کنند و با ماست داغ کرده تناول نمایند
و گوشت خوردن را در بیخ امعا و اسهال دموی بغایت بلاست و اگر بسبب قوت
ضعف ناچار باشد گوشتهاء مرغها که گفته شد را بجوشانند و آب آن بریزند
و بعد از آن کباب کنند چنانکه سرخ شود و مشغول شوند و با پاچه بز و بزغاله قایم
مقام گوشت مذکور است خصوصا چون پاچه را در سرکه تا بعض طبخ نمایند تا
چون حمی و حرارت مفرط همراه باشد هیچ چیز مضرتر از گوشت نیست باید که در این حالت

حلت جل برب بکنند مثل نادرش ورب به ورب حوره ورب ریباس ورب غوره
ورب سیب مزمزش ورب لیمو ورب حماض ورب رشک مجموعا او مفردا ودست مشغول
شوند ورب حوره مزمز است واکتفا بر اش حو که مذکور شد ومزورات مذکوره مثل
سماقیه ورمانیه ومثل اسفاناخ بی گوشت نمایند نانی که مسکن خلفه واسهال دموی باشد بکوبند
بیه کرده بز و قدری دانه کشنیز خشک و کشنیز خشک دانه باشد و دانه کشنیز را بکوبند
و بر بریزند و به بیه بز چربی سازند و آرد گندم و اندک نمک اضافه نمایند و خمیر بکیرند و نان
ملح نمایند در تنور و بکرمی آن نان را بخورند نافع است انشاء الله تعالی و تقدس

اغذیه قولنج چون حدوث قولنج از باد بلغم باشد باید که صاحب آن دو سه روز
امساک کنند از طعام که مشغول شوند و از آب و اگر صبر نتواند کرد بیک شبانروز لازم دانند
که جوع وعطش از صالحات جمله است در این قولنج شوربا مناسب است و این مرض
اینست که خروس پیر را اول بسیار بدوانند که بی قوت شود و بکشند و گوشت او را
با گوشت فاخته و کنجشک و مرغ خوار بجوشانند چندانکه مهرا شود و در آن زیره و انیسون
وکرویا و تخم کرفس و نخته باشند که بجوشد و مطیب کرده باشند بدارچینی و زنجبیل
و سعتر و سداب و نمک بسیار وازان مشغول شوند اما البته گوشت خروس پیر را مشغول
نشوند و بر شوربا آن اکتفا کنند و چون تغذیه ایشان از آن مراق بجاوز کند واجب است
که نان ایشان خشک کاک باشد که در خمیر آن زیره و کرویا و نانخواه مصطکی و انیسون
و زردی تخم مرغ نیم برشت مناسب ایشان است و همچنین عسل و کره تازه که بهم
بیامیزند و کرم کرده بنان مذبر مذکور مشغول شوند و بعد از طعام آب کامه بیاشامند
نافع است و از میوه ها انجیر و کردکان و بادام و خرما و کهکان هندی و حبة الخضراء و جلغوزه

ومیز

و موز مفید بر گوشت مناسب است و جهت تحلیل ریاح مو دیج و کرد یا ون برو سحق
و سلاب نافع اند که در اطعمه ایشان داخل سازند و جوارش بکو بند جهت این قولنج اعنی
قولنج ریحی بغایت مناسب است و روغنهای گرم مثل روغن بابونج و روغن سداب
و امثال اینها گرم کرده و شکم را بدان فرو مالیدن نیز از اینها مناسب است و کماب
مثل نمک و سبوس و کاورس را بریان کردن و گرم کردن چنانکه دست بسوزاند
بر موضع وجع بستن مکرر مناسب است اما چون قولنج با مرارت باشد و یا باعث که
ثقل باشد که در روده ها بسته شده باشد و سبب قبض شده باشد شوربا و مربا باشد
مقشر که جهت ایشان اعذب باشد شوربا و چیزی که لاشتر باشد مثل شوربا گوشت
بره شیرخواره و مرغ خانگی فربه و فروج فربه و شیره بادام و سبزیها ملینه مثل اسفاناج
و چغندر و اشربه مناسبه مثل شراب انجیر و شراب بنفشه و شراب آلو نیز که ترشی
کم داشته باشد مناسب است صورت شراب انجیر بگیرند انجیر زرد و نیز ده مثل
از آب بیرون و طبخ کنند که مهرا شود بعد از آن یکشب بگذارند و صباح آب آنرا صاف
کنند و نصف آن فانیذ و یا قند سفید بر آن اضافه کنند بقوام آورند و اگر مدتی کلاب
در وقت جوشیدن بر آن اضافه نمایند بهتر باشد و در قولنج گرمی آش جو مجزوس
مجه باسفاناج و کشنیز تر یا شیره بادام مناسب است انشاء الله تعالی و نقرس
اغذیه ایشان یعنی گرمی مواد در رحم و امعا جهت ایشان نافع است غذای خشک مثل
القفو اگر باد و یا گرم طبخ کرده باشند مثل قلیها خشک و مطبخات بابت کامه و سرکه
و کبر و مرزه و انجدان و گوشتهای صید و چیزها نمک سود و قلیه که بلادو هان
گرم مرتب ساخته باشند و نیز کبوتر جهت ایشان نافع است و نیز نخود لعبه که در نمک

بسیار در مجنه باشند و جمیع ترشیها مثل ترشی شلجم و پیاز و کبر و جمیع سبزیهای گرم مثل ترب و حزدل و سداب و جمیع ادویه گرم مثل انیسون و کرویا و زیره و سرکه تیز و اب کامه و کردکان و نان جو و حزدل و نان اب شور و اب کبریتی و اب نحاسی مناسب است و اطعمه بسیر و سرکه مجنه جهة ان نافع است اغذیه بواسیر اغذیه اصحاب بواسیر واجب است که بخلاف ان اغذیه اصحاب دیدان باشند پس هر غذایی که مرطب و مسمن و مولد خون عذب باشند مناسب است مثل شوربا ماش مقشر و برنج سفید بگوشت نخود تازه و گوشت بره فربه و یا مرغ جوان فربه و خروس بچه فربه بحسب اختلاف مزاج کما یقتضیه رای الطبیب باسفاناج و کشنیز تر شیره بادام و زردی تخم مرغ نیم برشت کم نمک نیز مناسب است و در بن مرض کراث دو نوبت جوشانیده و اب نوبت اول دور ریخته باشند چون ازان طعام کراثیه بلغ نمایند و از گوشتهای مذکور بغایت نافع است و از بن کراث مجنه اب مجنه اکر عجم را بعینه خایکینه طبخ کنند بزردی تخم مرغ تازه و روغن کره تازه بقند سفید محلی سازند کاهی که صاحب بواسیر حرارت و تب نداشته باشد بغایت نافع است و هم چنین کره تازه کاو و روغن کردکان و حلبه و پیاز سفید حلبه را بواسیر را بوجهی که بیمار خواهد طبخ نمایند نافع است و شوربا خروس پیر نیز جهة بواسیر نافع است مشروط بانکه گوشت ان نخورد و صاحب بواسیر باید که از اب سرد پرهیز کند و چون اسهال و سیلان مفرط همراه بواسیر باشد اش برنج ناشسته که دران پیه سیر بن مجنه باشند نافع است اغذیه سنک کرده و ریک کرده و سنانخود است خصوصا که نخود سیاه باشد و اب باقلاء مقرا را مشغول شدن مناسب است و اش کرفس و سرکه کبر و جلغوزه و فستق و مایند و قند سفید و انجیر

حلتیت
وانجیر زرد و خربزه شیرین و تخم خربزه و روغن تخم خربزه و هلیون و شونیز و
ض
و بریان ترب و آب ترب و نفس ترب مخصوصاً ترب بهاری با دیگ حجر ابیز
ترسی
چون تناول نمایند باقی وجه کان نافع است ملیح الخطا لطیف شیخ نجم الدین
در رساله اعتنی به المرض مسطور نمایند که بسیاری از اصحاب سنگ کرده
است
و زهاب کلیه مثانه بسبب تناول این ملیح از این مرض خلاص شده صفت آن این
که بگیرند نخود خطا لطیف یعنی نخودهای پر سنگ که خواهند بپزند و نتوانند
روغن
پزاندن و آنها را بکشند و پاک کنند و در دیگ اندازند و قدری
بادام شیرین بر آن اضافه کنند و پیاز سفید و تخم کرفس و انیسون و زیره
ملیح
نیز بقدر حال الصالح نمایند و نخود مقشر و نمک مناسب حال نیز اضافه کنند و
و نیز
نمایند چنانکه مهرا شوند بعد از آن عصاره کرفس نیم اسکرجه بر آن اضافه کنند
اضافه نمایند بر آن بعد از پختن آن دارچینی و خولنجان و بعد از آن صرف کرده
مرض
و مشغول شوند که نفع عجیب می بخشد ان شاء الله تعالی و تقدس اغذیه
است
بول الدم و قروح کلی و مثانه حریره جو و آب جو با اسفاناج و کشنیز تر و شیره بادام مناسب
و نیز زرده تخم مرغ نیم برشت و شوربا های چرب برنج و شیر مطبوخ سازند
مناسب است و هریسه بگوشتهای مرغها که مذکور شد هکذا مناسب است و قلیه
کدو بگوشتهای مذکور کم نمک و آش ماش مقشر با اسفاناج و کشنیز تر و شیره
الدم
بادام بغایت مناسب است اغذیه بول ماهیه در مزاجی که گفته شد که بره
روغن
تازه بریان کرده باشند و پاچه بزغاله و بره که معتدل باشد و نالودج قندی که به
از آن
بادام باشد و مر و زعفران نباشد و آش رشته نیز با اسفاناج مناسب است و بعد

کرما روه را از خون زیان شده باشد و از جمله سده نخون امن حاصل باشد قوابض ما مضه
مناسب است مثل سماقیه و رمانیه و حصرمیه و زرشکیه مع بعض از اغذیه مغریه
مثل باچه کرده در این اشیاء بجوشند و همراه شود و نیز اسر به حرقه بول در این مرض مناسب است
اغذیه دنابخس جمیع اغذیه که قابض و مسدد و مغری باشد از برای این مرض
نافعند و ماهی تازه بریان کرده و پاچه همراه اش عدس و سماق و ربوب فواکه
قابضه مثل رب غوره و رب حب ره و ماست ترش و اسفاناج و کاهو که در اغذیه
ایشان طبخ نمایند مناسب اند و باید که بجای آب کاهی دوغ ماست ترش بجوشانند
نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس اغذیه سلس البول چون سلس البول با سوزش باشد
اش ماش مقشر و برنج بگوشت مرغ جوان مزعفر با اسفاناج و کشنیز تر مناسب است
شیره بادام و شرب جلاب مناسب است و صفت وی اینست که نبات را با گلاب
بجوشانند چندانکه بقوام آید و در ظروف کاشی و چینی حفظ فرمایند و از هر چه
ترش و قابض باشد احتراز نمایند و چون سلس البول بی سوزش باشد گوشت حیل
صحرائی و شراب عسل مشغول شوند و معجون با سلس البول و مرکبات گفته مو اهل
شد نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس اغذیه اسر البول نخود آب و حلیون و
کردکان و پیاز و سیر و بادام و حبة الخضراست و کاهی در این مرض ادرار بول ایلیثا
سرد باید کرد مثل هندبا و کاهو و کاهی علاج این باشیاء مسهل بطن مناسب است
مثل مسا ترس و به شیرین و حا درس نافع باد اغذیه عسر البول اش کر بیث
و قنبیطیه است که به برگ شلجم کرده باشند و کرنبیه و قنبیطیه بگوشت نقلی مزعفر
مناسب است و نانخواه و تخم کرفس و تخم رازیانج و انیسون مناسب است در این مرض

تعادل

تناول مذرات مناسب است نافع باد انشاء الله تعالی و نقرس اغذیه تقویت
باه و قوة مجامعت بدانکه امر باه به سه چیز تمام میشود منی و شهوت و مباشرت
و انتشار و چون نقصان باه از جهة قلة منی باشد و شهوت و انتشار بحال خود باشد
نزد امساک طویل منی پس اجتماع منی با اغذیه باید کرد که تکثیر منی کنند و آن اغذیه است
که دران جمع است سه صفت کثرة غذائیه و تولید ریاح و حرارت ملایمه چو حمص
و بعضی ازان اغذیه انست که دران سه صفت موجود است مثل شلجم و نخود
و جزر و بعضی ازان دران دو صفت ازان موجود است مثل باقلا و واجب است
جهة تکثیر منی ابهار انتاول نمایند و باگوشت فربه نقلی که طبخ کرده باشند بانان کند
سمید و زنجبیل و سقاقل بران عند الطبخ اضافه نمایند تا حرارت ملایمه را افاده
و هر سه صفت تمام شد و هم چنین پیاز سفید ازان قبیل است که باگوشت نقلی
فربه پخته باشند و تناول نمایند که افاده غذائیه کند و هر سه صفت جمع شود زیرا که
پیاز مولد ریاح و موجب حرارت ملایمه است اما کثرت غذا در وی بانضمام
گوشت نقلی میشود تا هر سه صفت جمع شوند و مثل ملغوزه که با عقیدل عنب
مشغول شوند تا صفات ثلث جمع شود و ترکیب اغذیه باهیه بر وجه مناسبت
و بعضی اغذیه باهیه را ترکیب میکنند از گوشت نقلی و پیاز سفید و خولنجان
و دارچینی و نیز پیاز خام تناول نمودن مناسب است با ماهی تازه بریان کرده
و جزر باگوشت فربه نافع است و اما اغذیه جزریه انتشار زیاده میکند بیش
ازانکه منی زیاده میکند و چون باقلا باگوشت فربه طبخ کنند و نعناع اندک
بان بجوشانند و نمک اضافه کنند بعد از طبخ چون هنوز گرم باشد تناول نمایند

احداث صفات مذکوره مینماید و چون کنجشک را احشا بیرون کنند و شکم از ان ادویه
مشخاش و نمک پر سازند و در طابق در زیت تازه طبخ سازند بغایت نافع است
و نیز گوشت بط فربه چون هریسه سازند و با پلاوی که بکره تازه پخته باشند مشغول
شوند بسی نافع است و نیز منی را زیاده کند و چون زردی تخم نیم برشت که بر ان نمک
سقنقور ریخته باشند مع دارچینی سوده تناول نمایند نفع تمام میدهد و هرسه
با شیره تازه و با آب کره کاو هندی و ترید نان در نخود آب که با گوشت تقلی فربه
پخته باشند معطیب باشد بدارچینی و خولنجان و غیر ذلک و همچنین که از زردی
تخم مرغ پخته باشند بروغن تازه و عسل صاف و مانند المجرب تفاوت مزاج عجیب
مناسب است و المتبادر موده اند که چون کنجشک پخته بخورند و بجای آب شیر بو
ان بیاشامند در انتشار عضو و کثرت منی فایده تمام میبخشد و از مفردات اغذیه
باهیه انکور سفید شیرین و هلیون است که با گوشت تقلی فربه پخته باشند و دنق
و فندق و نارجیل و حب الزلم و حبة الخضرا و بادام شیرین و جلغوزه و مانند
و خصیه الدیوک و بیضه کنجشک و بیضه ماهی که کیلا بنان از ان شبل میگویند و کره
تازه و روغنی است که بر بالای شیر خام می بندد که از انرا خام میگویند با عسل
صاف و از سبزیها و زردک و پیاز سبز و خشک و آب شلغم که طبخ کرده باشند
ملعوق سازند و کوار و نعنع و جزر و شلجم و زنجبیل و بوزیدان و خولنجان
و لسان العصافیر و تودریان و بهمنان و مغز دانه کا غله نفع تمام میدهد و این ادویه
حاره محتاج الیها اند که با اغذیه باهیه طبخ نمایند که در تکثیر منی بغایت نافع اند
و چون سبب قلت منی سردی مزاج می باشد علامت ان دشوار بیرون آمدن

ونفط

و غلظ ان باشد غذائی مناسب ان اغذیه حاره مذکوره است و چون سبب قلت
منی گرمی مزاج باشد که بعد از امراض حاره یابسه حادث شده باشد علامت خروج آنست
سریعا و قلت ان و اصفرار لون و حرقت وقت خروج است علاج این اغذیه مرطبه
و سبزیهای مرطب است مثل کدو یا رطب بگوشت بقلی با اسفاناج بسیار و فواکه
مرطبه است مثل خربزه شیرین و انگور سفید تازه و انار املیسی و گوشت بز و بره
و بزغاله فربه و گوشت مرغ جوان فربه و ماهی تازه و مزاجی و زرده تخم مرغ نیم
برشت و شیر برنج به شیر تازه است و بار و غن گره تازه و قند و نان نانک است
که بروغن گره و شیر تازه پخته باشند و خرما است که در شیر تازه خیسانیده باشند
و مالوچ قندی و ماست شیرین است که با نان موصوف خورند و چون نقصان
باه از عدم شهوت و یا نقصان ان باشد علامت این حالت از امنی است که از اعضاء
رئیسه و معده حادث باشد علاج این تقویت اعضاء مذکوره است بدانچه مذکور است
در امراض اینها بر وجهی که در کتب طبیه مسطور است و باز سکون هیجان منی
و قلت حرارت وی باشد و حدوث ان با صحت اعضا مذکوره باشد علاج این اغذیه
مذکوره است با ادویه حاره که مذکور شد که تسخین و تحریک میکنند و اگر ضعف
باه از نقصان انتشار باشد سبب ان غالبا کثرت بلغم و فالج و امراض بلغمیه باشد
و ضعف حس و حرکت باشد علاج این علاج امراض مذکوره است و اگر سبب قلت
انتشار قلت منی نفخ منی است در حوالی آلات تناسل و علامت ان عدم بطلان
انتشار است بالکلیه و سبب این ظاهرا قلت نفخ است و علاج ان استعمال اغذیه
نفاخه است که مذکور شد غذائی که سبب انعاظ و کثرت منی است انست که بگیرند

آب پیاز سفید دیگر ازان یاد و جزء عسل صاف بیامیزند و بجوشانند باتش گرم نرم
کاب پیاز تمام تحلیل رود و ازین دو ملعقه در آخر دو در لعوق نمایند و چون زنجبیل
کوفته یک ربع درین عسل اضافه نمایند از برای سرد مزاجان بسی مناسب است و معجون
بلادر جهة این قسم بغایت نافع است غذای دیگر که همین نفع میدهد بگیرند نخود
سفید و در آب چرچراعی تر تیزک بخیسانند چنانکه آماس کند و بعد ازان در سایه
خشک کرده بکوبند و بپزند و بروغن حنبز الخضرا بیامیزند و قند سفید اضافه نموده
باز طبخ کنند که بقوام اید و در صباح و مساء ازان مثل تخم مرغی مشغول شوند و بر بالای
آن بشیر یا شیربادام جوشیده مشغول شوند که نفع تمام میدهد ان شاء الله تعالی و تقدس
اغذیه امساک حیض   اغذیه که ادرار حیض میکنند از جمله لوبیاست که کر
بخیسانند و آب آن بیاشامند و نیز چون لوبیا با کرفس و سداب طبخ کنند که مقرا شود
و مشغول شوند ادرار حیض میکند باذن الله تعالی و نیز نخود آب که با زیت
الانفاق طبخ کرده باشند ادرار حیض کند باذن الله تعالی و تقدس و اگر نخود آب
سیاه باشد اقوی خواهد بود و زنجبیل پرورده نیز مدر حیض است ان شاء الله
تعالی و تقدس اغذیه عسر ولادت حلبه مطبوخ با مرها تسهیل ولادت کند و نیز
شوربا چرب که چربی آن از پیه مرغ و با روغن بادام باشد چون مشغول شوند
سبب آسانی ولادت باشد و نیز حلوا زرده کوفته را با قند و روغن بادام حلوا
ساخته تناول نمایند عسر ولادت زایل کند و نیز اشامیدن روغن بادام
گرم نافع است و جهت زنانی که بچه آورده باشند اش برنج سفید بگوشت
مرغ بچه که ربّ مقرا و اسفاناج و کشنیز تر مناسب است و همچنین اش برنج

ونخود

ونخود وگوشت بقلی وتخمهای گرم مثل انیسون وزیره نافع است اغذیه که در
سیلان حیض وخون ولادت وخون بواسیر وغیره نافع باشد مثل عدس مقشر آبست
بگوشت بز وبزغاله خورند وزرشک وناردان است بر برنج سفید ونعناع وعدس
مقشر بگوشت بزغاله مناسب است وچون ضعیف باشد غذاها از گوشت جبل
وکبک مشغول شوند نافع باشد انشاء الله تعالی وتقدس واگر در غذاها مذکوره
قدری آب سماق وکشنیز خشک عصره را اضافه نمایند مناسب است وچون تشود
کند در کوفته ویخنی با قند سفید اسفیدباج بقدر احتمال مزاج مشغول شوند قطع سیلانات
کند وبشره صاف کند واستسقاء ورم سپرز را نافع باشد انشاء الله تعالی
وتقدس اغذیه اوجاع مفاصل ازبرای اوجاع مفاصل گرم دموی اش عدس
مقشر ومزوره وریباسیه وزرشکیه مناسب است بی گوشت بر برنج سفید وماش
مقشر با اسفاناج وکشنیز تر ودر اوجاع مفاصل صفراوی ماء الشعیر ترش مجموعات
مذکوره محلی بقند واسفاناج وکشنیز تر بی گوشت بشیره بادام مناسب است
وازبرای اوجاع مفاصل سرد که از بلغم خام باشد نخود آب بدارچینی ومصطکی
مناسب است وواجب است که اصحاب نقرس از گوشت پرهیز کنند واگر
در اوجاع بلغمی ضعف غالب باشد وتناول گوشت ضروری باشد گوشت
طیور وخرگوش وآهو مشغول شوند واصل در معالجه اوجاع بلغمی تقلیل غذا
وگرسنگی است وتناول گردکان وبادام ازبرای نقرس بغایت مضر است
ودر اوجاع مفاصل گرم ومعتدل شوربای اسفیدباج مربی بگلاب وآب کشنیز
تر طلا نمایند نافع است باذن الله تعالی وتقدس ودر اوجاع بلغمی ورب عنبهاء

گرم مثل روغن قسط و سداب گرم کرده بمالند نافع است و اگر قدری نفط سفید داخل
این روغنها نمایند در اوجاع بغایت نافع است والشفاء منه تعالی و تقدس
اغذیه جرب و حکه اغذیه که از مثل اسفاناج و کدو و حشوی جرب و شور باها
که درین اصلاح دارویی گرم نباشد ترتیب نموده باشند مناسب است و اش جو و اش
ماش مقشر و برنج با اسفاناج بگوشت مرغ جوان مزیره بشیره بادام و روغن بادام و کره
تازه و اغذیه که دران کیفیت حرارت و حدت نباشد اب سرد عذب بسیار خوردن
و بسیار بحمام رفتن و در غلیان نشستن جهة جرب و حکه نافع است و از عسل و دوشاب
و سیر و پیاز و گوشت قدید و پنیر شور پرهیز واجب است نافع باد انشاء الله تعالی
و تقدس اغذیه حمیات حمیکت جمع حمی است و حمی تب است با قسامها اما اغذیه
حمی محرقه از صفرا و یا از صفرا و خون حادث شده باشد و اثر اشان قسم را قرص آغرغ
میگویند مناسب اش جو است و در مرض این غذاء عمده است و کیفیت طبخ
ان اینست که در اول بر جو اب بپاشند که بخیسد بعد از ان چندان بکوبند که مثل
برنج سفید شود بعد از ان انرا بلغور کنند و بعد از ان از ده اب عذب طبخ نمایند
باشیانی که علی التفصیل میاید و چون اب او مثل اب سفید شود که از ما الشعیر رقیق
میگویند المنبا از او در بعضی امراض که بغایت گرم و خشک و حاد است حیل ممند
با اسفاناج و کشنیز تر بی گوشت و شیره بادام و دران بعضی اشربه مثل شراب نیلوفر
و سکنجبین قندی ساده حل میکنند که هم غذا است و هم شربت و گاهی از ابسیار
میجوشانند که چون حلیم کندم میشود و این اش جو است ناب هو و در بعضی امراض
لسبب این را میفرمایند نفع مع تسکین حرارت و سوزش باطن و تغذیه

و تسکین

و سکنجبین حتی موزون و کثرت خلط صفرا است و اصحاب یرقان زرد سل و امراض
سینه را که از کثرت حادث شده بلغم و سرفه کهنه را خصوصا که دران عناب و انجیر
انداخته و جوشانیده باشند نفع تمام می بخشد و نیز آش جو ترتیب داده طلخ و منع بخار
گرم از معده بجانب دماغ میکند و از این جهت صداع را نافع است و نیز قطع
تشنگی میکند و در صفراوی از آش جو سازند با آب انار میخوش یا اسفاناخ و کشنیز
سبز طبخ کرده مشغول شوند و کسی را که قبض داشته باشد بنفشه مربی دران
حل کرده مشغول شوند مناسب است و در مرض سل سرطان بحری دران
جوشانیده با اسفاناخ تسبیل مشغول شوند و جهت سوزش مثانه نیز بغایت مناسب
و از برای یرقان زرد سکنجبین دران حل ساخته مشغول شوند و از برای
کسی که اسهال و حرارت داشته باشد طباشیر بریان کرده و صمغ عربی بریان
کرده کوفته و بران ریخته تناول نمایند و اگر تب و لرز بدون سخت باشد
دران آش جو جلنجبین حل ساخته تناول نمایند و احتیاط لازم است که در وقت
تیزی تب و در اثنای آن در زمانی که هوا گرم باشد آش جو بخورند که موجب
کرب و اضطراب دعا نمی شود و توجه طبیعت را از مرض قطع مینماید و مرض هم
هضم آن میکرده و یا توجه را طبیعت بهضم مینماید بعضی را بدفع مرض و بعضی را
بهضم طعام و نیز لازم است که در هر ساعت تغذی بدان نمایند بلکه چون
تب بحران روز باید در اول روز یکنوبت تناول آن نمایند و آن روز بران
اکتفا کنند و اگر در روزی که تب نباشد و اشتهای طعام غالب باشد اگر از روز
دو نوبت آش جو تناول نمایند با اسفاناخ و کشنیز تر و بگوشت فروج میتوانند

بود و در تبهای بغایت تیز و بیماریها که گرمی و تیزی دران بغایت باشد کلازا
حمی محرقه حادّ فی غایة القصوی میگویند که بحران این بیماری از روز چهارم تجاوز
نمیکند البته غذا مشغول نشوند زیرا در این مرض تا اندک خوف ضعف بیمار است
و در تبها که حرارت آن دون حرارت حادّ فی غایة القصوی باشد که از احاد مطلق
میگویند و بحران آن از هفت روز تجاوز نمیکند غالباً اکتفاء براش بر غذا نیم
شل جلاب و ماء الشعیر رقیق و آب انار شیرین و آب کدو [illegible] و سکنجبین
ساده قندی و نیز هندوانه شیرین محلی بقند و سیب شیرین مطبوخ و نار شیرین
و آلوی و سیب نمایند و در تبها که مرتبه آنها ازل باشد از مرتبه حاد مطلق که
از احاد فی الجمله میگویند که بحران آن در نهم و یازدهم میباشد غالباً بیمار را حلیم
جو با اسفاناج و کشنیز تر یا مزوّره بچه بدهند و با نان خالص خسایند
در آب سرد و یا در جلاب محلول و در سکنجبین مناسب مریض بدهند
و در تبهای اندک از این مرتبه نیز امثال بیماریهای سلکه که دران حدت و تشنگی بافراط
نباشد مریض را ماهی کوچک سفید مزاجی بدهند و حلیم جو با نخود و برنج
و گوشت مرغ و جوجه بدهند با اسفاناج و کشنیز تر و آش ماش مقشر و اندک برنج
سفید بگوشت مرغ و جوجه و اسفاناج و کشنیز تر بدهند و اگر این آش را ترش
خواهند ترشیهای مناسب مثل زرشک و آب انار ترش و میخوش چون
طبیعت لین باشد و مثل تمر هندی چون قبض حاصل باشد چنانکه رای
طبیب تقاضای آن نماید و این اغذیه مناسب حال محرورین و مسلولین نیز
هستند چون بی ترش باشند خاصه آش جو بسرطان نهری طبخ نموده باشند و اما

حمیات دوریات

وسومات مناسب است مزورات حمیات دنبه بره وشیره بادام وروغن ان باشد واما
حمیات بلغمیه وسوداویه متطاوله الازمان مبناطیه البحران الداخله فی حد الزمان که بحران
ان از یکماه بتجاوز مینماید مثل تبها که نوبت طویله داشته باشد ومثل تب ربع وخمس
وسدس وفوق ان ودرین حمیات توتیه مساعدت مینکنند که تلطیف غذا نمایند
زیرا مدت این حمیات طویل است باوجود انکه گرسنگی وخواب بر گرسنگی کامی که
موجب ضعف بیناشد درین حمیات بغایت نافع است چون مقصود از غذا بقاء
قوت است پس واجب است درین حمیات تغلیظ غذا نمایند خصوصا در ایامی
که نوبت نباشد مثل اش ماش مقشر وبرنج باسفاناج وکشنیز تر وبا بعنی وشبت
وسداب مناسب است وبا گوشت بره وبزغاله در ایام خلا چون اشتهای طعام
غالب باشد ونیز درین حمیات حلیم جو مذکورات مناسب است نافع باشد
انشاء الله تعالی وتقدس بدانکه بقراط [illegible] طبیب علیه الرحمه در رساله فصول
اورده است که اغذیه رطبه موافق جمیع حمیات است خصوصا حمیات کودکان
وکسانی که معتاد بوده باشند به تناول اغذیه رطبه مثل شوربای ماش وبرنج بگوشت بره
وبزغاله ومرغ جوان وخروس بچه باسفاناج وکشنیز ونیز بدانکه غذای اغذیه حاره رطبه
که رطوبت ان زیاده بر حرارت باشد بغایت مناسب است وتب ربع را خصوصا
که خواهند تعدیل حرارت ایشان شود نما تا در راه تب ربع ملطفات مقطع مثل نخود اب
مع توابل وسبزیها اکثرهم مذکوره وگوشت مرغهای مذکوره وشوربای خروس
بی مهرا که گوشت ان نخورند بکار برند ونیز بدان ای طالب وفقک الله تعالی
وتقدس که اکثر از اغذیه بیماران درین مقاله یاد کرده شد امثله ودستوری چند

در اطعمه بیماران و کسی را که علم باشد بطبایع اغذیه بمال بقدر فی اوست که امزاج نمائید
از مذکورات اغذیه سایر امراض مثل اورام و بثور و غیرها و ملاحظه کند در ان
حال اسنان و فصول و اخلاط و عادات والله الموفق والمعین والشفاء منه تعالی
و تقدس والختم بالصلوة علی محمد و آله اجمعین تمت

المقالة الثالثة و بالله التوفیق

[illegible] تمه والسلام از کتاب نفایس

در ذکر مرکبات مستعمله مجربه است که از کتب صحیحه معتبره اکابر منقول است و این مقاله مشتمل است
بر بیست فصل فصل اول در بیان مفرحات فصل دوم در معاجین و شربات است
فصل سیوم در جوارشات است فصل چهارم در اطریفلات است فصل پنجم
در اشربه و مربیات و سکنجبینات است فصل ششم در ربوب است باقسامها فصل هفتم
در ایارجات است فصل هشتم در حبوب است فصل نهم در مطبوخات مسهله و منضجات
و نقوعات است فصل دهم در حقن و شیافات مسهله و غیرها است فصل یازدهم در اطلیه
اضمدات است فصل دوازدهم در [illegible] است فصل سیزدهم در اقراص است فصل چهاردهم در لعوقات
است فصل پانزدهم در سفوفات است فصل شانزدهم در سنونات است فصل هفدهم
در ادهان حارّه و بارده است فصل هجدهم در مرهم است فصل نوزدهم در غراغر است
فصل بیستم در ادویه معین است فصل اول در بیان مفرحات است بتوفیق الله تعالی
و تقدس که مفرحات مرکباتی اند که بحسب خاصیت و کیفیت مقوی ارواح حیوانی
و مقوی آنها ارواح اند لطیف ارواح غلیظ و تکثیر آن در بدن مینمایند و تجمع ارواح
و تبقیه تکثیر ماده ارواح میکنند و چون در قلب ضعفی مشاهده گردد پس مزاج قلب

و در ارواح

ودر ادراج ان قلبی و رقتی معلوم شود و در بعضی ادویه قلبیه حاره و بارده بایکدیگر ترکیب
کرده شد تا ترکیب معتدل الکیفیت حاصل شود و خواص و منافع ادویه جمع کرده و نیز
انچه بحسب خاصیت تاثیر بلیغ داشته باشد بکثرت در مرکب مذکور لازم باشد مثل جواهر
نا تا باید که در سحق صلابه جواهر بسنگ صلابه بغایت مبالغه تقدیم رسانند بمرتبه که
مثل هبا شود تا نفوذ انها بقلب سهل گردد و سریعًا با ارواح متوکن شود و ازالۀ اجزاء
دخانیه ان نمایند بحسب خاصیته و باید که ادویه مسهله سودا در مفرحات القلبیه داخل
نسازند زیرا که تحریک سودا میکنند و طبیعت از امزاج ان عاجز میباشد لاجرم
متحیر که بدن زحمت میرسانند و گاهی بادویه قلبیه ادویه غیر قلبیه ترکیب مینمایند
مثل تخم خیارین و مغز کدوی شیرین و روغن بادام وغیر ذلک جهة کسر سورت ادویه
قلبیه و گاهی جهة انکه ادویه قلبیه را زود بقلب رسانند از جنس ادویه قلبیه با ادویه قلبیه ترکیب
میکنند مثل زعفران و عنبر اشهب که چنانکه از ادویه قلبیه اند همچنین بخاصیت ادویه
قلبیه دیگر اند و بدانکه از مفرحات کبار که اطبا ترکیب کرده اند و استعمال و تجربه در منافع
انها نموده اند این مفرح یاقوتی که جهة نقصان غشیان و وسواس بغایت سود مند است
و دل و دماغ را قوت میدهد و رنگ و روی را سرخ و صاف میگرداند و تطییب نکهت
مینماید و نشاط تمام میاورد و روح حیوانی را تکثیر و تقویت مینماید و توحش و
تبلد و کسل را نافع است و تقویت قوۀ مجامعه میکند و قوی و اعضا و قوای
نفسانیه را مقوی است و ذکا و فطنت و حفظ و تفکر و طلاقۀ لسان را زیاده میکند
و حرارت قلب و جگر را ساکن میکند و غضب صلح رای بنشاند و حمیات مزمنه را ازاله
میکند و غموم و هموم را دفع میکند و منافع این مفرح بسیار است ما تا بر مذکور ت

اکتفا کرده شد صفت آن مروارید ناسفته بیست مثقال پنج مرجان چهار مثقال یاقوت رمانی
دو مثقال ذهب محلول و نقره محلول از هر یک یکمثقال حجر لاجورد یکمثقال و نیم لعل عقیق و حجر
یشب از هر یک سه مثقال طباشیر سفید و صندل مقاصری از هر یک پنج مثقال کهربا و گل
نیلوفر و زرشک از هر یک سه مثقال صندل سرخ و طین مختوم از هر یک دو مثقال گشنیز
خشک و آلوی زرد از هر یک سه مثقال و در بعضی نسخها پنج مثقال افتیمون داخل میسازند
و آن مناسب نیست چنانکه گذشت مکرر ملاحظه این کرده باشد که بجا مثبت کسر کیفیت
ادویه سودا میکند سادج هندی زرنباد درونج عقرب از هر یک یکمثقال و نیم گل سرخ عود
نارف پوست ترنج گاو زبان از هر یک سه مثقال بهمن سرخ و سفید از هر یک دو مثقال
بادرنجبویه و راوند چینی از هر یک دو مثقال تخم کاسنی دو مثقال کافوری قیصوری
یکمثقال عنبر اشهب سه مثقال مشک ترکی چهار دانگ ابریشم مقرض و بامشوی سه مثقال
املج و پوست هلیله کابلی از هر یک هفت مثقال زعفران سه مثقال خمیره الثعلب مصری
هفت مثقال دارچینی و مصطکی و قاقله از هر یک سه مثقال گلاب و نبات مصری
صاف از هر یک یکمن شراب سیب و آب انار شیرین از هر یک چهل مثقال شراب بیست
مثقال قند سفید پنجاه مثقال ادویه مذکوره خلط نمایند و اگر خواهند بیست مثقال
مغز اعظم بیلک کوفته و از دهان بیرون کرده بروغن بادام چرب کرده اضافه ادویه نمایند
و نبات و شربت و قند را با گلاب بقوام آورند و مجموع ادویه را بدان بیامیزند
و در ظرف چینی و یا شیشه کنند و در میان کیسه که دران جو باشد بنهند و هر هفته بگیرند
بجوعب بعد از ابهم زنند شربتی از آن یکمثقال تا یکمثقال و نیم باشد نافع است انشاءالله
تعالی و تقدیس صفت لی ان مایل معزج بحرارت منقول است از شرح موجز سدیدی رحمه الله
تعالی

تعالی و تقلیل که ترش و ماخولیا را ازاله کند و خفقان و غثیان را بغایت سود دهد و تقویت
دل و جگر و دماغ و معده نماید و رنگ و روی سرخ سازد و نشاط تمام آورد و غموم
و هموم را ازاله کند و قوت مجامعت بیفزاید و بوی دهان و عرق خوش کند و این مفرح
منافع بسیار است بر مذکورات اکتفا کرده شد صفت آن گاوزبان بادرنجبویه تخم بلنجمشک
بهمن سرخ و سفید از هر یک هفت مثقال دارچینی کشنیز خشک طباشیر کهربا بسد مرجان
عود هندی ابریشم خام مروارید ناسفته از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال قرنفل
دو مثقال زرنباد درونج از هر یک سه مثقال ورق طلا و ورق نقره مسک از هر یک
نیم مثقال جدوار یاقوت رمانی محرق و صلایه شده عنبر یکمثقال و نیم زرنب دو مثقال
تانه سه مثقال املج منقی که در شراب خیسانیده باشند و در سایه خشک کرده باشند ده مثقال
گل سرخ پنج مثقال صندل سفید سه مثقال ادویه را کوفته و از ولاف سفت بیرون کرده
و احجار را با سنگ صلایه چون هبا ساخته عسل ملیح کابلی مربی صد و بیست مثقال و جلاب
بقوام عسل آورده دویست مثقال صفت ساختن جلاب اینست که نبات صاف
در گلاب و آب سیب شیرین سلطانی بگدازند و بقوام آورند و ادویه بیخته را با آن
سرشته و در ظروف چینی و شیشه حفظ نمایند و در میان کیسه جو نهند شربت
از این از یکمثقال تا دو مثقال نافع است صفت مفرح دیگر که امراض بلغمیه و بارده را
نافع است و تقویت معده و جگر بارده و دماغ مینماید و خفقان و غثیان و ضعف
دل را که از سردی باشد بغایت نافع است و نشاط تمام آورد و جمیع امراض سرد را
نافع است و این مفرح خواص بسیار دارد صفت آن زرنب و قرنفل و دارچینی و سنبل
و تخم بلنجمشک درونج عقرب از هر یک ده مثقال زرنباد کبابه تانه از هر یک پنج مثقال

نارمشک عود قماری درشت منه ازهریک سه مثقال زعفران مصطکی ازهریک یکمثقال و نیم عنبر
اشهب یکمثقال مشک خالص نیم مثقال ورق طلا ربع مثقال املج که در آب مویز سرخ خیسانیده باشند
و در سایه خشک کرده دوازده مثقال ادویه را کوفته وازو الاک بیخته بعسل هلیله مربی سه وزن
ادویه بیامیزند و در ظروف مذکوره کنند و حفظ نمایند شربتی یکمثقال تا دو مثقال نافع است
واگر عسل هلیله بدست نیاید بعسل صاف منزوع الرغوه سه وزن ادویه بیامیزند و بطریق
مذکوره حفظ واستعمال کنند مفرح معتدل که تقویت دل و جگر و دماغ مینماید و نشاط
تمام میاورد و خفقان و غثیان را بغایت نافع است و تحسین رنگ و بوی کند و تصفیه
آن کند واشتهای طعام میاورد و موجب حدت فکر است و تهیب معین وعطش را نافع است
و تقویت ارواح قوی مینماید صفت آن لولوی ناسفته بیخ مرجان ازهریک هشت
مثقال کهربا خالص پنج مثقال صندل سفید و سرخ ازهریک سه مثقال گاوزبان گل نیلوفر
فرنجمشک ازهریک پنج مثقال تخم کاسنی چهار مثقال درونج دو مثقال سادج چهار مثقال
گل سرخ پنج مثقال زرنباد چهار مثقال طباشیر سه مثقال تخم فرنجمشک و تخم بادرنجبویه
ازهریک سه مثقال زعفران عنبر ازهریک دو مثقال کافور مشک خالص ازهریک نیم
مثقال عود هشت مثقال دانه کشنیز مقشر پنج مثقال خشخاش چهار مثقال بنفشه خشک چهار
مثقال طین ارمنی سه مثقال ادویه را کوفته وازو الاک بیرون کرده و بشراب بنفشه مقند سه مثل
ادویه بیامیزند بطریق مذکور حفظ نمایند و شربتی از ان یکمثقال است تا یکمثقال و نیم و استشفاء
منه تعالی و تقدس مفرح صغیر بارد دانه کشنیز دو مثقال گل سرخ و طباشیر ازهریک یکمثقال
کافور ربع مثقال عطر ادویه را کوفته وازو الا صفت بیرون کرده بشراب سیب و یا شراب
حماض سه وزن ادویه بیامیزند شربتی یکمثقال نافع است و جهة حرارت دل و خفقان
گرم

کرم بیی مناسب است والشفا منه تعالی وتقدس مفرح معتدل ذکر که خفقان وغشیان وسودا
وضعف دل زایل کند وتقویت وتکثیر ارواح کند ونشاط آورد ودماغ ومعده وطحال را قوت دهد
وغموم وتوحش زایل کند واین مفرح خواص بسیار دارد اجزا ابریشم وارید ناسفته بیخ مرجان
از هریک پنج مثقال کهربا دو مثقال صندلین واملج مقشر وطباشیر سفید از هریک یکمثقال کاوزبان
پنج مثقال تخم کاسنی دو مثقال درونج عقربی یکمثقال ساذج هندی دو مثقال افتیمون سه مثقال
ناماریت افتیمون اولی است گل سرخ سه مثقال زرنباد دو مثقال تخم فرنجمشک دو مثقال زعفران
وعنبر اشهب از هریک یکمثقال مشک ترکی نیم مثقال عود خام پنج مثقال دانه کشنیز دو مثقال
خشخاش سفید وبنفشه از هریک دو مثقال ورق زر وورق نقره از هریک یکمثقال
لعل یکمثقال احجار را صلایه مانند هبا کرده سایر ادویه کوفته وآن وطلای سفت جدن
کرده مثل غبار ساخته بشراب سیب خالص وبا شراب حماض که با یکقدح گلاب ویکقدح عرق بید
مطیب بقوام آورده باشند بوزن ادویه سرشته شربتی یکمثقال تا یکمثقال ونیم نافع است
انشاء الله تعالی وتقدس مفرح سرد که از برای خفقان گرم سودمند بود وقوت دل
بدهد ونشاط آورد وقوت دماغ ومعده وجگر بدهد اجزاء آن ورق گل سرخ
طباشیر سفید از هریک دو مثقال کشنیز خشک وصندل مقاصری از هریک یکمثقال
ونیم تخم خیارین ومغز دانه کدو از هریک چهار مثقال بهمن سفید وگاوزبان از هریک
دو مثقال زرشک بی دانه مروارید ناسفته کهربا بیخ مرجان از هریک نیم مثقال و در بعضی
نسخها کافور یکدانگ داخل میکنند وزعفران یکمثقال اضافه میکنند کوفته وبیخته وکا نعنبر
ساخته واحجار را بحق بلیغ موده بعد از آن بر سنگ صلایه کرده که باعلی مرتبه هبا شده
وسیده باشد وبنات مثل سه وزن ادویه در عرق بید بقوام آورند وادویه را بدان

بسرشند و بشرایط حفظ نمایند شربتی ازان تا یکمثقال نافع است انشاء الله تعالی مفرح خواجه
رشید و نیکم قبل از وزارت طبیب حاذق بوده و این مفرح را بقانون اصول ترکیب نموده .
خفقان و وسواس و ضعف دل و جگر و دماغ را بغایت نافع است رنگ روی سرخ و صاف کرداند
و نشاط تمام آورد و ریاح سودا و تیره را تحلیل کند و در تقویت دل بی نظیر است و این مفرح مسمی است
بمفرح الجواهر اجزاء این قنات یاقوت سرخ دو مثقال یاقوت زرد چهار مثقال یاقوت
کبود چهار مثقال یاقوت سفید چهار مثقال حجر یشب سه مثقال لؤلؤی سفید چهار مثقال
بیخ مرجان دو مثقال کهربا دو مثقال حجر الجوهر دو مثقال تخم فرنجمشک پنج مثقال ابریشم مقرض
و باسوی سه مثقال فرنعل سه مثقال پوست بیرون پسته چهار مثقال املج منقی ده مثقال پوست
هلیله کابلی ده مثقال بادرنجبویه دارچینی کبابه چینی از هر یک سه مثقال گاوزبان یکمثقال
عصاره زرشک پانزده مثقال عود ناری پنج مثقال درونج پنج مثقال کل ادمی عترم چهار
مثقال طباشیر سفید پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک ترکی یکمثقال و نیم ورق
زر و ورق نقره از هر یک سه مثقال کافور قیصوری دو دانک قاقله کبابه سه مثقال
سنبل الطیب ساذج هندی بهمن سرخ از هر یک یکمثقال بهمن سفید چهار مثقال آب سیب
اصفهانی و یا آب سیب شیرین خوشبوی سلطانی یکمن و آب به اصفهانی و یا به شیرین خوشبو
یکمن آب حماض نیم من گلاب یکمن عرق بید مشک دو من نبات مصری و یا نبات سفید
صاف سه من وزن ادویه با عرق و گلاب و آب سیب و به بقوام جذب نمایند و دواها
بدان بیامیزند شربتی نیم درم تا یکمثقال و نیم نافع است انشاء الله تعالی و تقدس و جواهر را
البته سحق و صلایه بنیک کنند بر سنگ سماق چنانکه باعلی مرتبه هبا گردد و حفظ نمایند
بشرایطه مفرح دیگر مستعمل حاجی بدیع الدین عطار صاحب اختیارات بدیعی جهت ضعف
دل

دل و وسواس سوداوی بغایت نافع است خفقان را زایل کند و قوت دل و دماغ و جگر و معده
بدهد و غثیان را سود دهد و نشاط تمام آورد اجزاء آن مروارید ناسفته سه مثقال بیخ
مرجان یکمثقال و نیم کهربا یکمثقال لعل یکمثقال جوهره یاقوت زرد یکمثقال حجر یشب یکمثقال
قرنفل یکمثقال بهمن سفید دو مثقال کبابه چینی و بهمن سرخ از هر یک یکمثقال زرنباد
یکمثقال تخم بادرنجبویه سه مثقال ساذج هندی یکمثقال درونج یکمثقال پوست بیرون
پسته سه مثقال پوست ترنج سه مثقال گل گاوزبان پنج مثقال صندلین از هر یک سه مثقال
دانه کشنیز خشک دو مثقال گل سرخ و دارچینی از هر یک یکمثقال املج مقشر پنج مثقال عصاره
زرشک ده مثقال گل ارمنی دو مثقال زعفران یکمثقال عنبر اشهب چهار دانگ مشک
ترکی نیم مثقال و ورق زر و ورق نقره از هر یک نیم مثقال شراب حماض و شراب سیب
اصفهانی و شراب به اصفهانی اخذ کنند آنقدر که مجموع اشربه سه وزن ادویه باشند
و ادویه کوفته و آن و طلای سفته بید ول کرده جواهر بوزن مذکور بمرتبه حل آتش
رسانیده با سرکه مذکوره ممزوج سازند و در ظرف مناسبه کنند شرایط شربتی
یکدرم تا یکمثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس معجون دواء المسک حلو
ضعف دل و دماغ و جگر و معده را نافع باشد امراض سوداویه را و بارده بلغمیه را
سوده و بادها مخالف که در ناز امیا شد تحلیل کند و صرع صبیان را نافع باشد
اجزاء آن مروارید ناسفته کهربا ابریشم مقرض و یا مسوی زرنباد درونج
عقربی از هر یک یکمثقال و نیم بهمنین و سنبل و قاقله و قرنفل و ساذج هندی اسنه هندی
و چند بیدستر از هر یک یکمثقال دار فلفل و زنجبیل از هر یک نیم مثقال مشک خالص
نیم مثقال کوفته و آن و طلای بید ول کرده به چندان عسل الکن بدین ببرشند شربتی

بکمثقال تا دو مثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس و قوت این مفرح تا سه سال میماند
و اعلی آنست که مقدار شربت این مفرح یکدرم است درهم شربتی بکلاب مطیب
و آب سیب سلطانی مطیب حل ساخته بناشتا تناول نمایند والشفاء منه تعالی و تقدس
مفرح دیگر تالیف مستعمل که نافع است جهة خفقان و ورم حلق و رطوبت صدر و امراض
بلغمیه را و قوت دل و دماغ و جگر بدهد و ریاح امعا و معده را تحلیل کند و صرع
صبیان را نافع باشد اجزای این سنبل الطیب و قرنفل مطیب و مشک ترکی و ساذج
هندی از هریک یکمثقال زعفران ناخواه تخم کرفس از هریک سه مثقال صبر سقوطری
و اسفنتین رومی از هریک شش مثقال ریوند چینی پنج مثقال جند بیدستر یکمثقال
و تخم مجموع ادویه را کوفته و ادویه سفت بیرون کرده باسه چندان عسل صاف کف
گرفته بسرشند شربتی نیم درم تا یکمثقال نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس بس قوت
این ترکیب تا سه سال میماند مفرح مسیحی نسخه صاحب اختیارات بدیعی که خود ترکیب
کرده بر طبق اصول تراکیب قوت دل و دماغ و جگر و معده میدهد و قوت پشت
و گرده زیاده میکند اشتها طعام میاورد و هضم طعام میکند اجزای این مفرح پنج
مثقال خولنجان کبابه قرنفل جوز الطیب قاقله صغار و کبار تخم فرنجمشک از هریک سه
مثقال گاوزبان سه مثقال بادرنجبویه پنج مثقال سنبل الطیب اشنه هندی از هریک
چهار مثقال زعفران و مصطکی از هریک سه مثقال بهمن سرخ و سفید از هریک
چهار مثقال ساذج هندی دو مثقال زنجبیل دارچینی از هریک دو مثقال دار فلفل
یکمثقال پوست ترنج سه مثقال ورق گل سرخ پنج مثقال سعد هندی یکمثقال و تخم حفیصه
الثعلب مصری هفت مثقال لسان العصافیر بسباسه از هریک سه مثقال عنبر اشهب

دو مثقال

دو مثقال مسک ترکی نیم مثقال لعل یکمثقال مروارید ناسفته دو مثقال کهربا یکمثقال دبه یکمثقال
ورق زر و ورق نقره از هر یک نیم مثقال جز اعظم حب سوده سی مثقال روغن بادام تر بکفایت
چرب کرده و ادویه را کوفته و طلای سفته چرب کرده و اجزا را بعد از حل عنبر
کرده اگر خواهند مجموع را به سه وزن ادویه عسل صاف کف گرفته بگلاب خوشبو کنند
بقوام آورده باشند و اگر خواهند بقند مقوم بگلاب سه وزن ادویه بسرشند و پنج
مثقال خشخاش کوفته بغایت بدان بیامیزند شربتی ازین مفرح از یکمثقال تا سه مثقال است
نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس مفرح که مولانا صدر الدین طبیب اصفهانی علیه الرحمة
از برای میرزا ابو بکر ساخته و مقبول وی بوده و این نسخه را فقیر حقیر از مولانا بخط
مبارک او اخذ نموده و جهة بعضی اکابر این را ساخته این مرض بتوفیق الله و دل و دماغ
و معده را قوت میدهد و خفقان و غشی را بغایت نافع است و فرح و نشاط تمام میاورد
و تقویت قوت باه بغایت میکند و منافع بسیار ازین مشاهده شد برمذکورات اکتفا
کرده شد اخلاط این درونج عقربی پنج مثقال بهمن سرخ و سفید از هر یک سه مثقال زرنجبیل
دو مثقال بوزیدان دو مثقال مروارید ناسفته پنج مثقال قرفه سه مثقال قرنفل سه مثقال تاملین
از هر یک دو مثقال زنجبیل دو مثقال گاوزبان و زعفران از هر یک سه مثقال جوزبوا
و دمانی دو مثقال قنات لعل تام عیار سه مثقال گل سرخ و زرنباد از هر یک سه مثقال کبابه چینی
و ساذج هندی از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته سه مثقال صندلین از هر یک دو مثقال
املج هفت مثقال دارچینی سه مثقال عصاره زرشک ده مثقال گل ارمنی دو مثقال خصیة الثعلب
مصری ده مثقال مسک ترکی یکمثقال فرنجمشک سه مثقال عود خام دو مثقال عنبر اشهب
سه مثقال طلاء محلول یکمثقال نقره محلول دو مثقال آب حماض بیجا مثقال شراب سیب اصفهانی

وشراب به از هر یک پنجاه مثقال نبات سفید صاف صد و بیست مثقال عسل صاف کف گرفته
اندر ضم نمایند که با نبات و هر دو شراب سه وزن تمام ادویه باشد در گلاب خوشبو و عرق
بید از هر یک پنجاه مثقال بقوام تمام آورند و ابریشم خام مقرض و باسوی پنج مثقال سنبل
سه مثقال اسنه سه مثقال خولنجان چهار مثقال لسان العصافیر سعد کوفی دارفلفل از هر یک
سه مثقال جدوار خطائی یکمثقال جز اعظم اخوب پنجاه مثقال که بروغن بادام بعد از سودن و از دوا
بیرون کردن چرب کرده باشند و باقی ادویه را کوفته و از دیبای سخت بیخته کرده اجزا
وجام را چنانکه مکرر گفته شد بعد ویرا بر سنگ صلایه مثل عنبر هبا ساخته بعسل مقوم
بمذکورات بسرشند و حفظ نمایند چنانکه شرط است در ظرف چینی و یا شیشه و یا کاسه
سر بند و باید که سر ظرف را لب بند انگشت خالی بکنند و تمام سد نکنند در ششماه بگذارند
که بخار ان خارج شود و در کیسه برای خوردن دو درهم یکنوبت مجرب بعد از تحریک
نمایند و بعد از چهل روز بعد از استحکام سد کنند و ترک تحریک مذکورات نمایند و
شربتی از وی یکمثقال تا دو مثقال یا سه درم نافع است انشاء الله تعالی و تقدس والشفا
منه تعالی فصل دوم در معاجین و تریاقات معجون سقنقور بن یعقوب از مولفات مولانا معین
الدین طبیب است از مستعملات و مجربات است باه را بغایت قوت دهد و نشاط
و فرح تمام آورد و سبب حفظ است کرده و پشت را قوت دهد و منی بیفزاید
و ذکر را محکم گرداند و دل و دماغ و جگر و معده را قوت دهد و منافع این معجون بسیار است
اجزاء این شقاقل مصری است بهمنین بوزیدان بسباسه از هر یک پنج مثقال تودری زرد
و سرخ از هر یک چهار مثقال ناف سقنقور قضیب گاو مشک کرده بسوهان ساخته مغز حب
الزلم و مغز جلغوزه نارجیل لسان العصافیر خولنجان قاقله کبار تخم شلغم دارفلفل از هر یک پنج مثقال

زنجبیل

زنجبیل پنج مثقال نارمشک و فرنجمشک صندل سرخ و سفید و خولنجان سفید و کاوزبان گل سرخ
بادرنجبویه تخم هلیون اسارون قرنفه درونج عقیل بوادرقا قرنفل جوز بوا اشنه زرنباد
مصطکی تخم جزر تخم اسبست از هریک سه مثقال عود خام چهار مثقال عنبر اشهب یکمثقال و نیم
مشک ترکی یکمثقال سنبل الطیب پنج مثقال ساذج هندی سه مثقال مروارید لعل تمام عیار یکمثقال
و بیزه یاقوت زرد یکمثقال حجر یشب ده مثقال جزء اعظم مویز هشتاد مثقال که بعد از شستن
سودن وانرا از دانهای سفت بیرون کرده با روغن بادام بقدر حاجت چرب کرده
و باقی ادویه را کوفته وانرا از دانهای سفت بیرون کرده و احجار و جواهر را بسحق بلیغ و حل
چون هبا ساخته باشند مجموع را بسه وزن تمام ادویه عسل صاف کف گرفته که بقوام
تمام اورده در یکقدح گلاب مطیب سرشند و حفظ نمایند بر وجهی که گذشت شربتی
یکمثقال و یا دو مثقال و نیم از این نافع است انشاء الله تعالی و تقدس و ظروف مناسب
معاجین کبار ظرف چینی و شیشه و طلا و نقره است و ظرف رصاص هم بد نیست
معجون فرح نوعی این معجون خواص و منافع بسیار دارد چنانکه در امثال این مختصرات
نگنجد و منفعت عظیمی این تقویت باه است و ثبت و کرده را قوت تمام میدهد
و منی میافزاید و نعوظ تمام میاورد و دل و جگر و معده را و دماغ را قوت میدهد
اجزاء این تخم کرفس تخم جزر تخم شبت تخم رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم حنظل از هریک
پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفل مویز کبابه عاقرقرحا از هریک سه مثقال قرفه زعفران کندر مصطکی
عود از هریک چهار مثقال تخم هلیون شقاقل بوزیدان بهمنین تودریین لسان العصافیر
از هریک پنج مثقال زنجبیل تخم شلغم تخم اسبست تخم تره تیزه تخم پیاز حب الرشاد تخم گزنه
تخم کندنا جوز الطیب قرفه دارفلفل از هریک سه مثقال خولنجان پنج مثقال بصل الفار

بریان کرده یکمثقال و نیم مغز حب فلفل مغز حب الزلم جلغوزه مغز بادام از هر یک یکمثقال
خصیة الثعلب معروف ده مثقال ذکر کاو خشک کرده سوهان سادیده مغز دماغ گنجشک نر که
در وقت هیجان کرفته باشند خشک نرمی کنند جزها از هر یک دو مثقال عنبر اشهب دو مثقال
مسک ترکی نیم مثقال مجموع ادویه را کوفته و از دهلا بیرون کرده نا بید سه وزن ادویه
بالطوب بقوام تمام آورده ادویه را بدان امیخته معجون سازند شربتی کرم مزاجان را دو
مثقال و سرد مزاجان را پنج مثقال مناسب است و باید که یک شربتی شیر گاو تازه جوشیده
و پانزده مثقال قند سفید بران اضافه کرده اگر کرم مزاج باشد بیشتر تجرع نمایند و بعد ازان
معجون تناول نمایند و الا بعد از مشغول شدن معجون تناول نماید نافع باشد انشاء الله
تعالی و تقدس معجون دیگر در نسخه دیگر که نافع است جهة ضعف کرده و پشت و معده را
قوت دهد و بلغم را تحلیل و سردی را زایل کند و رنگ مثانه را پاک کرداند و بوی دهان
خوش کند و آب رفتن از دهان باز دارد و باد ها بشکند و تخمه و ناکوارئیدن طعام زایل
کند و منی بیفزاید و جگر و کرده و دماغ را قوت دهد و بقراط کوید هر که این معجون
ملازمت نماید بهیچ طبیب محتاج نشود و اگر ده کنیزک داشته باشد همه را خشنود سازد
اجزاء این تخم کرفس تخم شلجم تخم کزر تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم خیار
بیخ کرفس از هر یک چهار مثقال عاقرقرحا قرنفل زعفران خولنجان مصطکی عود خام از هر یک
دو مثقال خصیة الثعلب مصری هشت مثقال بسباسه قرنفل کبابه از هر یک سه مثقال
عسر الخصیه یکمثقال کوفته و بیخته باسه چندان عسل صاف کف کرفته سرشته و استعمال
کنند بعضی کویند که بعد از دو ماه استعمال کنند و شربت از یکمثقال است تا دو مثقال
و نیم و سه مثقال نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس معجون لبوب این نسخه هم منسوبست

مولانا معین الدین رحمة الله علیه منی بیفزاید و پشت و گرده را قوی کند و مثانه
و گرده از ریگ و سنگ و بلغم پاک گرداند و نعوظ تمام آورد و دل و دماغ و جگر را
قوت دهد و نشاط آورد اجزا این مغز پسته و مغز فندق و مغز بادام مغز چلغوزه
مغز حب الزلم مغز کردکان مغز حب فلفل کنجد مقشر از هر یک پنج مثقال مغز نارجیل
ده مثقال خصیة الثعلب ده مثقال خشخاش سفید سه مثقال خولنجان چهار مثقال دارچینی
پنج مثقال شقاقل پنج مثقال بهمن سرخ پنج مثقال بهمن سفید ده مثقال تودری سرخ
و سفید از هر یک پنج مثقال گاوزبان پنج مثقال لسان العصافیر ده مثقال مغز دماغ
گنجشک پنج مثقال قضیب گاو سوهان زده و بوزیدان از هر یک سه مثقال پنج بابونج
پنج مثقال مغز بجنشلن پنج مثقال خسک تر پنج مثقال زرنباد زرنب مرزهل
زنجبیل بسباسه تخم بادرنجبویه از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک
یکمثقال عود خام پنج مثقال دینه یاقوت کبود یکمثقال زر محلول ده مثقال نقره
محلول سه مثقال قند سفید سه وزن ادویه و اگر عسل صاف مسروع آمیزند خواهند
هم سه وزن ادویه مجموع را کوفته و بیخته چنانکه مکرر مذکور شد بعسل مقوم بکفگیر
کلاب خوشبو و یا بعسل مقوم سرشته بعد از رعایت شرایط مذکور حفظ نمایند
شربتی از یکمثقال تا سه مثقال استعمال کنند نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس
معجون اسرار الاطبا منفعت این معجون بسیار است اما بسی نافع است در چند چیز
اول آنکه باه را قوت دهد دوم آنکه دل و دماغ و جگر را قوت دهد و نشاط آورد
سیوم قضیب محکم سازد و رنگ روی سرخ و صاف و براق سازد و باید که
استعمال کنند پیش از مجامعت و بعد از مجامعت نیز تا از عرق النسا و سایر منها

عیبانی این ساز د انشاء الله تعالی وتقدس اجزاء این شقاقل خولنجان مغیرة الثعلب بهمنین لسان
العصافیر از هریك سه مثقال ناف سقنقور سه مثقال حب البان حب البلسان فلفل سفید
مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین تخم جرجیر تخم کندنا تخم پیاز تخم شلجم تخم اسپست تخم جزر دشتی تخم ملیون خشک
مربی از هریك دو مثقال دارچینی قرنفل سنبل اسارون بسباسه کبابه چینی سعد کوفی
دار فلفل قرفه جوز الطیب نارمشك عود خام عنبر اشهب زعفران از هریك یکمثقال مشك
ترکی دو دانك نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز چلغوزه مغز حب القطن مغز کنجدین مقشر
از هریك یکمثقال زنجبیل جوزبوا ان قسط شیرین مغز حب الزلم دیرینج از هریك دو مثقال
ادویه را جدا جدا بکوبند و عنبر و مشك و زعفران را جدا بکوبند بعد از آن با سه چندان
عسل کف گرفته بقوام آورده بسرشند و شرایط مذکوره حفظ نمایند و شربتی از این
سه درم باشد تا سه مثقال نافع است باذن الله تعالی وتقدس معجون لولو این معجون
از مرکبات جالینوس است علیه الرحمة و این معجون را منافع بسیار است اول اینکه قضیب را
محکم میکند و ادعیه را میگشاید و اعصاب را سیما اعصاب دماغی را قوت میدهد و شهوت
جماع را زیاد میکند و از تناول آن تعبیری عظیم پیدا میشود چنانکه منی بلذة هر چه تمامتر
بیرون میاید و نعوظ تمام میاورد و دو بی مرد مرد از ان زیاده میکند اجزاء این
مروارید ناسفته بسد از هریك دو مثقال انیسون و بهمن سفید از هریك دو مثقال
کاکنج و اصل اللبلاب از هریك یکمثقال بلیخه و دارچینی اسارون و مصطکی از هریك
نیم مثقال فقاح اذخر و سعد و کزمازو از هریك یکمثقال صمغ عربی و کثیرا از هریك دو دانك
کوفته و بیخته بسه وزن آن ادویه عسل صاف مقوم آمیخته حفظ نمایند چنانکه شرط است در قرب
وقت مجامعت یکمثقال با بیم گرم حل ساخته بجرع فرمایند که بغایت نافع است انشاء الله
تعالی

تعالی وتقدس معجون عطاء جهت سرعت انزال نظیر ندارد اجزاء آن بلوط کلنار
شونیز لبان ذکر از هر یک دو مثقال کمون کرمانی نانخواه کهربا از هر یک پنج مثقال
پوست بلیله پوست هلیله زرد املج مقشر هلیله سیاه از هر یک سه مثقال کشنیز
خشک دو مثقال و مجموع را کوفته و بیخته بسه چندان عسل کف گرفته مقوم امیخته
شربتی دو مثقال بامداد و دو مثقال شب هنگام تناول نمایند غذا دو نوبت کباب
مناسب است نافع باد انشاء الله تعالی وتقدس معجون صبحی معجون انفع این معجون
از جمله مفرحات است و از تراکیب کتاب راست و بعضی اطبا این را در مفرحات
یاد کرده اند جهت تقویت دل و دماغ و جگر و معده بغایت نافع است خفقان
و توحش دفع کند و فرح و نشاط آورد اجزاء این قرنفل زنجبیل موز سنبل دار فلفل
بوزیدان ابو امامه کبابه شیطرج هندی لسان العصافیر درونج بادرنجبویه کاوزبان
مصطکی خولنجان فرنجمشک مروارید ناسفته صندل سفید زرنباد مدحرج سلیخه
یاقوت رمانی گل سرخ از هر یک دو مثقال بهمن سرخ یکمثقال عنبر اشهب نیم مثقال
مشک تبتی یکمثقال کوفته و بیخته بعسل معجون سه وزن ادویه امیخته شربتی از این یکمثقال
باشد تا دو مثقال و اگر خواهند بیست مثقال جزء اعظم بنگ سوده بروغن بادام
چرب کرده هفت مثقال خصیة الثعلب مصری اضافه نمایند جهت تقویت باه مفید
جد نافع باد انشاء الله تعالی وتقدس معجون انقردیا سودمند است جهت فالج ولقوه
و صرع و استرخاء اعصاب و داء النسیان و جنون و صداع و امراض معده و سینه و بلغمیات
و تریاق جمیع امراض بلغمیه است و قوت مجامعت بسی میل دهد چنانکه از برای تلخی
مزاج معجون در امر باه از این معجون مفید تر نباشد و جهت حصول حفظ و دفع نسیان

نظیر ندارد و این معجون را بلادری بزرگ میگویند و انقردیا مرادف بلادر است
و لغت یونانیست صفت آن سنبل ساذج هندی عاقرقرحا سونیز قسط فلفل دار فلفل
درونج از هریک ده مثقال ورق سداب جنطیانا رومی حلتیت طیب زراوند
مدحرج حب الغار جند بیدستر شیطرج هندی خردل از هریک پنج مثقال عسل بلادر
پنج مثقال ادویه کوفته و بیخته و بروغن کرده کاو حوب چرب کرده بعد چند آن عسل
کف گرفته معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی ازین یکدرم تا یکمثقال
و نیم باشد و هر چند کهنه شود بهتر باشد و مؤلف اختیارات بدیعی در قرابادین
آن میگوید که این معجون در تقویت قوت باه بلغمی مزاج بغایت مفید است که
تناول نموده اند و بی شک کرده اند و مجرب است معجون فلونیا فارسی سودمند
بود جهت قولنج و عسر بول و اوجاع سپرز و درد جگر را نفع بلیغ می بخشد و بجهت
درد دندان که چون به پنبه بر آن نهند ساکن میگرداند و سرفه و درد احشا و خناق را
نفع تمام می بخشد و نزف رطوبت رحم زنان و بادهایی که زنان را حادث میشود
در ارحام مینماید و منع اسقاط جنین میکند و قوت رحم میدهد و لقلقه و
و قی بلغمی را منع میکند اما موجب کسل است صفت آن فلفل سفید بذر بنج سفید
از هریک بیست مثقال افیون مصری ده مثقال طین مختوم پنج مثقال زعفران
پنج مثقال سنبل الطیب تخم کرفس عاقرقرحا افیون از هریک دو مثقال جند بیدستر
یکمثقال زرنباد درونج از هریک نیم مثقال مروارید ناسفته و مشک از هریک
نیم مثقال کافور یکدانگ کوفته و بیخته بسه وزن ادویه عسل معجون آمیخته بعد از
شش ماه استعمال کنند و هر چند کهنه تر بهتر باشد و مقدار شربت آن مثلا مقدار

یک نخود

یک نخود باشد ان شاء الله تعالی و تقدس معجون فلونیای رومی منافع این مثل منافع فلونیا

فارسی است بل اقوی صفت این زعفران پنج مثقال فلفل سفید بزر بنج سفید از هر یک بیست

مثقال افیون ده مثقال قطراسالیون چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال سنبل چهار مثقال سادج

هندی سلیخه عاقرقرحا حب بلسان فرفیون از هر یک یک مثقال ادویه را کوفته و بیخته و بروغن

بلسان چرب کرده سه چندان عسل مقوم کف گرفته بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی از این مثل مقدار نخودی باشد جهت درد قولنج و درد گرده و درد جگر با آب کرفس

حل ساخته استعمال نمایند و قوت این معجون تا سه سال باقیست بعد از آن ضعیف میگردد

تا آنکه ساقط شود و هرچند کهنه تر از مضرت آن امن بیشتر معجون بوشعثا این نسخه بیشتر

مستعمل است و منسوب است بشیخ الرئیس مسکن جمیع اوجاع است و از برای جمیع

امراض که فلونیا نافع است این نیز نافع است صفت این فلفل سفید بزر بنج سفید

البته سفید میباید که بزر بنج سیاه قاتل است از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال

زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر یک یک مثقال مجموع کوفته و بیخته

سه چندان عسل مقوم صاف آمیخته بعد از شش ماه که در میان جو بشرایط حفظ کرده باشند استعمال

نمایند مقدار شربت این مقدار یک نخود است نافع باد ان شاء الله تعالی و تقدس

معجون بوشعثای مختصر که استاد این فقیر مولانا تاج الدین طبیب گیلانی علیه الرحمة تالیف

کرده بود مسکن وجع و مخفف قروح است و عاقل بطن است در این ابواب مثل مجربات است

شربتی از این یک نخود تا مقدار یک دانگ باشد و بعد از چهل روز بلکه بعد از شش ماه استعمال

نمایند صفت این افیون دو مثقال فلفل دو مثقال زعفران نیم مثقال و تا کیدرم جایز است

سه وزن ادویه عسل بیامیزند و بشرایط حفظ نمایند نافع باد ان شاء الله تعالی و تقدس

معجون لبوب کبیر این نسخه مستعمل صاحب اشارات بدیعی است که هر دا توقت صبح عسل و قضیب را
سخت کند و حفظ تمام آورد صفت آن مغز بادام مغز فندق مغز فستق مغز حب نلفل مغز حبة الخضرا مغز
کرنکان مغز نارجیل مغز جلغوزه مغز تخم خربزه مغز حب الصنوبر الکبار مقشر خشخاش مقشر سپید از هر یک
دو مثقال کبابه خولنجان قرنفل قاقله مصری از هر یک پنج مثقال مصطکی بسباسه لسان العصافیر
سنبل الطیب از هر یک یکمثقال بهمنین سرخ و سفید تخم هلیون تودری سرخ و سفید و زرد
و بوزیدان و شقاقل تخم جرجیر تخم شلغم تخم اسپست تخم پیاز از هر یک شش مثقال خصیة الثعلب
مربه حب مصری ده مثقال تخم کرنب و خشک مربی و کلی مرها و قضیب گاو خشک کرده
تبوهان سوده از هر یک چهار مثقال مغز دماغ گنجشک نر که در وقت هیجان گرفته باشند
دو مثقال زعفران زنجبیل دارمشک مر گنجشک دارفلفل از هر یک سه مثقال ادویه را
کوفته و بیخته باسه چندان عسل امیخته شربتی دو مثقال غذای وی نخود با نانبه پیاز و گوشت
تلی و زردی تخم مرغ نیم برشت است و ازماست و ترشیها احتراز واجب است معجون
فلاسفه این معجون را ماده الجوع نیز میگویند مقوی نفس و مفرح بود و بغایت مناسب
حال پیران و بلغمی مزاجان است سیما که در فصل بهار و شتا مستعمل شوند هضم طعام کند و حفظ
و ادراک و عقل بیفزاید و مسکن ریاح باشد و منی بیفزاید و سبب طلاقت لسان باشد
شیخ الرئیس در قانون میگوید که این معجون هضام و مجشی و مشتهی است و قضیب محکم میگرداند
و در پیران که ماده تن سست بشبب میکند و بیخ دندانها استحکام میسازد صفت آن فلفل ده
مثقال دارفلفل زنجبیل دارچینی املج هلیلج شیطرج هندی زراوند گرد شاهی عروق بابونج
جلغوزه جوز هندی خصیة الثعلب مصری از هر یک ده مثقال و اگر خصیة الثعلب پانزده
کنند میتوانند بعد مویز دانه بیرون کرده کوفته دا چهل مثقال عسل منزوع الرغوه بقوام
تمام

تمام آورده سه وزن ادویه و در بعضی کتب مسطور است که بعد از چهل روز استعمال نمایند
تا شیخ الرئیس در قانون از این قید ساکت است و شیخ مقداد شربت این معجون مثل جوز
الطیب گفته است معجون لا یقل کسانیکه بر مجامعت قادر نباشند چون این معجون بخورند
بر مجامعت قادر شوند صفت آن کندر سفید سه مثقال بهمن کوفی دو مثقال وج دو مثقال
مرزنجوش دو مثقال خولنجان چهار مثقال جوز بوا پنج عدد زنجبیل سه مثقال دار فلفل دو مثقال دار
فلفل دو مثقال قرنفل دو مثقال خصیة الثعلب مزهر مصری هفت مثقال کبابه چینی دو مثقال
بسباسه دو مثقال بوزیدان دو مثقال عسل صاف سه وزن ادویه بقوام آورده ادویه را
بغایت کوفته و از ولایه بیرون کرده بدان سرشته شربتی تا سه مثقال نافع است باذن الله
تعالی استاد مقیر مولانا تاج الدین طبیب گیلانی رحمة الله علیه با وجود این ترکیب این
طلا را میفرمود که گرم کرده بر پشت و عانه و ذکر بمالند که سبب قدرت بر جماع میشود
اجزاء این مصطکی دو مثقال جند بیدستر دو مثقال وج یکمثقال فرفیون یکمثقال قسط
هندی یکمثقال دار فلفل دو مثقال نیم کوفته و بیخته در آب بسیار بجوشانند که تمام کیفیات
آنها در آب قوی کند بعد از آن آنها را بگرمی بمالند و آب را با روغن زنبق پنجاه
مثقال باتش نرم بجوشانند که تمام آب بتحلیل رود و روغن بماند بعد از آن حفظ
نمایند و بر وجه مذکور طلا کنند و این معجون و این روغن خاص است بلغمی مزاجان
که مزاج سرد داشته باشند نافع است انشاء الله تعالی و تقدس معجون نوشدارو
قوت معده و دل و جگر و دماغ بدهد و ازاله حزن کند و مقوی نفس ناطقه و بدن
باشد و تطیب نکهت کند و تحسین لون و تحمیر و بریق آن کند و مفرح باشد و هضم
طعام کند و قبل از طعام و بعد از طعام مشغول شدن آن جایز باشد اخلاط آن

گل سرخ شش مثقال سعد کوفی پنج مثقال قرنفل سه مثقال مصطکی سه مثقال اسارون سه مثقال
هل دو مثقال قاقله دو مثقال جوزبوا دو مثقال زعفران دو مثقال سنبل دو مثقال زرنب
دو مثقال املج یکمن در سه من اب بجوشانند و بعضی سی مثقال املج در یک ظرف بزرگ اب
بجوشانند و یکمن نبات بجری را که از کعب الغزال میگویند بقوام اورند و داروها بدان
بسرشند و اگر بعسل و قند کنند سه وزن ان ادویه عسل و با قند بقوام اورده و صاف نکرده
ادویه را بغایت کوفته و از والای سفت کرده اند بدان بسرشند و استعمال نمایند
و بعضی مشک نیم مثقال و عنبر بمشک و مروارید ناسفته و ساذج هندی از هر یک دو مثقال
اضافه مذکورات میکنند شربتی ازین دو مثقال و نیم است نافع باد انشاء الله تعالی
معجون کمونی جهة سردی معده و جشای حامض و لین طبیعت مناسب است و ریاح غلیظ
معده و امعاء و مثانه را دفع میکند و فتح سدد جگر مینماید و تسخین ان میکند و دفع مواد
بلغمی و جوع الکلب و حمیات بلغمی و سوداویه مینماید و سردی انثیین و ریح سپرز و قولنج
و بیخ رحم را بغایت نافع است و بعضی اطبا این ترکیب را از جوارشات عمل کرده اند
مخدوم مولانا سدید الدین رحمة الله علیه این ترکیب را در شرح موجز در فصل معاجین
اورده است و اولی انست که معاجین باشد زیرا در جوارشات طبیب مسیح
وطبی معتبر است و در کمونی منقود است اجزاء آن زیره در سرکه مینسایند یکشبانه
روز و در سایه خشک کرده بریان کرده صد مثقال اگر زیره کرمانی باشد بهتر
زنجبیل بیست مثقال فلفل ده مثقال نانخواه پانزده مثقال برگ سداب در سایه
خشک کرده بیست مثقال بوره ارمنی ده مثقال این نسخه شیخ نجیب الدین سمرقندی است
که در قرابادین خود اورده است و ایمون درین نسخه داخل ساخته است و دیگر

اطبا

اطبا داخل ساخته اند و اولی ترک است چنانکه مولانا سدید الدین در شرح موجز میگوید
که بعضی اطبا سنبل قرفه قرنفل و حب بلسان و مصطکی از هر یک چهار مثقال داخل ساخته اند
و مقدار شربت این تا دو مثقال است نافع باد انشاء الله تعالی و نقل من معجون قرص
که جهة سرفه و اوجاع جگر و امراض سینه و آلات تنفس و وجع معده و جهة شوصه
بغایت مناسب است و تصفیه صوت مینماید و ضیق النفس و اوجاع سپرز را نافع است
و ادرار بول میکند صفت آن مویز لحیم دانه بیرون کرده بیست و پنج مثقال زعفران
یکمثقال سنبل یکمثقال سلیخه یکمثقال دارچینی یکمثقال دار شیشعان یکمثقال قصب
الذریره دو مثقال و نیم فقاح اذخر دو مثقال و نیم علک البطم دو مثقال و نیم مقل ازرق
دو مثقال و نیم مرصافی چهار مثقال عسل مصفی مقوم سه وزن ادویه مویز مذکور را
در شراب عتیق بخیسانند و ادویه را کوفته و از ویلا بیرون کرده با مویز صاف
کرده بعسل مذکور بیامیزند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی یک درم تا یکمثقال
باب گرم جهة وجع جگر و معده و اضطراب ذو ... محلول در آب گرم جهة وجع صدر
و ضیق النفس مشغول شوند نافع باد انشاء الله تعالی و نقل من معجون فنجنوش
و این معجون را معجون خبث الحدید نیز میگویند از برای استرخاء معده و ریاح بواسیر
و فساد مزاج و معده و تغیر لون نافع است و جهة تقویت قوه مجامعت بغایت
صفت آن هلیله سیاه پوست بلیلج املج سنگی فلفل دار فلفل زنجبیل کوفی سعد
شیطرج هندی سنبل از هر یک دو مثقال تخم شبت تخم کندنا از هر یک چهار مثقال
خبث الحدید سحق کرده و در سرکه انگوری بخیسانند ده روز و بعد از آن بریان
کرده صد مثقال و بعضی اطبا مسک بتی یکمثقال و نیم داخل میسازند و او بغایت سحجی

کرده و بپخته نیم چندان عسل صاف مقوم امیخته بعد از شش ماه استعمال شربتی از یکمثقال تا دو درم
استعمال دارند معجونی جهت که استاد وفخر مولانا تاج الدین طبیب کیلانی علیه الرحمة در بعضی رسایل
خود ایراد کرده است وان مجربات وی است مخالف ماسک البول که ان برای سلس البول کرم مجرب است
باید که کنند بر اجزاء اطریفل صغیر جلنار جفت بلوطان هر یک مثل احد اجزاء اطریفل صغیر
بذر البنج سفید انقدر که در هر شربتی طسوجی واقع شود و مقدار شربت این معجون مثل
مقدار شربت اطریفل صغیر است چنانکه در فصل اطریفلات مذکور خواهد شد انشاء الله
تعالی و طریق معجون ساختن و نسبه وزن عسل بخلوط ساختن معلوم است معجون
ماسک البول که ان برای سلس البول سرد نافع است و مجرب است صفت ان صفت ان
بلوط سوی کندر مع محلب قشر فرنه داس خولنجان سعید کوفته اجزاء مساوی
بعسل تمام سه وزن ادویه بعد از کرفتن و تنخین معجون سازند چنانکه رسم است
حفظ نمایند شربتی سه درم بامداد و سه درم شبانگاه مشغول شوند غذای این اطعمه
قابض و قلیا است معجون مجرب بجهة اورام معده و صفاقات ان زایل کنند بر اجزاء
اطریفل مذکور افتیمون رومی و افتیمون و عود و مصطکی از هر یک بقدر مقدار
احد اجزاء اطریفل مذکور و نسبه وزن ادویه عسل صاف مقوم معجون سازند
چنانکه رسم است شربتی سه درم نافع است انشاء الله تعالی و تقدس
معجون خوزی و این ترکیب را از جوارشات نیز عد کرده اند و این نسخه مختصر
و مجرب است در امراض و اسهالات بلغمی نفع بلیغ میدهد دانه مویز
که ان سرکه مویزی کرفته باشند دو مثقال حب الاس نیم مثقال مزوت بنطی
جلنار کرمان و کندر نا نخواه از هر یک یکمثقال سه وزن ادویه عسل علی الرسم
امیخته شربتی سه درم نافع است انشاء الله تعالی و تقدس معجون نشر نافع

حقنه لتقویت

جهة تقویت قوت مجامعت صفت آن خولنجان ده مثقال تخم جزر و تخم جرجیر
از هریک هفت مثقال خصیة الثعلب ده مثقال ادویه را کوبند مثل غبار
و بسه وزن ادویه عسل صاف مقوم معجون سازند مقدار شربت این مثل دو جوز
الطیب بزرک وقت خواب نافع است ان شاء الله تعالی معجون مسیحی جهة
قوت معده و هضم طعام و تقویت قوت مجامعت و قوت پشت و کرده
بغایت سودمند است اشتها طعام و اشتها مباشرت زیاده کند و قروح
اوره صفت آن زنجبیل پنج مثقال خولنجان هفت مثقال نرهه هفت مثقال شقاقل
مصری پنج مثقال جوزبوا ده مثقال بسباسه پنج مثقال اشنه هفت مثقال زنجبیل سه مثقال
قاقله سه مثقال لسان العصافیر پنج مثقال سنبل هفت مثقال دار فلفل سه مثقال عاقرقرحا
پنج مثقال نارمشک سه مثقال پوست ترنج پنج مثقال زعفران سه مثقال عنبر اشهب
یکمثقال مسک بتی نیم مثقال جز اعظم خوب سی مثقال خصیة الثعلب مصری ده
مثقال جز اعظم را با روغن بادام چرب کنند بعد از آن بغایت سوده و بیخته
و ادویه را صفت پرورن کرده بسه وزن ادویه عسل صاف مقوم بیامیزند
و حفظ نمایند چنانکه شرط است شربتی بقدر کفایت مشغول شوند
معجون مجرب بغایت سودمند است درد معده و سوء هضم را و جهة قولنج ریحی
و عسر البول و اوجاع مطلقا نافع است و امراض بلغمیه و ریاح غلیظ را سود
مند است ان شاء الله تعالی صفت آن جند بیدستر افیون دارچینی اسارون
از هریک یکمثقال مرصافی فلفل دار فلفل قسط شیرین از هریک شش مثقال

مجموع کوفته و بیخته مر روغنه را بگلاب حلّ نمایند و صاف کرده بسه درن اجزاء عسل صاف مقوّم بسرشند شربتے ازین معجون از یکدانگ است تا یکدرم و این معجون را بعضی از تریاقات شمرده اند والشفاء منه تعالی معجون کبریت منقول است از شرح موجز مولانا سدید الدین رحمة الله تعالی از برای حمیات عتیقه بارده و بلغمیه و سوداویه و جهة سرفه کهنه و ضیق النفس رطوبی و جهة اوجاع مزمنه و گزیدگی حیوانات زهردار مثل مار و عقرب و رتیلا نافع است و ادرار بول مینماید و سنگ کرده و مثانه میگدازاند و اثر این معجون قریب است باثر تریاق اکبر چنانکه شیخ الرئیس و صاحب کامل الصناعت در بیان منافع این نسبت را یاد میکنند و هر یک ازین دو بزرگ نسخه جهة این معجون نوشته اند اما نسخه شیخ الرئیس اینست کبریت زرد بذر بنج سفید مر ذمانا مبعه مرسان از هر یک هشت مثقال سداب و قسط شیرین از هر یک ده مثقال افیون زعفران از هر یک دو مثقال سلیخه دوازده مثقال فلفل ابیض بیست و چهار مثقال عسل سه وزن ادویه تربیت نموده بعد از شش ماه استعمال نمایند و حفظان بروجه مذکور مکرر نمایند شربتے ازین از نیم درم تا یکمثقال باشد نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس و نیز بدانکه شیخ الرئیس در قانون میفرماید که صاحب تب بلغمی در روز خلو قبل از روز نوبت ازین معجون بقدر یکرسنه مشغول شود و مقدار شربت این انچه گذشت مولانا سدید الدین تعیین کرده است در شرح موجز معجون حجر الیهود

خاصیت

خاصیت این معجون اینست که ریگ و سنگ گرده و مثانه میریزاند و حرقة بول که از آن است دفع
مینماید صفت آن مغز تخم خیار مغز تخم خربزه مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک پنج مثقال حجر الیهود بخار
مثقال کوفته و بغایت سحق کرده و از و طلاء سفت کند را بند و دبه چندان عسل که کرفته
سرشته شربتی از این تا دو مثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس معجون کاکنج
سود مند بود جهت وجع گرده و مثانه و حرقة بول زایل کند صفت این بذر بنج سفید دانه
از هر یک هفت مثقال تخم خیار بن پنج مثقال انیسون مغز جلغوزه بریان کرده مغز فندق
بریان کرده مغز بادام بریان کرده زعفران از هر یک سه مثقال حب کاکنج بیست و پنج عدد
کثیرا چهار مثقال جمله را کوفته و سحق بغایت کرده بر منفج سه وزن ادویه بسرشند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند مقدار شربت این از مقدار باقلاء تا یکدانگ نافع است
انشاء الله تعالی و تقدس معجون عقرب جهت امراض مثانه بغایت نافع است و کزیدن
عقرب را نیز سود مند است صفت این عقرب که بزرگ سوخته باشند سه مثقال
جنطیانا رومی یکمثقال دهن زنجبیل یکمثقال فلفل و دار فلفل از هر یک دو مثقال
پنج کاکنج و باحب آن پنج مثقال جند بیدستر کوفته و بیخته بوزن ادویه عسل صاف مقوم
بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند از برای بالغان و اقویا شربتی تا یکدانگ و
از برای ضعفا و صبیان شربتی نیم دانگ باشد نافع اد انشاء الله تعالی و تقدس
تتمه در بیان معاجین مسهله بدانکه اطبا ازاده و بمصلح و مسهلات انواع معاجین چند
ترکیب کرده اند مطابق اصول ترکیب تا مهیا باشد جهت بعضی امراض و کفایات جلبات
که ناگاه حادث شود و وقت محتمل ترکیب آنها نباشد از آنها معجون خیار شنبر است که

که تحلیل قولنج مینماید و مسهل بلغم و صفرا و اخلاط محترقه است اخلاط تربد سفید مجوف
مقشر خراشیده و بروغن بادام چرب کرده چهل مثقال بنفشه خشک بیست مثقال نمک
هندی پنجمثقال و تب السوس هفت مثقال تخم رازیانه و انیسون و مصطکی از هر یک
پنج مثقال محموده انطاکی مختار ده مثقال عسل خیار شنبر صد مثقال روغن بادام چهل مثقال
اجزاء کوفته و سحق کرده و بیخته و بروغن بادام چرب کرده بعسل خیار شنبر سرشته
عسل صاف صد مثقال قند سفید صد مثقال هر دو را بایکدیگر بقوام اورده وادویه را
که بعسل خیار شنبر سرشته باشند بدین عسل و قند ممزوج مقوم ببرشند و باید که
عسل خیار شنبر آتش نه بیند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال نافع است بعد از رعایت
اهتمام شرایط و اگر خواهند مقادیر مذکوره را کم سازند برطبق مقادیر مذکوره میتواند
بود معجون لوزی صفرا و بلغم را اسهال میکند و حمی غب غیر خالصه و شطر الغب را
نافع است اخلاط محموده بیک ده مثقال مغز دانه کاغله ده مثقال مغز بادام شیرین پنج مثقال
نبات صاف پنجاه مثقال زعفران یکمثقال نبات بگلاب بقوام اورند و داروها
کوفته و بیخته بر نبات مقوم بیامیزند شربتی ازین معجون یکمثقال است باید چنان
ملاحظه کنند که نبات مقوم سه وزن ادویه باشد و از تناول این معجون طبع را
کراهیتی نباشد نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس معجون نجاح جهة امراض سوداوتیه
مناسب است اخلاط پوست هلیلج املج منقی از هر یک ده مثقال بسفایج افتیمون
اسطوخودوس تربد سفید مجوف خراشیده مقشر بروغن بادام چرب کرده از هر یک
پنج مثقال عسل سه وزن ادویه اجزاء کوفته و بیخته و بعسل مقوم امیخته شربتی ازین معجون

پنج درم

پنج درم تا هفت درم باشد که در طبیخ بادرنجبویه محلول ساخته مشغول شوند و شرایط

شرب تناول نمایند و رعایت میکنند معجون سورنجان جهة وجع مفاصل و عرق النساء

و نقرس بغایت مناسب است چون ایشان مرکب باشد از بلغم و صفرا بدانکه اصل در معالجه

اوجاع مفاصل اینست که ترکیب کرده شود در میان ادویه مسهله مخصوصه بمفاصل

که مدر بول باشد و مسکن وجع و مانع انصباب مواد باشد و در این معجون این صفات

مرعی است اخلاط سورنجان مصری سفید شش مثقال بوزیدان ماهی زهره پوست

بیخ کبر ذیره کرمانی شیطرج هندی از هر یک دو مثقال پوست هلیله زرد هفت مثقال

تخم کرفس رازیانه فلفل سفید سعتر نمک هندی برگ حنا زید البحر از هر یک یک مثقال

و نیم کبابه مقشر گل سرخ از هر یک سه مثقال تربد مجوف مقمع خراسین و به روغن

بادام چرب کرده پانزده مثقال زنجبیل سه مثقال محموده بنک سه مثقال و روغن بادام

هفت مثقال معجون سازند چنانکه رسم است شربتی از این پنج مثقال است که با آب

گرم تناول نمایند و اگر خواهند علی الدوام خورند هر روز سه درم و این معجون

صفت الاسهال و اجزاء این متقاربة القوی است و بدین جهة است که با وجاع مفاصل

نفع میرساند و لهذا بعضی اطبا تقویت این مینمایند بضم دیگر مسهلات مع مصلحات

معجون نافع جهة جرب و حکه و اسهال مواد محرق میکند اخلاطه پوست هلیله

زرد یک جزو سناء مکی نصف ان شاهترج ثلث ان افتیمون دو ربع ان مجموع کوفته

و بیخته و با کشمش امیخته شربتی از این مثل جوز بزرگ است که تناول نمایند و رعایت

شرایط بتقدیم رسانیده باشند معجون ممسهل مستعمل اطبا وقت که حاجت

نافع است قولنج را که با ان قی و غثیان باشد اخلاطه محموده ده مثقال تربد سفید

مجوف مصمغ مراثیل بروغن بادام چرب کرده سی مثقال مصطکی قرنفل شکر زنجبیل
دارفلفل فلفل گل سرخ جوزبوا از هریک سه مثقال مل و زعفران از هریک
دو مثقال اب به مجوش و عسل مصفی از هریک مثل ادویه هر دو را بایکدیگر بقوام
اورند و ادویه را کوفته و بیخته و بدان بسرشند شربتی چهار مثقال باب گرم مشغول
شوند بعد از رعایت شرایط نسخه دیگر از ان معجون سفرجل بگیرند بهی شیرین طیب
الرایحه ده عدد بگیرند و در اتش نرم بنهند که پخته شود و از گوشت ان بیست چهار
مثقال و فلفل و زنجبیل از هریک دو دانگ محموده یکدرم ادویه را بکوبند و
بگوشت بهی پخته بیامیزند شربتی یکمثقال تا دو درم باب گرم مشغول شوند نافع
باد انشاء الله تعالی معجون شبرم که تحلیل قولنج میکند محموده ده درم تربد سفید
مجوف مصمغ مراثیل بروغن بادام چرب کرده پانزده درم فلفل زنجبیل ذبیح
ورق سنا بوره خولنجان از هریک یکدرم عسل منزوع الرغوه سه وزن ادویه
شربتی دو درم نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس معجون دیگر که قولنج را نفع دهد
و اسهال اخلاط غلیظه کند و عسر البول را نفع دهد بوره ارمنی ذبیح کرمانی
فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هریک دو درم و نیم محموده انطاکی پنج درم
حزماها یعنی بابک از دانه بیست درم بادام شیرین مقشر و ورق سنا از
هریک ده درم ادویه را بکوبند و به بیزند و حزماها را در سرکه انگوری بخیسانند
یکشبانروز و بعد از ان حزماها را حل کنند و ادویه کوفته و بیخته را در ان ریزند
و بسرشند و بعد از ان بعسل منزوع الرغوه منعقد ادویه شربتی از چهار درم تا هفت
درم نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس والختم بالصلوة علی محمد و آله الطاهرین

خاتمه

خاتمه در [illegible] فی تریاق اکبر است و طبیعت ان گرم و خشک است نافع است
جهت گزیدگی جانوران و مجموع سموم معدنی و نباتی و حیوانی و جهت عضه کلب معقلا
شربتی و یک نخود تا حاجت باشد اقل ان یک طسوج و زیاده ان یک مثقال باشد و چون
بر موضع گزیدگی طلا کنند سودمند باشد اگر منافع ان مفصل نوشته شود بسی دراز
سعال و عسر النفس و درد سینه و شش و نفخ معده و قولنج و استسقا و برص
و بهق و جذام و اوجاع مفاصل و مجموع امراض سوداوی و بلغمی را نافع است
و صرع و صداع و تاریکی چشم و درد شقیقه و بواسیر را نافع باشد تشجیع قلب
و تزکیه حواس کند و تفتت حصاة و بول و حیض براند و تقویت شهوات نماید
صفت او اقراص اذر و خوردن عنصل چهل و هشت مثقال اقراص افاعی اقراص
اندروخوردیون فلفل سیاه افیون مصری از هر یک بیست و چهار مثقال
ورق گل سرخ تخم شلجم بری [illegible] بری ایرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان
از هر یک دوازده مثقال دارچینی بیست و چهار مثقال و بعضی دوازده
مثقال میکنند تر زعفران زنجبیل ریوند چینی فنطافلون فودنج جبلی فراسیون
قسط قطر اسالیون اسطوخودوس فلفل سفید دار فلفل کندر ذکر مسطراشیح
حماما اذخر صمغ البطم سلیخه سوداء سنبل الطیب محلب از هر یک شش مثقال لبنی
تخم کرفس سیسالیوس جزف بابلی کادریوس نانخواه کمافیطوس عصاره لحیة التیس ناردین
دین قلیطی شیح جبلی ساذج هندی جنطیانا تخم رازیانه طین مختوم زاج محرق کمام
سوخته باشد حماما دج حب بلسان فوهیوفاریقون صمغ عربی قردمانا انیسون اقاقیا
از هر یک چهار مثقال دوقو مقل الیهود جاوشیر قنطوریون باریک زبراوند طویل

سکنجبین فرا یرود از هر یک دو مثقال جند بید ستر دو مثقال و بعضی چهار مثقال می‌نهند
عسل ده رطل شراب کهن ریحانی هشت رطل و هر رطل باید که بوزن بغداد بود هر رطل
نود مثقال صموغ و عصارات بشراب بخیسانند تا حل شود و عسل بر آن کنند
و یکبار دیگر دم کنند بعد از آن ادویه کوفته و بیخته در روغن بلسان چرب کنند
و بعسل مطبوخ بسرشند و در ظرف نقره یا چینی یا رصاص یا آبگینه کنند و باید
که ظرف را پر نکنند و استعمال کنند بعد از یکسال و بعضی بعد از شش ماه جایز داشته‌اند
و بعضی گفته‌اند تا ده سال یا دوازده سال و آن زمان در غایت جوانی و قوت بود
تا سی سال و چون از سی بگذرد تا شصت سال قوت وی باقی باشد و هر منفعت
که گفته‌اند همه را داشته باشد لیکن بعد از شصت در امراض مذکوره تا بیرد آشنه
باشد اما نفع سموم و لسوع و نهش نماید و آن زمان بقوت معاجین بزرگ
باشد و شیخ الرئیس میفرماید که مقدار ماخوذ از وی جهت سموم و لسوع در زمان
جوانی آن نیم مثقال است و در زمان از منه اخری قوت زمان جوانی آن اعنی در زمان
کهولت و شیخوخت آن تا یکمثقال است بدین وجه بلع نمایند و آب نبات و گلاب
بر بالای آن جرعه فرمایند و با شراب و نیز در سایر امراض مرتبه گفته‌اند و با
بر قیاس مذکور است تریاق اربعه تریاق صغیر است سودمند باشد جهت گزیدگی
جانوران خصوصاً عقرب و سگ دیوانه و ریاح غلیظه معده را صواب کنند
و درد جگر و سپرز و صرع و خفقان سرد را نافع باشد و اگر زن خواهد بچه مرده
بیندازد یا ولادت او سهل باشد یکمثقال از این بلع نماید سودمند باشد
صفت آن جنطیانا و دمی حب الغار و مر صاف و زراوند طویل اجزاء مساوی کوفته
و بیخته

با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی یک مثقال با آب گرم بر بالای آن بخورند زهرها بند
نافع است ان شاء الله تعالی و تقدس و بعد از دو سال عمل وی باطل گردد و شاید
در یک بیت ادا اجزای این کرده است و هو جنطیانا زراوند رومی و حب الغار و زراوند
و مرمکی این تریاق مر ورم طحال سودمند است و همه زهرهای مختلف و گزیدگی جانوران
و سگ دیوانه و قولنج و فالج و لقوه و استرخاء اعضا را سودمند باشد و سستی جگر فتح نماید
و اورام صلبه بگدازاند و اخلاط از سینه پاک کرده اند و رطوباتی که در سینه و شکم باشد
دفع کند و درد معده و امعا را نافع بود و خون دمنی را مطلقا باز دارد و تقویت
قوت باه نماید و کوبه در وی یک کرده اند و مشتهی طعام باشد و سنگ مثانه بریزاند
و بجز در رحم نگاه دارد و ذهن صاف کند و جوانی نگاه دارد و خواص این تریاق
نزدیک است بخواص تریاق فاروق صفت این مر و زعفران و فاریقون سفید
مقل زنجبیل و دارچینی علک البطم کبرا از هر یک ده درم سنبل الطیب کندر ذکر
صندل سفید عود بلسان اسطوخودوس اذخر قسط سالیوس فتروج دارفلفل
عصاره لحیة التیس جند بیدستر جاوشیر صمغ ساذج از هر یک هشت درم سلیخه
فلفل سیاه و سفید سورنجان بر سیاوشان اسقوردیون دوقو اکلیل الملک
جنطیانا دهن بلسان فرفیون مقل از هر یک هفت درم سداب دو درم تخم
سداب ده درم اشق و ناردین اقلیطی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون فودنج
افیون تخم رازیانه ورق گل سرخ مشکطرامشیع از هر یک پنج درم انیسون و مومیا سکبینج
اسارون از هر یک سه درم امادیطانو فادیقون سنبله سقنقور از هر یک چهار درم
ممغاد بشراب کهن ریحان حل سازند و داروها کوفته و بیخته با سه چندان عسل

معقوم مصفی بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از ین یکمثقال است و قوت
این تریاق تا هفت سال میماند فصل تخم در جوارشهای مستعمل نافع بود کرده سرد را
و بارد را باده کند و حفوظ تمام آورد و منافع این جوارش بسیار است خصوصا
در تقویت باه و معده اما این اختصار کردیم صفت آن تخم هلیون تخم پیاز تخم گندنا
و کمدنا و تخم شلغم تخم اسبست تخم جرجیر حب الصنوبر تخم کرنب مغز حب الخضرا لسان العصافیر
کنجد مقشر تخم تره تیزک تخم جلغوزه از هر یک سه مثقال زنجبیل شقاقل مصری خولنجان
دار فلفل از هر یک پنج مثقال دارچینی جوز الطیب بهمنین از هر یک دو مثقال سن
سقنقور پنج مثقال خصیة الثعلب ده مثقال ذکر گاو خشک کرده سوهان سائیده
دو مثقال ادویه کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته معقوم بسرشند و آنرا قوت دهد
جوارشهای بالعفص ترانادویه معاجین و مفرحات بود و بعضی المبادرین
تخم اسفیل بریان کرده صنوبر بسند سه درم و شربتی از ین جوارش دو درم
بمثلث و یا شیر تازه و یا بقدر کفایت بماء العسل تناول نمایند نافع باشد انشاء الله
تعالی و تقدس جوارش سقنقور نسخه ذکر مستعمل ملجی بدیع الدین صاحب اختیارات بدیعی
این جوارش جهت کسیکه شهوتش منقطع شده خواه زن و خواه مرد البته سخت نافع است
بر انگیزد و در تقویت باه بغایت نافع است اجزاء آن تخم جند قوتی مثقال
مصری تخم شلغم تخم پیاز تخم جرجیر تخم گندنا تخم خشخاش تخم کرنب از هر یک سه مثقال
خصیة الثعلب پنج مثقال سن سقنقور دو مثقال ملک قسط شیرین از هر یک
دو مثقال فلفل سفید کنجد مقشر دار فلفل زنجبیل زعفران از هر یک یکمثقال
قند یکمثقال و نیم ذکر گاو خشک کرده ذکر اسب خشک کرده از هر یک پنج مثقال

الفیل

اسقیل سوری یک مثقال اما اسقیل را اما چیز مذکور استعمال نکرده پس تخم‌ها را و ادویه را بکوبند
بغایت مهربند و قند و علک را در پنج مثقال عسل حل سازند و مغزها را در هاون
کنند و بسایند و بعد از آن با ادویه ممزوج کنند و با سه چندان عسل بقوام آورده
سرشته و در ظرف کاشی و یا چینی و یا شیشه حفظ کنند و سر ظرف محکم سازند
و بعد از چهل روز استعمال کنند شربتی یک مثقال با هشت مثقال آب جرجیر و یا
با شربت ریحان و یا با ماء العسل یک کاسه حل کرده بازخورند و غذا دو نوبت بعد از
که با نخود آب و پیاز سفید و به روغن گاو در آن پخته باشند خورند و این جوارش
جهت امر مذکور بغایت نافع است جوارش جنت الحشیش مشتمل صاحب اختیارات است
و این جوارش را انجیرس نیز خوانند سودمند است جهت استرخاء معده
و بواسیر و بنا به مزاج و باه را تقویت و تحریک کند و رنگ روی سرخ و صاف
گرداند و دفع سرعت انزال کند و متی که چهل روز متواتر استعمال کنند
این منافع و غیب ظهور تمام یابد اجزاء آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه (اجزاء آن)
پوست بلیله امله مقشر شیطرج هندی سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل
سعد کوفی از هر یک هشت مثقال سپت تخم کندنا از هر یک سه مثقال
خبث الحدید مدبر کرده یعنی در سرکه چهار شبانه روز بسایند بعد از آن
در سایه خشک کرده و بریان کرده و به روغن بادام چرب کرده و دوکراد
سحق کرده هشتاد مثقال سه وزن ادویه عسل دارو ها را کوفته و بیخته
بدان سرشته بعد از آن مشک ترکی دو مثقال اضافه نمایند و در ظرف
آبگینه و یا قلعی و یا چینی کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی تا دو مثقال

بود نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس جوارش زردنیز نافع است گرده
و مثانه را و پشت و معده را قوی کرده اند و دفع بلغم نماید و بوی دهان
خوش کند و آب ریختن از دهان باز دارد و بادها بشکند و ساکن کرده اند
و سردی را نافع باشد و ریگ مثانه پاک کرده اند و تخمه و ناگواریدن طعام را
دفع کند و آب پشت بیفزاید و جگر و معده و گرده را قوی کرده اند و بقراط
گوید اگر کسی چهل روز از این جوارش بخورد صحت بر او محفوظ ماند و اگر
ده کنیزک داشته باشد همه را خوشنود کرده اند اجزاء آن تخم کرفس تخم گزر
تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم خیار بادرنگ بیخ کرفس از هر یک
پنج مثقال عاقرقرحا قرنفل زعفران مصطکی عود خام از هر یک دو مثقال
بسباسه قرنفل فلفلمونه کبابه از هر یک سه مثقال عنبر اشهب یک مثقال کوفته
و بیخته و با سه چندان عسل کف گرفته معجون سرشند و بعد از دو ماه استعمال
نمایند نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس جوارش جالینوس مستعمل این جوارش را
خاصیت بسیار است اعضا را قوت دهد و بوی دهان خوش کند و
تحلیل ریاح کند و ادرار بول را که از سردی و کثرت بلغم بود منع کند
و سرفه بلغمی را دفع کند و تقویت باه کند و رنگ روی سرخ و صاف
کرده اند و ریاح بواسیر و نواسیر دفع کند و دفع جنون کند و صداع
سرد را نافع باشد و وجع مفاصل سرد و نقرس بلغمی را نافع باشد و قوبا
و بهق را دفع کند و بواسیر و ریگ گرده و مثانه را دفع کند و سیاهی موی
نگاه دارد و هر کس که این جوارش مداومت نماید در یکماه و چهل روز

ازامراض

از امراض مذکوره ایمن گردد و بعد از ده روز استعمال کنند اجزاء آن
سنبل الطیب قاقله سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد کوفی زنجبیل زعفران فلفل
سفید دارفلفل قسط بحری عود بلسان اسارون حب قصب الذرین از
هریک دو مثقال مصطکی ده مثقال قند سفید بوزن جمیع ادویه مجموع ادویه را
کوفته و بیخته و سه وزن آن عسل کف گرفته بسرشند شربتی تا دو مثقال نافع است
انشاء الله تعالی و تقدس و پیش از طعام و بعد از طعام میتوان مشغول شدن

جوارش کمونی مستعمل این جوارش را بعضی از صاحبین عمل کرده اند بغایت
نافع است جهت سردی و بادهای بلغمی و سوداوی را دفع کند و سردی مثانه
و کلیه را نافع باشد و خفقان که از کثرت بلغم باشد دفع کند و این ترکیب از
ترکیبات حکماء روم است اجزاء آن زیره کرمانی در سرکه خیسانند یکشبانه روز
و بعد از آن در سایه خشک کرده و بریان کرده ده درم الحاصل بعد از فلفل پست
پنج مثقال زنجبیل چهار مثقال ورق سداب خشک سی و پنج مثقال بوره ارمنی
هفت مثقال مجموع ادویه را کوفته و بیخته و با سه چندان عسل کف گرفته
بقوام آورده بسرشند شربتی یکمثقال تا دو مثقال نافع است انشاء الله
تعالی و تقدس جوارش عود مستعمل هاضمه را قوت دهد و اشتهاء طعام
آورد و تقویت معده و تحلیل رطوبات آن کند اجزاء آن قرنفل سه مثقال
قاقله کبار دو مثقال عود قماری پنج مثقال زعفران سه مثقال سنبل الطیب
یکمثقال قرفه دو مثقال پوست ترنج پنج مثقال زنجبیل یکمثقال دارفلفل
یکمثقال نبات دو من مجموع جوارش عود بسازند چنانکه رسم است و مقطع

سازند جوارش ترنج مستعمل صاحب اختیارات وگفته اند که این جوارش قبل از من کسی
نساخته معده را قوت دهد و قی باز دارد و جگر و دل و روده را قوت دهد
و دفع صفرا کند و ثقل بیان کرده و دفع خمار کرد اندا اجزاء آن آب انار ترش
و شیرین آب سیب و آب بهی اصفهانی و آب ملجی و آب غوره و آب زرشک
و آب سماق مجموع این آبها را برابر بجوشانند تا سه ربع آن بتحلیل رود و یک ربع
باند و بعد از آن آبهارا بشوند و کیرند و تمند صاف کرده و بقوام آورده دو من را
بی بزنند و در وقت بیش زدن آبها را آبدار ربع براه دیزند چنانکه با آتش
نرم بتحلیل رود پس بر روی سنگ رخام ریزند و بگذارند که منعقد
شود بعد از آن ببرند چنانکه رسم است و بر دارند و استعمال کنند جوارش
سفرجل اشتهای طعام آورد و تقویت معده نماید اجزاء آن آب بهی اصفهانی
و آب بهی شیرین خوشبو سه من عسل بنک صاف مروع الرغوه یکمثقال و نیم آب
و سرکه سفید یکمن مجموع را با یکدیگر آمیخته با آتش نرم بجوشانند و کف بگیرند
زنجبیل پنج مثقال فلفل سفید و سیاه و دار فلفل از هر یک سه مثقال دارچینی
دو مثقال عود خام سه مثقال چنانکه رسم است بدان ترکیب نمایند شربتی
از وی دو مثقال است تا سه مثقال قبل از طعام و بعد از طعام غذای مناسب
مشغول شوند جوارش ترنج تحلیل ریاح و تقویه معده و هضم طعام کند و
بوی دهان خوش کند بگیرند پوست ترنج زرد و خشک کرده سی مثقال
قرنفل جوز بوا فلفل و دار فلفل و قاقله صغار و دارچینی و خولنجان و زنجبیل
از هر یک یکمثقال مسک یکدانگ و نیم بعسل مروع الرغوه سه وزن ادویه
سرشند

بسرشند شربتی از دو درم تا دو مثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس جوارش
سماق قوت معده بدهد و اسهال صفراوی دفع کند دفع بقوت سماق کند
منقی از دانه سی مثقال آرد جو وارد کنند و بکما اد و مرزنجوش شامی از هر یک
ده مثقال مجموع کوفته و بیخته و سه وزن ادویه شراب سیب بسرشند شربتی
تا سه مثقال است نافع باذن الله تعالی و تقدس نسخه دیگر از آن جوارش سماق
سماق ده مثقال دانه انار ترش پنج مثقال مرزنجوش پنج مثقال صمغ عربی بریان کرده
گلنار از هر یک دو مثقال ادویه کوفته و بیخته و بعد از آن مویز دانه بیرون آورده
سه وزن ادویه آمیخته شربتی دو مثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس
جوارش نسخه الرئیس فرموده است که این جوارش را تجربه کردم چندین نوبت و او را
نافع یافتم در تقویت هضم و دفع خفقان و تحلیل ریاح و تفریح نفس اجزاء آن
عود هندی سه مثقال کافور یکدانگ مسک سه مثقال بسباسه و نارمشک و سعد
کوفی و مرزنجوش و درونج و زرنباد و زرنب از هر یک یکمثقال دارچینی و مصطکی
و زنجبیل و فلفل و دار فلفل و قرنفل از هر یک دو مثقال کاوزبان پنج مثقال
تخم رازیانه تخم کرفس و سنبل از هر یک سه مثقال مجموع ادویه را کوفته و بیخته
و به مثل آن عسل مروق الرغوه آمیخته شربتی از دو درم تا دو مثقال نافع است
باذن الله تعالی و تقدس فصل چهارم در اطریفلات است اطریفل بزرگ
که مستعمل صاحب مفردات بدیعی است سودمند است بواسیر را و بریک
و رطوبت صاف کرده اند و باه را قوت دهد و مقوی دماغ و معده باشد
اجزاء آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر

فلفل و دار فلفل از هر یک سی مثقال زنجبیل بوزیدان بسباسه شبطرج هندی
شقاقل مصری بوذری سرخ و سفید لسان العصافیر حب الفلفل کبجذ مقشر
تنل سفید خشخاش سفید بهمنین از هر یک دو مثقال مجموع کوفته و بیخته و
بروغن بادام چرب کرده باسه چندان عسل کف گرفته معجون بسرشند
شربتی یکمثقال تا دو مثقال نافع است انشاء الله تعالی و تقدس و بعد از دو ماه استعمال
کنند و مدت این اطریفل تا سه مثقال بماند اطریفل کوچک مستعمل سودمند بود
جهت استرخاء معده و رطوبت آن و بواسیر را دفع کند و ذهن را ذکی کرداند
اخلاطه پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست هلیله زرد املج مقشر پوست
بلیله از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته و بروغن بادام چرب کرده باسه چندان
عسل کف گرفته بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت این اطریفل تا دو سال
بماند شربتی از این یکمثقال تا دو مثقال نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس
اطریفل کشنیزی مستعمل جهت صداعی که از بخار معده بود عظیم نافع است و مدت
قوت دهد اجزاء آن پوست هلیله کابلی پوست املج مقشر هلیله سیاه
کشنیز خشک اجزاء مساوی و بعضی هلیله سیاه نمی کنند مجموع کوفته و بیخته
و بروغن بادام چرب کرده باسه چندان عسل کف گرفته معجون بسرشند
و بعد از دو ماه استعمال کنند شربتی یکمثقال بود تا دو مثقال نافع باشد
انشاء الله تعالی و تقدس فصل پنجم در اشربه و سکنجبینات شراب تمار
طبع وی سرد و تر است جهت سرفه گرم و غلیان خون و جهت اصحاب ماشرا
و جدری و حصبه و درد سینه بغایت نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس

صفت آن بستانند عناب هر دانه یک چهار یک و در ده من آب بجوشانند تا بقوام
آید شربتی از وی ده مثقال باشد تا ده مثقال نافع است ان شاء الله تعالی و تقدس
شراب نیلوفر سرد و تر است و سودمند است جهت سرفه گرم و خشکی و درد سر
و سینه را نافع بود باشد و ملین شکم باشد و جهت سعال و خشونت سینه بغایت مفید بود
و در تبهای سوداوی و تبهای محرقه حرارت ساکن سازد و تشنگی کم کند
و خواب آورده نافع باد ان شاء الله تعالی و تقدس صفت آن بستانند نیلوفر خوب
تازه یک اوقیه یعنی هفت مثقال و در آب بجوشانند و صاف کنند و یک من قند
صاف کرده بر سر آن کنند و اندک گلاب معطیب اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام
آید شربتی از آن هفت مثقال است تا ده مثقال نافع باد ان شاء الله تعالی و تقدس
شراب بنفشه معتدل است در گرمی و سردی و تر است و سودمند است
جهت ذات الجنب و ذات الریه و درد کرده و بول براند و شکم نرم دارد و سینه
و حنجره و سرفه را نافع باشد و جهت مذکورات اولی آنست که با آب گرم محلول
سازند چنانکه شاعر میگوید: هر یاب گرم و شراب بنفشه بر سعال بخاصیت
بهار آب حیات عین زلال و مع هذا اندکی گلاب بر آن اضافه کنند تا مطیب شود
صفت آن بستانند گل بنفشه تازه چهار یک یکمان یک و در آب بجوشانند
تا بقوام آید و اگر خواهند که ملین طبع بود پنج نوبت دگر مکرر کنند چنانکه یک من و یکمان یک
بنفشه شود و اگر بنفشه تر نباشد بنفشه خشک سی مثقال عوض بنفشه تر سازند و شراب
ملیح کنند چنانکه سرد است نافع باشد ان شاء الله تعالی و تقدس شربتی از آن هفت
مثقال است تا ده مثقال نافع است باذن الله تعالی و تقدس شراب دینار

بمستعمل صاحب اختیارات حرارت جگر را بغایت نافع باشد و طبیعت را نرم دارد و تشنگی را
بنشاند و سوء القنیه و استسقا را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی بیست مثقال پوست
بیخ کاسنی تازه سی مثقال نیلوفر ده مثقال گاوزبان ده مثقال و برگ گل سرخ بیست مثقال
تخم کشوث در کتان بسته پنج مثقال ریوند چینی نیم مثقال و اگر یک مثقال کنند شاید اول همه را
بغیر از ریوند بجوشانند و صاف کنند و قند صاف کرده یک من بر سر آن کنند و بجوشانند
که بقوام آید و ریوند چینی را سوده در پارچه بیخته شیره بگیرند و بر سر آن کنند و بقوام
آورند شربت زوفا جهت ضیق النفس و ربو و سعال کهن و سعال بلغمی بغایت
سودمند بود صفت آن بستانند عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست
دانه مویز طائفی بیدانه پنجاه عدد بنفشه چهار مثقال پرسیاوشان هفت مثقال تخم
خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج مثقال نیلوفر چهار مثقال گاوزبان پنج مثقال اصل السوس
مقشر هفت مثقال زوفا خشک هفت مثقال و در نسخه دیگر انیسون پنج مثقال
اضافه کرده اند ادویه را در آب خیسانند و بعد از آن در آب بجوشانند و صاف کرده
و یک من قند اضافه کرده بجوشانند و بقوام آورند نافع باشد ان شاء الله تعالی
و نقدس شربت خشخاش سرد و تر است و سودمند است جهت سینه و دماغ
گرم بیخوابی و زکام و نزله را نافع باشد ان شاء الله تعالی و نقدس صفت آن
خشخاش با پوستان و دانه صد عدد و نیم کوفته کنند و بجوشانند در دو من و نیم
آب و اگر آب باران بود بهتر باشد و چندان بجوشانند که ثلث بماند فرو گیرند
و بپالایند و قند صاف کرده دو من بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید
و بعضی شیره خشخاش میگیرند و چون قند بقوام آید فرو گیرند و بر سر آتش نرم

ریزند

نرم شود خشخاش بخورد قند دهند واین زیاده معتد بنیست تا ما اسلم است واکر
خشخاش با پوست نباشد خشخاش بی پوست نیم کوفته کنند و بجوشانند چنانکه
ذکر رفت وقند اضافه کنند وبقوام اورند نافع باشد انشاء الله تعالی وتقدس.
شراب صندل سودمند بود جهة ضعف دل وجگر گرم وتب محرق صفت ان
بستانند صندل مقاصری وسوهان بسایند بیست مثقال واکر یکشبانروز
در گلاب بخیسانند واکر ترش خواهند گلاب با اب غوره یا سرکه هر کدام خواهند
صندل در ان خیسانند و بجوشانند بعد ازان بپالایند وقند صاف کرده
یکمن بر سر ان کنند و بجوشانند تا بقوام اید شراب لیمو سرد وخشک است شراب لیمو
واندک حرارتی در وی میباشد وقت مجامعت را زیاده کند وصفرا بنشکند
ومعده را یاری دهد ودفع قی کند وخمار را سودمند بود وبجهة صفرا ورا
نافع باشد وتشنگی بنشاند صفت ان بستانند لیموی خوب تازه واب او بگیرند صفت ان
وقند صاف کرده انقدر که خواهند پاره پاره وقدری گلاب ودر اب لیمو انقدر
که کفایت بود بران ریزد وباتش نرم بجوشانند وبتر بزنند وبقوام غلیظ
اورده نافع باشد انشاء الله تعالی وتقدس شراب تماته صفت وی مانند
صفت شراب لیموست ومنافع وی هم مثل منافع شراب لیموست بلکه
زیاده تر شراب سیب بهترین وی ان بود که انرا از سیب شامی یا از اصفهانی شراب سیب
سازند وطبیعت ان گرم وخشک بعضی گویند گرم وتر بود قوت نم دهد
بدل وخفقان را سودمند بود وقی ساکن گرداند صفت ان بستانند
سیب اصفهانی یا سیب خوشبوی شیرین ومقشر سازد ودانه ازوی بیرون

اودره و بکوبند و اب ان بکیرند و بعد یکمن اب سیب و انیم من قند باز نهند و بجوشانند
تا بقوام اید و در وقت جوشانیدن قدری کلاب مطیب اضافه نمایند بهتر باشد
شراب به صفت ان مثل صفت شراب سیبست و نیز تقویت معده میکند اما
اما اب به مطیب شیرین بکیرند و اب به ترش نیز اضافه نمایند و بر وجه مذکور بسازند
و منافع این مثل منافع شراب سیب است و قی و هیضه منع میکند و اسهال صفراوی را
نافع است شراب نعنا قوت معده و دل و جکر بدهد و قی دفع کند و صفرا دفع میکند
و رزانه ادبتن داسود مند باشد بکیرند اب به شیرین و ترش و اب سیب و اب
امرود بلخی و اب انار شیرین و ترش و اب سماق و رزدشک اجزا مساوی صاف
کنند و اکر اب غوره و حماض و لیمو قدری اضافه کنند شاید و انها را بجوشانند
تا به نیمه اید و بعد یک من قند صاف کرده بر سر ان ریزند و اکر نیم من قند کنند بهتر
باشد و بجوشانند و بقوام اورند و اکر یک قدح کلاب خوشبو و دو مثقال عنبر
اشهب سائیده بران اضافه نمایند بهتر باشد و در ظرف چینی و یا شیشه کنند
و حفظ کنند شراب ترنج طبیعت را نرم دارد و صفرا را تسکین و دفع حرارت
کند و قوت معده بدهد و خفقان کرم را نافع باشد و دفع قی و صفرا و بقوع
کند صفت ان بستانند ترنج ده عدد تازه بکیرند پاک کرده از دانه و خوشه
یکی و در چهار من اب بپزند تا بثلث باز اید انکاه فرو کیرند و بپالایند و دو من
قند صاف کرده بر سر ان کنند و بجوشانند تا بقوام اید شراب انار ترش
مانع قی باشد و قوت معده بدهد و اسهال صفراوی را دفع کند صفت ان
بستانند اب انار ترش و بجوشانند که تا باز نیمه اید و بعد یکمن اب نیم من قند صاف کرده

اضافه

اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر قدری گلاب اضافه نمایند در رونقت خوشبا
بهتر باشد شراب [illegible] مسکن حرارت و ملین باشد نسخه دیگر بستانند آلوی سیاه
مزه ترش خشک یکمن و بآن بشویند و در ربع من آب بجوشانند تا به ثلث باز آید و فرو
گیرد و بدست بمالد و صاف کند و یکمن و نیم قند صاف کرده بدان اضافه نمایند و بقوام
آورند و در جمیع شرایط اشربه گلاب مطیب اضافه کردن بهتر است شراب ریباس
شکم بربندد و قی و تهوع باز دارد و دفع خمار بکند صفت آن بستانند ریباس خوب
و سر و بن آن بیندازد و بکارد چوبین پاک سازد و بهاون چوبین یا سنگین بکوبد
و بکتان بپالاید آهسته و آب آن بگیرد و در ظرف چینی کند و زمانی رها کند و آن
ثفل جمع دیگر بپالاید آهسته و چند نوبت چنین کند و هر نوبت هرچه در ته
ظرف باشد بریزد تا تمام صاف شود و بعد از آن قند صاف کرده آنقدر که
خواهد بقوام آورد و آب ریباس صاف کرده بر سر آن ریزد و باید که دیگ
سنگین باشد و بند نازده باشد و بآتش آهسته بقوام آورند نافع باشد انشاء الله
تعالی و تقدس شراب [illegible] تمام مقام شراب ریباس است در طبع و منافع
صفت آن اینست که بگیرد آب غوره‌های خوب و صاف کرده بجوشانند
تا بنیم باز آید و بپالاید و صاف کند بکرار پالیدن و بهر یکمن قند یکمن آب
غوره بر آن نهاده بجوشانند تا بقوام آید و اگر خواهد که بغایت ترش شود
بهر یکمن قند نیم من غوره کند و بآتش نرم بقوام آورد شراب انار عذب
بستانند آب انار عذب را یعنی انار شیرین پنجمن و صاف کند و بجوشانند تا به نیمه
باز آید و بهر یکمن آب انار جوشیده یکمن قند اضافه نماید و بجوشانند و بقوام آورند

صفت آن

صفت آن

و یکقدح گلاب مطیب نیز اضافه نماید صفت مطبوخ جگر گرم و سوء القنیه و خفقان گرم
نافع است انشاء الله تعالی شراب انجبار موقوف کرده و مثانه بدهد و باءه را زیاد
کند و بعوض تمام اورده و منی بیفزاید و مثانه پاک کند صفت آن بستانند نخود یکمن
و در پنجمن آب بپزد چندانکه ثلث باز آید و بعد از آن بستانند انجبار حوب دو من
و در پنجمن آب بجوشانند تا یکمن و نیم بماند و بپالاید و طبیخ نخود بر سر آن کند و دار
و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک یکمثقال زعفران نیم مثقال مجموع کوفته
در خرقه بند در آن اندازند و بجوشانند تا بقوام آید و مزوج کرده و استعمال کند
شربتی یکمثقال تا یکمثقال و نیم لعق نمایند پیش از غذا و بعد از غذا نیز شاید و اگر باب
گرم خورد هم شاید و نافع باشد انشاء الله تعالی شراب گاوزبان دل را قوت دهد
و توحش سوداوی را زایل کند مفرح باشد و خفقان را دفع کند صفت آن
اینست که بگیرند عرق گاوزبان و عرق بادرنجبویه یکمن عسل صاف مروق
یکمن بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید زعفران یکمثقال در آن حل کنند
و اگر بقند خواهند شاید و اگر عرق گاوزبان نباشد بستانند گاوزبان خشک
چهل مثقال و در یکمن گلاب مطیب بخیسانند و بجوشانند و بپالایند و قند صاف
کرده یکمن بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید شربتی تا ده مثقال نافع است
انشاء الله تعالی شراب الجبلی حبس خون کند از هر موضع که باشد و قطع
اسهال دموی و نفث الدم کند و تقویت معده و جگر گرم کند و جبر تفرق
اتصالی که واقع باشد در همه بدن و بهبود نماید صفت آن اینست که بگیرند پوست
بیخ الجبار شامی هفت مثقال قرطاس شامی پنج مثقال صندل سفید و صندل احمر

رزدیک

از هر یک چهار مثقال مَند این را بجوشانند تا بیابند و باقی اجزا را نرم کوفته همه را طبخ نمایند
و صاف کنند و بدان اضافه سازند و دو من نبات صاف و قدری گلاب نیز اضافه
نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شربتی از وی هفت مثقال تا ده مثقال باشد بجلاب فواکه
و لسان الحمل و گاهی نیز حرارت در شیره تخمکان بریان کرده حل سازند و مشغول شوند
شراب اسطوخودوس ترکیب این شراب مخصوص مولانا سدید کازرونیست
علیه الرحمه مواد سودا و سوء تغییر را نضج میدهد و تلیین طبع میکند و مواد ما منهزم را
تحلیل مینماید صفت آن بگیرند اسطوخودوس ده مثقال و عود و بادیان و گاوزبان
خراسانی و تخم رازیانه و تخم کرفس و تخم خطمی از هر یک پنج مثقال سپستان سی عدد
مویز دانه بیرون آورده بیست مثقال بنفشه خشک هفت مثقال گل سرخ
هفت مثقال برسیاوشان ده مثقال املسوس عقتر پنج مثقال مجموع بجوشانند
و صاف نمایند و سه من قند سفید بدان اضافه نمایند و یا سه من عسل بدان اضافه
نمایند و بقوام آورند شربتی از هفت مثقال تا دوازده مثقال با آب گرم نافع است
باذن الله تعالی و تقدس شراب اصول منضج مواد غلیظ و مفتح سدد و مدر فضلات
است بطریق بول و ادرار و کاسر ریاح است و سوء القنیه و استسقا را نافع است
صفت آن بگیرند پوست بیخ رازیانه و پوست بیخ کرفس و پوست بیخ کاسنی
از هر یک شانزده مثقال انجیر زرد بیست عدد مویز دانه بیرون آورده سی مثقال
فقاح اذخر هفت مثقال همه را بخیسانند یک شبانه روز و بعد از آن بجوشانند و صاف
کنند و چهار من عسل بدان اضافه نمایند و بقوام آورند شربتی از آن از ده تا دوازده
مثقال تا چهل مثقال است و بعضی از آن سنبل الطیب و اسارون و سلیخه اضافه

میکنند از مربی چهار مثقال شراب ... تلیین صفرا و بلغم مینماید و تقویت
معده و جگر میکند صنعت آن اینست که بگیرند از گل تازه دو من و در ده من آب
بجوشانند چندانکه آب طعم و لون را بگیرد بعد از آن آنرا بپالایند و در همان آب
دو من دیگر گل بجوشانند و تصفیه کنند و بعد از آن دو من دیگر عسل بدان اضافه
کنند و بقوام آورند و اگر زیاده بر دو نوبت تکرار کنند بهتر است و اگر بدل
عسل قند سفید کنند دو من جهة امزجه حاره مناسب است جهة سوء القنیه و استسقا
نیز نافع است باذن الله تعالی و نقل من نسخه دیگر آب گل بگیرند از ورق گل
خشک کرده یکرطل و در چهار من آب طبخ کنند چنانکه از آب یکمن بماند بعد از آن آنرا
صاف سازند و بدان آب نبات یکمن اضافه نموده بقوام آورند شربتی از ده مثقال است
تا شصت مثقال با آب سرد اگر بدو خلط کنند مقدار ده مثقال سکنجبین قندی ساده
اقوی میگردد و هرچند که بعد از شرب آن آب سرد مشغول شوند یک مجلس المدوق
میکنند شراب هلیله زرد جهة وجع مفاصل که از مره صفرا و بلغم رقیق متولد شود و جهة
حمیات مرکبه در انتها حال بسی نافع است صنعت آن اینست که بگیرند هلیله
زرد بیک صد دانه و با آب گرم آنرا بشویند و آنرا در ظرفی مربض واسع بنهند
و بر او انقدر آب بریزند که یک بند انگشت آنرا بپوشاند و سه روز در آنجا
آنرا بنهند و بعد از آن آنرا بگیرند که هلیله در او دست و حفظ نمایند و دفعه دیگر
آب بدان بریزند تا آنکه هلیله سفید گردد و بعد از آن آنرا در دیگی کنند و
ترنجبین سفید یک صد مثقال بدان اضافه نمایند و بقوام آورند شربتی از ده
هجده مثقال تا بیست و پنج مثقال باشد و اگر خواهند که یکی از این شربت یکمثقال
محمود.

محرور مستوی اضافه نمایند که در عمل قوی میکرده اما مقدار شربت این را اکثر
از مقداری باید کرد که ذکر رفت بلکه بنصف و ثلث باید اورد و از اقل بحسب
تجربه بتدریج زیاده باید کرد شراب النعنع جهت تسکین قی صفراوی و غثیان
و هیضه نافع است صفت آن اینست که آب انار بجوش بکیرند و بر آتش نهند و قند ب
انقدر بدان ضم کنند که طعم انار را باطل نسازد و آب نعناع قدری بدان اضافه نمایند
که در دفع تلخی اصلاح نکند و نیز در طبخ از پوست بیرون پسته کوفته و از دو الاچی
کرده اند که بدان اضافه نمایند که طعم آن تغیر فاحش نکند و پوست ترنج انقدر
که بوی ترنج در وی پیدا سازد کوفته و پخته بدان اضافه نمایند و اگر پوست پسته
و پوست ترنج را در آب بسیار بجوشانند و بعد از آن صاف کرده با آب انار
و نعناع و قند بجوشانند چنانکه بقوام بیاید و در ظروف مناسب کنند
اولی است و اگر خواهند که منع قی بلغمی کند یا آنکه معده ضعیف باشد از سوء
مزاج بارد مصطکی و سنبل و قاقله کوفته و سحق ناعم کرده و پخته در وقتی که شراب
بقوام اید بران پاشند بقدر حاجت نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس
شراب سکنجبین ساده ست را با قسام زایل کند و سده بکشاید و تشنگی بنشاند
و بلغم از معده پاک کند و بیشتر امزجه را خصوصا امزجه صفراوی را مناسب است
و جگر گرم را قوت دهد و حافظ صحت محرور المزاج باشد و مصلح میوه های تر
خاصه خربزه باشد اما باه را از یان دهد صفت آن بستانند قند صاف کرده
انقدار که خواهند و سرکه سفید انگوری انقدار که کفایت باشد بدان
اضافه کنند و اولی آن بود که در دیگ سکنجبین طبخ نمایند و دیگ سفال از دیگ

این صفت

این صفت

صاف بصیر باشند و بقوام آورند و باید که سرکه در اوایل بقوام آوردن تا چون بقوام آید
سرکه تمام باشد نافع است باذن الله تعالی و تقدس سکنجبین ... به قوت معده و جگر
بدهد و اشتهاء الطعام آورد و سده بگشاید و ناقهین را یعنی کسانی را که از بیماری برخواسته
باشند و صحت تمام ایشان را حاصل نشده باشد عظیم سودمند بود صفت آن بگیرند
به اصفهانی بهترین رسیده خوشبوی بغایت بلک و انار از دانه و پوست بیرون کنند
و آب انار بگیرند و یکمن آب وی یکمن قند صاف کرده و یک چهار یک سرکه سفید انگوری
و مقدار یک کف طیب سبلان اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر چند پاره به
در آن اندازند که در آن پرورده شود شاید ان شاء الله تعالی و تقدس سکنجبین
بزوری ... سده بگشاید و استسقاء سوء القنیه زایل کند و بول براند و تشنگی بنشاند
و تبهای گرم را سودمند بود صفت آن اینست که بگیرند تخم کاسنی و تخم خربزه و تخم
خیارزه و تخم خیار بالنگ از هریک پنجمثقال پوست بیخ کاسنی و پوست بیخ رازیانه
از هریک هفت مثقال مجموع نیم کوفته کنند و ده رطل من آب ... مثقال سرکه خالص
بخیسانند یک شبانه روز و بعد از آن بجوشانند و بپالایند و یکمن قند صاف کرده
بر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر خواهند سکنجبین را ذایقه دریابد
مقداری سرکه خالص زیاده بر مقداری که تعیین شد اضافه نمایند نافع باشد
ان شاء الله تعالی و تقدس سکنجبین بزوری ... سده جگر و معده بگشاید و بول
براند و معده را از فضول بارده تنقیه نماید و استسقا و سوء القنیه را نافع باشد و
تشنگی کاذب را ساکن گرداند صفت آن بگیرد پوست بیخ کبر و پوست بیخ
کرفس و پوست بیخ رازیانه از هریک هفت مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون
تخم

تخم کاسنی تخم کشوث از هریک پنج مثقال عصاره غافث ریوند چینی از هریک
دو مثقال مجموع ادویه را نیم کوفته در سه رطل آب و یکچهار یک سرکه موصوف بجوشانند
وهمچنین که در سکنجبین بزوری سرد گفته شد بپزانند سکنجبین بزوری دو مثقال
سدهٔ جگر و سپرز بگشاید و بول براند و جمیع مرکبه را نافع باشد صفت آن
اینست که بیاورند تخم کرفس تخم رازیانه از هریک سه مثقال تخم خیارین و تخم
خربزه و تخم کاسنی از هریک پنج مثقال پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کاسنی از
هریک هفت مثقال مجموع نیم کوفته کرده در یکچهار یک سرکه موصوف در سه من آب
و یکمن قند صافی چنانکه مذکور شد بقوام آورند فصل ششم در ربوب و غیر ربات
ربوب رب آب سیب ترش خوشبو و سیب بیخوش بجوشانند تا بقوام آید که ببینی
معز و کیرند و در ظرف مناسب کنند و استعمال نمایند جهت خفقان گرم و تسکین عطش
صفراوی و اسهال صفراوی و قی صفراوی و خماری صداع مناسب است رب به
بگیرند آب به ترش و شیرین را و اخذ رب کنند از آن چنانکه در رب سیب گفته
شد و صفت جمیع ربوب از این قبیل است رب غوره بگیرند غوره تازه و بجو
در دیگ سنگین تا آنکه سه ربع آب آن تحلیل رود و یک ربع بماند و بپالایند و باز
همان را بجوشانند تا سه ربع از آن بماند و برداریند و استعمال نمایند و اگر خواهند
رقیق باشد در ظرفی سبز کنند و در آفتاب بنهند رب السوس بگیرند عرق
السوس مقشر بسیار در چهار من آب بجوشانند بسیار و بعد از آن صاف
کنند و در دیگ بریزند و بسیار بجوشانند که غلیظ شود و اگر خواهند منعقد
کرده و قرص شود بعد از آن در آفتاب گرم در قلب تابستان نهند مدتی یکماه

وچهل روز که منعقد شود تتمه فی المربیات مربای هلیله بدانکه اولی ان بود که در تربی
از امربی کنند واگر یافت نشود و مزوری بود بستانند هلیله کابلی بزرگ صلب عدد
ودر ابی بشویند و پاک کرده و در ظرفی سبز کنند وچندان اب برسران کنند که از اب بپوشانند
وبعد ازان پنجاه درم خاکستر چوب رز یا چوب بلوط برسران کنند چون هلیله
صد عدد باشد و هر سه روز اب و خاکستر را بدل میکنند تا دوازده روز چهار
نوبت بدل کنند و بعد ازان باب بشویند اهسته چنانکه پوست از وی جدا
نشود پس در اب پاک و اب برسران کنند و بکشت جو کوفته برسران کنند و بجوشانند
تا چون کشکاب پخته کرده مزو کیرند و اهسته بشویند چنانکه پوست از وی
جدا نشود و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرف چینی و یا پاک کنند و چندان
عسل برسران کنند که از اب بپوشاند و بیست روز رها کنند و بعد ازان از عسل
بیرون اورند بسبب انکه ابی که در هلیله بود بعسل امیخته باشند و عسل رقیق
شده باشد و دیگر عسل تازه نیک برسران کنند انقدر که او را بپوشاند و ده روز
دیگر رها کنند و بعد ازان بجوشانند سه چهار جوش نیکو و مزو کیرند و در ظرف
کنند و این داروها که ذکر کرده میشود بران ریزند دارچینی و زنجبیل و قرنفل
و قرنفل و جوز الطیب و مصطکی و عود هندی از هر یک ده مثقال زعفران دو مثقال
مسک نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته بران افشانند و بعد از چهل روز استعمال کنند
و هر روز بیرون ظرف را بشویند نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس
مربای ترنج مستعمل طبیعت را شکر مرم و خشکست تقویت معده و دل بدهد خاصه
که با پوست مربی کرده باشند صفت ان بستانند ترنج بزرگ و پوست ان

باز

باز کنند و سر تیجان وی جدا کنند که همین گوشت ترنج باشد و در دیک با آب بجوشانند
تا نیم پخته شود و پس بیرون آورند و بفشارند و عسل شهد بران ریزند و باتش بجوشانند
تا بقوام آید و اگر بقند خواهند بر همین مثال عمل نمایند و آنچه ترنج و مربای هلیله و
شقاقل و جوز و جز دو امثال اینها بعسل ساختن بهتر باشد که از قند و مربای مرهند
و آلوچه و سیب و به و بلیلج و امثال آن بقند بهتر باشد مربای شقاقل مستعمل جماع را قوت دهد
و باه را زیاده کند و بعوض تمام آورد صفت آن اینست که بستانند شقاقل تازه
و اگر تازه نباشد شقاقل خشک بخیسانند سه روز و بعد از آن مقشر کنند و
بجوشانند تا نیم پخته شود بعد از آن عسل صاف بر سران کنند و بجوشانند تا پخته شود
و بقوام آید و فرو گیرند و در ظرف چینی کنند و یا شیشه تا چهل روز موقوف
دارند بعد از آن استعمال کنند مربای جوز مستعمل باه را زیاده کند بستانند گردو
که در چوب باشد و پوست آن بخراشند و پارها بمقدار انگشت کوچک کنند
و چوب اندران بیندازند و با قدری آب و عسل بجوشانند تا نیم پخته شود و بعد از آن
بیرون آورده دیگر عسل صاف بر سران کنند و اندک جوش دهند تا بقوام
آید و در ظرف مناسب کنند تا چهل روز بیرون ظرف را بپوشند و بعد از آن
استعمال کنند مربای سیب صفت آن اینست که بگیرند سیب اصفهانی و یا سیب
سبز بن خوشبو پنجاه عدد و یا صد عدد آن مقدار که خواهد کاهو و در دیک
اندازند و با آب بجوشانند که نیم پخته شود و آب آن بریزد و قند صاف کرده
بر سران ریزد و بجوشانند چندانکه سیب رنگ بگرداند و پژمرده شکل شود
و بعد از آن فرو گیرد و در ظرف چینی و یا کاسه و یا شیشه کنند و بعد از آن چهل روز

مربای سیب

استعمال کنند و باید که پوست سیب خراشیده مربه بپر مقوی معده و دل باشد
بگیرد به شیرین مطیب و دانه از او بیرون آورد و تقطیع کند و ترتیب وی مثل
تربیت سیب کند ... قوت معده بدهد و دفع بلغم بکند و رطوبت
معده کند و هاضمه را تقویت کند بستانند و رق کل تازه بگیرند و قند سفید دو من
چنانکه رسم است بسازند و جلنجبین عسل سودمند باشد سردی معده و استسقا
و سردی جگر و سوء الهضم را که از سردی باشد صفت چنانکه رسم است بسازند
جلنجبین ... قوت دل و دماغ و معده بدهد و از جمله مفرحات است بستانند
گل درخت به و هم چنین گلجبین سیلی بسازد نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس
فصل هفتم در ایارجات ... چون از استعمال او بیرون صرفه خوف ضرر داشتند
لاجرم باد و یه مسهله مصلحات ضم کرده اند و از ایارج گفته اند و با اصطلاح ایشان
ایارج اسم دارویی مسهل مصلح است ایارج فیقرا یعنی ایارج منقرانز دیونان
داروی مبارک تلخ است و این ایارج مسهل رقیق است چنین میباشد که امروز
تناول میکنند و فردا عمل میکند و دفع رطوبات متولد در امعا و سرد معده
و مفاصل مینماید و قولنج و لقوه و خدر و صرع و ثقل لسان و استرخاء اعضا را
نفع تمام میدهد و صداع بلغمی را دفع میکند و چون میخواهند که فعل او قوی باشد
باد دارویی چند اضافه میکنند و از اصحاب ایارج میگویند و نسخه دیگران هم
امد و نسخ الرئیس میگوید که من ایارج منقرا باب عقل مجون میسازم و امراض میسازم
و در سایه خشک میکنم و حفظ میکنم و در وقت استعمال از استعمال میکنم و ایارج را
برین وجه استعمال کردن اقوی دیدم از ذکر وجوه اختلاف مصلحی داد هی اسا دون

سنبل الطیب حب بلسان و عود بلسان و زعفران و سلیخه از هریک یکمثقال صبر سقوطری
امل ضعف مجموع ادویه را کوفته و بیخته حفظ کنند شربتی از وی تا یکمثقال و نیم آب است
با عسل و اب گرم چون از اجزا حب سازند شربتی از وی یکمثقال باشد و مصلح
وی محموده است ایارج روفس سودمند بود امراض بلغمی و سوداوی را
و داء الثعلب را بغایت نافع باشد و بعضی میگویند که معنی ایارج دواء الهی است
و ایارج اسم از حبوب بلکه مطبوخات بود [illegible] صفت ایارج شحم حنظل بیست مثقال
صبر سقوطری پنج مثقال سکبینج جاوشیر از هریک هشت مثقال خولنجان ده مثقال
کادریوس بیست مثقال فلفل سفید فطراسالیون زراوند مدحرج دارچینی سلیخه
زعفران زنجبیل جعده مرصافی از هریک ده مثقال کوفته و بیخته مجموع ادویه را با آب
میسابند تا حل شود و سه وزن عسل کف گرفته سرشند شربتی دو مثقال
حب ساخته تناول نمایند و مطبوخ ماخوذ از افتیمون و شاهترج و هلیله سیاه
و مویز طایفی و غاریقون و اسطوخودوس و کمافیطوس و بسفایج و کادریان
بقدر بوی که در قرابادینات مفصل مسطور است و با مطبوخ سنا مکی
که من کور خواهد شد بر بالای ان تناول نمایند که عمل وی اقوی میشود و نیم مثقال
ملح هندی بر بالای ان بپاشند و قوت این ایارج بعد از شش ماه استعمال کنند
قوت ان تا چهار سال میماند ایارج جالینوس سودمند است جمیع امراض
دماغ و رطوبت معده و درد مفاصل و قولنج و ورم بلغمی و فالج و لقوه و استرخا
اعضا و گرانی زبان صفت ان مصطکی زعفران سنبل الطیب حب بلسان
اسارون سلیخه دارچینی عود بلسان از هریک یکمثقال صبر سقوطری هشت

مثقال و بعضی شانزده مثقال می نهند کوفته و بیخته باسه وزن ان عسل مقوم امیخته
و در ظرف شیشه نگاه دارند و قوت این تا چهار سال میماند و شربتی یکمثقال است
تا دو درهم با دو بیر دکر که باعتبار ایارج کفته خواهد شد این ایارج ایارج فیقرا است و در بعضی
قرابادینها این ایارج را ایارج جالینوس تسمیه کرده اند از جمله قرابادین اختیارات
بدیعیه که فیقرا این را از ان نقل کرده ایارج لوغاذیا با این ایارج میادن است نفع بسیار
دارد و بدن را از تمام اخلاط پاک کرده اند و فضلات مختلف از قعر بدن انزاع
مینماید و اخلاط لزج عفن محترق دفع میکند و این مستعمل بر جهت بود در سود مند
بود دماغ و رعشه و لقوه و تشنج و صرع و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا
و سعفه و شقیقه و دوار و هضم و وسواس و شهوة کلبیه و تغیر عقل و عسر النفس و درد
کرده و مثانه و نقرس و درد مفاصل و عرق النسا و درد کوش و داء الحیه و داء الثعلب
و هم چنین است نافع تروح عتیقه را و احتباس حیض را صفت ان اینست که بگیرند
شحم حنظل پنج مثقال اسقیل مشوی غاریقون بیش سقیل سقمونیا مشوی جزیو سیا
اشق اسطوخودوس از هریک دو مثقال و نیم افتیمون اموبطی کادریوس مقل ازرق
صبر سقوطری از هریک سه مثقال ماش سازج هندی غاریقون فراسیون جعده سلیخه
فلفل سفید و سیاه دار فلفل زعفران دار چینی جاوشیر سکبینج جند بیدستر
مر صاف فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین افرهون سنبل حماما سنبل
جنطیانا دو مامیثا اسطوخودوس از هریک دو مثقال کوفته و بیخته صموغ در شراب
خیسانند تا حل شود و همه را بعسل کف گرفته بسرشند شربتی چهار مثقال با سکنجبین
و قوت این بعد از شش ماه باشد تا چهار سال میماند و اولی ان بود که در شب

هنگام

منکام مزورد و صباح جلاب بادرنجبویه بجوزرند و افتیمون و پوست هلیله و
گاوزبان و اسطوخودوس و مویز طایفی و تربد نمک بغدادی که در قرابادین
مسطور است بجرعه نمایند والله اعلم فصل هشتم در حبوب حب ایارج
مستعمل سودمند است امراض بارده را و از اخلاط پاک کند صفت این حب
که ایارج فیقرا یکمثقال تربد سفید مجوف صمغ عربی بروغن بادام چرب کرده
پنج دانگ حب النیل و افتیمون و غاریقون سفید هر یک از هر یک دو دانگ نمک
هندی نیم دانگ تخم حنظل دانکی کوفته و بیخته باب رازیانه سرشته و حب سازند
هر حبه مثل نخودی و مجموع مذکورات یکشربت است و اگر خواهند در عسل
کرده این فرو برند و اگر خواهند بقند آلوده کرده فرو برند و اگر خواهند
در اثنا تناول نمایند پیر شیرینی اندکی بخایند و باد شیرینی ثقل کنند اندکی
آب انار فروبرند و ثقل بیرون کنند و ثقل مذکور بهتر است از دیگر وجوه اینجا
از برای دفع قی مناسبست و همچنین طرخون بخایند که تحذیر قوت ذایقه
میکنند و نعناع ببویند که قی نکنند و همچنین هر دو باز و را بیع ساعتی بر بند
همه مصلحت دفع قی و همین مذکورات مانع قی اند در ابتدا شرب جمیع
مسهلات از حبوب و مطبوخات و غیرها تا بعد از آن که دارو در عمل آید
و دارو قوی باشد چون قی آید منع کنند و چون دوا بر طبیعت غلبه کند
البته که ماست و دوغ ابن کنند و مکرر بخورد بعد از آن که شربت قند و بید مطلقا
و گلاب بخورده باشد حب صبر مستعمل صبر سقوطری یکمثقال تربد سفید مجوف
مصمغ بروغن بادام چرب کرده پنج دانگ حب النیل غاریقون بسفایج افتیمون هر یک

از حبوب

دو دانگ شحم حنظل و علك سفید هندی از هر یك دانگی و نیم مقل و کثیرا از هر یك
دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس ترحب ساخته مجموع یك شربت است و اگر خواهند
این حبوب بزور بربند و مطبوخ سقابر بالای آن بیاشامند چون مقصود تنقیه
تمام باشد نافع بود انشاء الله تعالی و تقدس حب سورنجان سودمند است
وجع مفاصل و نقرس و عرق النساء را صبر سقوطری و تربد سفید مجوف مصمغ
بروغن بادام چرب کرده و سورنجان مصری از هر یك یك مثقال با مزیج
چهار دانگ حب النیل غاریقون سفید بس از هر یك دو دانگ و نیم کثیرا و شحم
حنظل از هر یك دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب کرفس تر بسرشند و حب سازند
و مجموع یك شربت است تناول نمایند و شرایط رعایت کنند حب بنفشه مسهل
جهة درد چشم و سر و شقیقه سودمند است دماغ را پاك کرداند و جهة درد گوش نافع بود
باشد انشاء الله بنفشه خشك دو مثقال تربد سفید مصمغ مجوف بروغن بادام چرب
کرده نیم دانگ رب السوس و پوست هلیله زرد و انیسون از هر یك دو دانگ
سقمونیا مشوی نیم دانگ کوفته و بیخته آن با آب عناب بسرشند و حب سازند
و مجموع این یك شربت است حب منتن نسخه اهل الشفا عمه جهة فالج و لقوه و استرخاء
و خدر و صرع نافع است سکبینج اشق جاوشیر مقل مرمل شحم حنظل از هر یك سه درم
صبر سقوطری تربد سفید مجوف مصمغ بروغن بادام چرب کرده پنج درم فرفیون
جند بیدستر از هر یك درمی و نیم ادویه را کوفته و بیخته صموغ را با آب کندنا حل کرده
مجموع را حب ساخته شربتی سه درم با آب گرم نافع است انشاء الله تعالی سموم مهلك
حب غاریقون نسخه ذخیره سدد بگشاید و خدر و ندا استسقا و امراض جگر را

بود عصاره بقول سعیده بیش پنج درم مر مکی پنج درم تربد سفید مجوف مقشر بروغن بادام
چرب کرده پنج درم ابرسا سه درم ایارج فیقرا پنج درم فراسیون سه درم شحم حنظل
دو درم انیسون یکدرم انزروت دو درم سقمونیا مشوی یکدرم کوفته
و بیخته حب سازند شربتی ازان دو درم است قوت این حب بشماء(؟) بماند و بدل(؟)
ده درم هفت مثقال است و قس علی هذا و تنویر سقمونیا در بیان او گفته شد
در مفردات حب قوقیا مستعمل این حب جالینوس است سودمند بود دردسر را
که از بلغم بود و چشم روشن کرداند و اخلاط غلیظه لزج از بدن پاک کرداند
صبر سقوطری عصاره افسنتین و ورق(؟) افسنتین مصطکی از هریک دو درم
سقمونیا مشوی شحم حنظل از هریک یکدرم کوفته و بیخته باب کرفس سرشند
و حب سازند شربتی ازان یک مثقال است حب الملک خوشبوی دهان خوش کند سنبل الطیب
فرنجمشک قرنفل نارمشک کبابه قرفه بسباسه هیل خولنجان سعد کوفی(؟) از هریک
یکدرم قاقله جوز الطیب از هریک نیم درم پوست ترنج زنجبیل ساذج از هریک
یکدرم مشک ترکی نیم مثقال باب سیب و گلاب و صمغ عربی حب سازند و در دهان
گیرند و بعد ازان مدتی فرو برند حب السعال سرفه بلغمی و ابتدائی سودمند بود
رب السوس کتیرا از هریک سه درم نشاسته کتیرا صمغ عربی مغز دانه کدو
از هریک یکدرم نبات مصری هم وزن تمام داروها کوفته و بیخته بلعاب
بهدانه سرشند و حب سازند. حب السعال این حب جهت سرفه حار مفید بود
مغز بادام سفید کرده مغز تخم خیارین نشاسته صمغ عربی خشخاش از هریک یکدرم
رب السوس دو درم بادام مقشر سه درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا

حب قوقیا

حب الملک

حب السعال

لبر شند و حب سازند دیگر حب السعال نزله حبه سرفه سرد مفید است پوست بیخ
دار بیانه تخم کرفس رب السوس بیرسیاوشان مغز بادام تلخ کوفته و بیخته باب خالص حب سازند
دیگر حب السعال که از برای سرفه خشک نافع است نشاسته صمغ عربی رب السوس اجزاء
ان مساوی باب خالص حب سازند حب [illegible] و این حب از مرکبات جالینوس است
مغز دماغ کنجشک نر که در وقت هیجان کرفته باشند شقاقل مصری تخم پیاز سفید
کلس جزما اجزاء مساوی کوفته و بیخته بعسل لبر شند و هر وقت که خواهند
یکمثقال و نیم از این حب سازند و در شراب حل کرده بیاشامند که نعوظ تمام اورد
حب اصطمیقون جهة امراض بلغمیه و سوداویه نافع است و بدن را از فضول غلیظه
پاک کرده اند صفت ان تربد سفید مجوف مصمغ جز السیل بروغن بادام چرب کرده
دو مثقال صبر سقوطری و حب النیل از هر یک یکمثقال تخم حنظل سقمونیا از هر یک
یکدانک کثیرا و مقل ازرق از هر یک پنج مثقال ادویه را کوفته و بیخته و باب صرف
عجین ساخته و حبها ساخته هر یک مثل فلفل و در سایه خشک کرده و در ظرف
شیشه نگاه داشته شربتی از وی یکمثقال و نیم تا دو مثقال نافع است انشاء الله
تعالی و تقدس حب ان حب ماده کرم از سر فرود اورد بکیرند صبر سقوطری دو مثقال
تربد سفید مجوف مصمغ بروغن بادام چرب کرده هفت مثقال مصطکی کل سرخ
از هر یک دو مثقال پوست هلیله زرد پنج مثقال سقمونیا مشوی دو مثقال
و نیم مقل ازرق دو مثقال و نیم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو مثقال نافع باد
انشاء الله تعالی حب مسهل بلغم بزجیه و اهسته کی تربد سفید مجوف مصمغ جز السیل
و بروغن بادام چرب کرده یکمثقال زنجبیل دو دانک مصطکی دو دانک بعسل مقوم

حب سازند

حبها سازند و این یک شربت است حب ایلیا جهة اوجاع معده و اوجاع مزمنه است
صبر سقوطری سه مثقال مصطکی گل سرخ از هر یک یکمثقال سحق بلیغ نمایند و بآب
مرزنجوش حب سازند و در سایه خشک کنند و حفظ نمایند و در وقت حاجت
در وقت خواب شربتی از وی یکمثقال تناول نمایند و حبهای بزرگ کنند
که تنقیه بزرگ دماغ کند بدل حب اسطوخودوس جهة صرع بلغمی و سوداوی
نافع است و تقویت دماغ کند پوست هلیله زرد و هلیله کابلی مسروع النوی
یعنی از هر دو دانه بیرون آورده از هر یک پنج مثقال تربد سفید مجوف
ممضغ خراشیده بروغن بادام چرب کرده هفت مثقال صبر سقوطری
شش مثقال افتیمون اسطوخودوس بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال غاریقون
سفید مبیض سه مثقال خربق سیاه و نمک نفطی از هر یک یکمثقال و نیم ایارج
فیقرا ده مثقال حبوب کنند چنانکه رسم است و نزد حاجت استعمال کنند
شربت تام ازین سه درم است حب سورنجان اخف از حب سورنجان مذکور است
بگیرند سورنجان سفید مصری و پوست هلیله زرد و صبر سقوطری اجزاء
مساوی مثل حب سورنجان مذکور حب سازند شربتی نیز ازین دو درم است
تا سه درم و منافع این مثل منافع وی است حب ملوکی این حب جهة کسی مناسب است
که از شرب مطبوخ و سایر مسهلات نفرت داشته باشد و در وقت تناول
او قی کند اجزاء آن تربد سفید مجوف ممضغ خراشیده و بروغن بادام
چرب کرده یکمثقال و غاریقون سفید بیش ثلثان یکمثقال هلیله اسود یکدانگ
و نیم و افتیمون اقریطی نیم مثقال مصطکی ربع یکمثقال لسان الثور سدس یکمثقال

حب ایلیا

حب سورنجان

حب ملوکی

اجزاء آن

تخم کشنیز سدس یکمثقال بادرنجبویه مجموع ده اطفال را از هر یک سدس یکمثقال طباشیر مثل اطفال که

زعفران نیم مثقال اطفال که گل سرخ هم سدس یکمثقال با آب گلاب حب سازند مجموع یکشربت است

نافع باد انشاء الله تعالی و نقدس حب مطیب که بوی دهان خوش کند و جهة

بخر نفع تمام دهد بگیرند پوست ترنج تر و باقلات و تخم خشک و سنبل الطیب و قرنفل

و جوز بوا و کبابه و بسباسه و سعد از هر یک سه مثقال مشک خالص ثلث یکمثقال

و همه را کوفته بغایت نرم کرده و بیخته و بگلاب خوشبو حب سازند حبها چون نخود هندی

در دهان نگاه دارند و آب آن فرو برند حب سعال بگیرند رب السوس و مویز دانه

بیرون آورده از هر یک سه مثقال نشاسته صمغ عربی کتیرا سفید مغز دانه کدوی

مقشر از هر یک یکمثقال نمایند خرفه نصف جمیع ادویه و اگر نیابند بنانشد بدل آن

بلک بخهند و بلعاب دانه به حب سازند جهت سعال و خشونت سینه مجرب است

ایضاً حب افیون افیون نشاسته صمغ عربی و رب السوس اجزا مساوی کوفته

اما این مستعمل مؤلف این رساله است جهت احتیاط مقدار افیون را نصف مقدار

هر یک از ادویه مسلمه میکنند و بلعاب دانه به حب سازند هر حب مثل نخود

کوچک اما التیام یک حب بیشتر بلع نکنند و اکتفا بر آن نمایند و اضماد تمام نمایند

و آب سرد و شربتی التبیرك کنند حتی که ... هر اسهال که باشد

اما اگر اسهال کبدی باشد در روز دوم از اسهال پیدا میشود و دایم نمی بندد اجزاء

آن افیون نیم مثقال انار نباد دو مثقال کرمان و چهار مثقال سماق چهار مثقال

دانه مورد چهار مثقال حبها سازند مثل نخود و شربتی از آن سه حب است نافع باد

انشاء الله تعالی و نقدس فصل ... در علم خلط مسهله و صفتهات و تقویمات است

بدانکه

بدانکه مطبوخات اخف و الین از حبوب و اسهال مطبوخات اسرع است از اسهال
حبوب زیرا که قوای ادویه بواسطه غلیان در اب منتزع میشوند از اجرام اجزا
مطبوخ و بحسب خاصیت جذب اخلاط از اجزاء بدن مینمایند و غسل میکنند اجزاء بدن را
از ان اخلاط و با انها بیرون می ایند بطریق اسهال و ادرار و باقی میماند در بدن
از اجزاء ان چیزی که سبب بقاء اعراض لوازم شرب مسهل میباشد مثل کرب و غثیان
و عطش و پیچ امعا چنانکه از اجزاء حبوب باقی میماند و اطبا بعضی از مطبوخات را
سادج میکنند و بعضی را بتقویت مینمایند بسرداد و مثل غاریقون سفید هش
و تربد و محموده که بعد از طبخ و تصفیه مسحوق اقل از مقدار شربت بر مطبوخ
میریزند و اولی انست که طبیب اکتفاء در ایام متوالیه بر مطبوخات نماید و ان
غایله حبوب این کرده چنانکه محمد ذکریا رازی علیه الرحمه در مصنفات خود
گفته است مطبوخ سنا که اخلاط سنا مکی هفت مثقال پوست هلیله زرد
پنج مثقال فلوس خیار شنبر ده مثقال افتیمون مصری پنج مثقال بعد از ان که پاره مطبوخ
جوشیده باشد افتیمون را در ان اندازند اسطوخودوس دو مثقال بسفایج فستقی چهار
مثقال بزر هندبی ده مثقال بنفشه چهار مثقال گل سرخ چهار مثقال عناب بیست عدد
سپستان سی عدد نیلوفر دو مثقال اصلسوس یکمثقال و نیم ترنجبین سفید سی مثقال
شیرخشت بیست مثقال روغن بادام دو دانگ شب مذکورات را در اب بخیسانند
و علی الصباح در همان اب بجوشانند چندانکه ثلث بماند و تناول نمایند بشرط
و ایضا رعایت شرایط نمایند و اگر هوای روز گرم شده باشد در سحر مطبوخ را
مجرع فرمایند و در اثناء شرب و اثار شرب تنقل نمایند و ثفل بیرون اندازند

مطبوخ سنا

نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس مطبوخ دیگر که مقوی مسهل جهت آنکه اسهال صفرا کند
مناسب است شمش و عناب از هر یک پانزده عدد آلوی سیاه بزرگ هفت
عدد تمر هندی ده مثقال نیلوفر دو مثقال بنفشه سه مثقال سنای مکی پنجمثقال هلیله زرد
پنج مثقال تخم کاسنی نیم کوفته یکمثقال و نیم لب خیار شنبر دو مثقال داروها مرضوض چهار
دانگ روغن بادام دو دانگ برسی مثقال ترنجبین سفید بیست مثقال شیرخشت
بیالایند و صاف کنند و تناول نمایند و رعایت شرایط کنند نافع باشد انشاء الله
تعالی و تقدس مطبوخ افتیمون جهت امراض سوداوی و مالیخولیا جنون سودمند است
اسهال سودا نماید باسانی چون نضج کامل حاصل باشد پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنج مثقال و املج سه مثقال مویز دانه بیرون
آورده بیست مثقال آلوی سیاه هفت عدد گاوزبان بادرنجبویه اسطوخودوس
از هر یک سه مثقال بسفایج مرضوض سه مثقال تربد سفید مجوف مقشر خراشیده
بروغن بادام چرب کرده دو مثقال در پنج من آب بجوشانند تا آنکه ثلث باز
اید بعد از آن افتیمون افریطی شش مثقال تا هشت مثقال صبر زرد در آن اندازند
و باتش نرم بجوشانند تا آنکه بیک رطل باز اید بعد از آن افتیمون را در آن بدست
بزنند و بمالند و صاف کنند بعنف و ترنجبین سفید سی مثقال شیرخشت
پانزده مثقال بدان اضافه نمایند و انرا در کره دوم صاف کرده آشامند و اگر خواهند
اثر اقوی تر کنند نیم مثقال غاریقون سفید پس هم و بجرعه نمایند و رعایت
شرایط کنند مطبوخ منضج بذر کرفس بذر رازیانج انیسون اصل السوس عود الصلیب
از هر یک یکمثقال مویز دانه بیرون آورده هفت مثقال انجیر زرد هفت عدد بنفشه

تخم

ثم مطبوخ از هلیله ده مثقال پرسیاوشان دو مثقال اسطوخودوس ده مثقال ترنجبین
بیست مثقال گل قند ده مثقال ترتیب نمایند نافع است انشاء الله تعالی اعنی حقنه
دفع حرارت و یبوست و غلبه خون و غلیان آن مناسب است مثلاً [illegible] عناب
الوی برگ سپستان از هر یک پانزده عدد گل نیلوفر دو مثقال بنفشه سه مثقال تخم کاسنی
نیم کوفته یک مثقال تخم کتان [illegible] و در جوشانند و آب آن تناول نمایند نافع باشد انشاء الله
تعالی و نقلست در فصل هم در حقن و شیافات بدانکه حقنه نوعی از استفراغات است
کرده بدان پاک میشود و این حقنه از برای مرض قولنج درد ها ست معتدل است
و نیز سبب نضج ماده است باسانی بسهولت چون بعد از آن خواهند مسهل دهند
قوت تنقیه نام کنند و منقول است که بقراط طبیب قبل از وضع حقنه دید بر کنار
دریا مرغ دراز گردن دراز منقار را که غذای او ماهیست ایستاده بود بمنقار آب
دریا بر میداشت و منقار را در دبر خود میکرد و آب دریا در دبر خود میریخت
و هم چنین مکرر میکرد تا آنکه از دبر او اجابت امد و انچه در امعا بود بیرون
بقراط وضع حقنه از ان صورت کرد که ان مرغ بدین عمل ملهم شد بسبب انکه
آب دریا مسهل است و بدانکه حقنه سه قسم است حاده و لینه و متوسط و آلت حقنه انبانه
بر اسفل [illegible] لوله از نی مرتب است و آن لوله دو [illegible] دارد و سمت یکی در مثل
و سمت آن دیگر است مثل ان جهت خروج ریح و کبر جهت دخول مطبوخ احتقان
این الت علی التفصیل در کتب مطولات طب مذکور است و بدانکه شیافات مسهله
نیز سه قسم است مثل حاده و لینه و متوسط و نسبت شیافات مسهله مساوی شش
انگشت مخروط است تا در امعاء مستقیم و امعاء [illegible] و اثر آن بقولون برسد زیرا که

قولنج مرض روده منسوب بقولون است که قسمی است از روده‌ها امّا بمنافی تنیه است
کرد رحمیات مستعمل میباشد والین والبط ازهم وچنین است که ازارزان قره قروت
میگوید وبعد ازان شیاف ماخوذ از شکر سرخ است که برور بیخته باشند نمک کوفته
ومعناف باشد بلبو خطمی ودو مثقال بورق ارمنی حقنه لینه بگیرند انجیر خشک هفت عدد
سبوس گندم گل خطمی خشک ازهریک کفی برگ چغندر ده عدد اصلسوس مقشر نیم
کوفته پنج درم سپستان سی عدد ارده جو هفت مثقال بنفشه خشک بابونج نیلوفر از کنند
هریک سه مثقال مجموع را در شش من اب بجوشانند تا دو من بماند بعد ازان مصفیه
ونیم رطل ازین اب و پانزده درم لعاب بذر قطونا و ده درم روغن شیر بخشید ده درم
اب کامه و دو درم بوره و نیم درم نمک هندی مخلوط ساخته نیم گرم حقنه کنند و این حقنه
بغایت لین است حقنه حاره سودمند است جهة قولنج بلغمی ودرد پشت و با
غلیظ اخذ و نیم حلبه بذر کتان منطور بن دبیق بابونج خشک خطمی ازهریک ده مثقال
انجیر زرد ده عدد سپستان سی عدد سبوس گندم پانزده مثقال برگ کرنب و برگ
سداب و برگ سلق و برگ شبت ازهریک دسته لطیفه که درکف گیرند سکبینج
جاوشیر مقل ازهریک سه مثقال مغز تخم کاغله ده مثقال بجوشانند همه را چنانکه دو سه
پیاله بماند ونیم من ازین اب بگیرند باسه دانگ ملح هندی ویکمثقال ونیم بورق سرد
وبغایت کوفته و دو دانگ جندبیدستر و هفت مثقال اب کامه و پنج مثقال روغن
زیت و ده مثقال عسل ومثل عسل نمایند وباشکر سرخ دو دانگ شحم حنظل احتقان
نمایند نافع باد انشاء الله تعالی وتقدس حقنه سهل المأخذ بگیرند بگدسته لطیفه
سلق وانرا بجوشانند ومصفا سازند وبعد ازان انرا بپیاله بند ودر اب ان یک ملعقه
بنگ

بنک سیر بجست بپزند و مثل هم کرده نمک سنک دران اندازند که یکبار دو بکرسی بزن
حقنه کنند حقنه قولنج و حمیات حاده نافع است حقنه ... مباح مبشکند و قولنج
ریحی را نافع است ورق سلاب و روغن زیت سه نوبت بجوشانند و بعد ازان
روغن بکیرند بیست مثقال تا سی مثقال و در وی حل کنند ده مثقال خیار شنبر و نیز
سکبینج و صندل سه استر از هر یک پنج مثقال دران حل کنند و بدان احتقان کنند
واکر وجع ان بغایت قوی باشد یک نخود داراشون دران حل کنند و بعد ازان
احتقان نمایند حقنه نافع که مسبل اسهال کند و مرض صداع را نافع باشد بکیرند اب سبخ
وارد جو جوشانیده باب پر کرده بزکه نمک داشته باشد و بران اسفیداج قلعی و کاغذ
سوخته و صمغ عربی بریان کرده و اما ... روغن سیاه و نشان از هر یک یکمثقال
اضافه نمایند و همه را موزرد بکوبند مثل غبار و سه تخم مرغ را در سرکه انکور ریب
بهم بزنند و بسایند و مثل کوراست را با چهار مثقال روغن کل و بدان حقنه کنند
چنانکه هم کرم باشد شیاف ... طبع در امراض حاده نفع تمام میدهد و نوع
قولنج میمایدانغز ... بنفشه خشک پنج مثقال ... سعید محوف مقیع ملاحی سه مثقال
سمونیا مسوی دو درم بورق ارمنی سه مثقال ملح هندی دو مثقال قرمودست
ونمایند از هر یک پنج مثقال و اکر نمایند نباشد شکر سرخ بکار برند و شیافات
بسازند و استعمال نمایند نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس شیاف ذکر قولنج را
سود دهد بکیرد شکر سرخ دو مثقال مقل ازرق دو مثقال بورق ارمنی کل خطمی از هر یک
سه مثقال زهره کاو تخم حنظل سمونیا مسوی از هر یک یکمثقال چنانکه شرط است
شیاف سازند نافع باشد انشاء الله تعالی و تقدس شیاف ... زبراوند بیست

و وجع مفاصل که از بلغم باشد نافع است اخلاط سکبینج جاوشیر مقل اشق سورنجان شقاقل

تخم حنظل تخم کرفس افیون تخم سداب نمک هندی انزروت جند بیدستر زرنباد قسط

میعه ماهی زهره درج بول سداب اجزاء مساوی شکر سرخ مویز دانه بیرون اورده مغز پسته

از هریک ده مثقال سبغل سازند چنانکه رسم است و استعمال کنند نزد حاجت

شیاف ... و درد و رود های سفلی زعفران کندر حضض از هریک یکمثقال

افیون یکمثقال شیاف سازند باندک گلاب هر شیافی مثل استخوان سنجد در پنج مثقال خطمی

بگذارند که چون خواهند شیاف را از دبر اخراج کنند ان خیط را بگیرند و بکشند و درد

قرابادین سرخ موجز افیون دو مثقال نهاده است منقرا یکمثقال کرد احتیاطا شیاف

که در لهلیل بزرقه می چسباند تسکین حرقه بول میکند بیادرند اسفیداج قلعی صمغ عربی

کتیرا از هریک دو مثقال افیون یکمثقال و نیم کوفته و بیخته و بلعاب دانه به شیاف سازند وچون

خواهند یکی را از ان حل کنند بشیر دختران و در احلیل مثل استخوان سنجد از راف کنند

بزرقه نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس فصل یازدهم در املیه و اضمد و ابدانکه اضمده مثل چیز

مباشد که بر عضو می بندند و املیه مثل دوغنهاست که میمالند طلا که جهة صداع حار

و صداع نیم سر حار نافع است اخلاط صندل سفید و سرخ و تخم کاهو و برگ گل نیلوفر

از هریک سه مثقال اسیغول مامیثا دو مثقال افیون یکمثقال پوست خشخاش یکمثقال

طلا کنند بگلاب و عنب الثعلب و اب کشنیز این دفتر میگوید که چون مصلح افیون

زعفرانست اگر نیم مثقال زعفران با افیون بسایند و بسایر اجزاء ضم کرده و طلا کنند

بهتر است طلا و قطور که نافع است درد سر سرد و شقیقه سرد یعنی درد نیم سر سرد را

و وجع گوش سرد را اخلاط جند بیدستر فربیون افیون میعه سائله فلفل بریان سداب

فودنج

موميج حرز ولاخذ كنند اجزاء ان برابر و اقراص كرده سازند وچون خواهند قرص
ازان در بول و روغن زيت بگذارند و در گوش چكانند نيم گرم و با نيم گرم طلا كنند
در بيم سرد در جانب وجع طلا كنند و با طلا كنند در صداع عام در تمام سر كه نافع است
انشاء الله تعالى و تقدس طلاكه . جرعه هايى از انجا كه مرتفع از ساق باشد استعمال
كنند نافع است اخلاط لو فلفل و زنجبيل و عسل بلادر جنين طلا كنند بر انگشت
پا كه مريض احساس كند كه بخار ازان مرتفع ميشود كه نفاطات ازان حاصل شود
و ان نفاطات را نشكافند و بگذارند كه مراحسان خوش شود قابل مى بخشد
ضماد [illegible] كه بر عضو [illegible] ضماد كنند كه استرخاء ان از ضربه و سقط حادث
شده باشد اخلاط بياورند حلبه و حب البان و حب المحلب و حب الخروع و مقل
ماش و شحم البط و موم و روغن سوسن و از مجموع ضمادى ترتيب كنند و عضو را
بدان تضميد نمايند فصل در [illegible] فى بدانكه مقيئات سه جنس است
يكى جنس مقيء صفرا است و جنس ديگر مقيء بلغم است و جنس ديگر مقيء سودا است و از
تركيب اجناس اخلاط مركبه خارج ميشود مقى صفرا بگيرند پنج [illegible] پنج مثقال و ده رب
بجوشانند چندانكه به نيمه بيايد و بعد ازان بپالايند و ده درم سكنجبين [illegible]
دران حل كنند و بياشامند و به پر مرغ قى كنند بعد ازانكه [illegible] و چشم را [illegible] نهاده باشند
و دست و شكم را نيز به فوطه [illegible] بسته باشند مقى [illegible] كه [illegible] بگيرند اصل سوس
مقشر سه مثقال [illegible] مثقال [illegible] بجوشانند و بعد ازان صاف كنند و نيم
كنكر [illegible] دران [illegible] بگيرند و ده مثقال سكنجبين [illegible] دران حل كنند و تناول
نمايند چنانكه گفته شد مقيء بلغم بگيرند تخم ترب [illegible] سياه سه مثقال تخم شبت

سه منقال هر دو را بجوشانند چنانکه به نیمه رسند و بپالایند و بیست منقال لغزی با آب ترب
سیاه بران ریزند و ده منقال سکنجبین عسلی دران حل نمایند و بیاشامند بگرمی و دیگر روز
مرغ قی کنند و بعد از ان معده را از اسهال نگاه دارند نسخه سوداء بگیرند تربد زرد
یکدرم بوره ارمنی یکدرم حرف یکدرم بجوشانند و صاف کنند و نیم منقال کنگر زد را
دران شیرم بگیرند و سکنجبین عسلی ده منقال دران حل کنند و بیاشامند و قی کنند
و ان نسخه ثقیلست جوز القی و جلاسنک و خربق و کندش است و قبل از ین استعمال اینها
میکرده اند بشرایط مخصوصه که در مطولات مسطور است درین زمان استعمال اینها
متروک است زیرا که خطر است و کنگر زد نیز اگر زیاده بر منقال استعمال کنند خطر است
فصل شیرم در امراض است قرص کافور نافع است جهت حمیات حاده و خفقان گرم
اخذ لم طباشیر گل سرخ صندل سفید تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخمکان از هر یک سه منقال
کافور قیصوری نیم منقال ادویه را بغایت سحق کنند و مجموع را بپزند با آب سیب
شیرین سرشته و قرص کنند قرصها شش و در سایه خشک کنند و از گرمی گرفتن
و تغیر نگاه دارند شربتی از وی یکمنقال باشد نافع باد انشاء الله تعالی و نعدس
نسخه این قرص حرارت بدن بنشاند و تشنگی بنشاند و ساکن گرداند و تب دق
و سل را نافع باشد و تشنگی و کرب و قی و حزن را نفع دهد اخذ لم طباشیر چهار منقال
گل سرخ هفت منقال تخم خیارین و تخمکان و مغز دانه کدوی شیرین و کثیرا و صمغ عربی
و رب السوس و عود خام و نشا از هر یک سه منقال زعفران دو منقال بنات ترنجبین
از هر یک هفت منقال کافور قیصوری یکمنقال و نیم بلعاب بذر قطونا خمیر کنند و قرصها
سازند و مقدار شربتی ازین یکمنقال است قرص [illegible] نسخه کاکهو [illegible] تخم کاسنی تخم

کاهو

کاهو تخمکان از هریک دو مثقال مغز دانه کدوی شیرین و مغز تخم خیار از هریک سه مثقال
صندل سفید مقاصیری سوهان زده سه مثقال سرطان محرق زعفران رب السوس
کاهو از هریک یکمثقال گل سرخ چهار مثقال نافع باشد انشاء الله تعالی قرص طباشیر ملین
جهة حمیات محرقه و حمیات حادة بغایت نافع است وتلیین طبع مینماید اخلاط گل
سرخ شش مثقال ترنجبین سفید بزرین دانه هفت مثقال نشاسته سه مثقال صمغ
عربی و کثیرا سفید و طباشیر و زعفران از هریک دو مثقال ادویه را کوفته و بیخته
وباب ترنجبین و لعاب بذر قطونا آمیخته قرص سازند و بعضی تخم خیارین و تخمکا
داخل این قرص میسازند شربتی ازین یکمثقال تا یکمثقال و نیم نافع است قرص طباشیر قابض
تا حیں سودمند است جهة اسهال صفراوی و دموی و کسر حدت صفرا مینماید و حرارت
ساکن میکند اخلاط صمغ عربی ده مثقال تخم حماض ده مثقال نشاسته ده مثقال طباشیر
سفید سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سماق و زرشک بی دانه از هریک هفت مثقال
مجموع کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند قوت این قرص تا سه ماه باقی میماند شربتی ازین
یکمثقال است تا یکمثقال و نیم و اکثر گل ارمنی دو مثقال بدین قرص طباشیر تا بعض اضافه
کنند اقوی باشد قرص کهربا نسخه منهاج استعمال صاحب اختیارات بد بقلیل اسهال
دموی را دفع میکند اخلاط کهربا بیخ مرجان مروارید ناسفته تخمکان بریان کرده
از هریک پنج مثقال شاخ بز کوهی سوخته کثیرا و سفید صمغ عربی بریان کرده و بوعست
تخم مرغ سوخته از هریک سه مثقال دانه کشنیز بریان کرده دانه خشخاش سفید
و سیاه از هریک پنج مثقال ودع سوخته بذر البنج سفید از هریک یکمثقال
و نیم کوفته و بیخته و باب خالص بسرشند و قرص سازند شربتی ازین یکمثقال است

وتقویت این شاه جمادل قرص کهربا نسخه مولانا سدید الدین شارح موجز جهة سیلان خون خواه
از شکم وخواه از هر موضع که باشد نافع است اخلاط آن بیخ الجبار شامی چهار مثقال گل سرخ صمغ عربی
بریان کرده کهربا از هر یک یکمثقال نشاسته گل ارمنی بیخ مرجان طباشیر سفید و رب السوس جلنار
از هر یک ده مثقال افیون یکمثقال و نیم کوفته و بیخته بهر رب مورد قرص سازند شربتی از این
یکمثقال است نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس قرص مثلث این قرص بغایت نافع است
از برای صداع شدید و بیخوابی بدین وجه که بگلاب بسایند و بر پیشانی و هر دو شقیقه
طلا کنند اخلاط آن زعفران افیون تر مکی بذر البنج سفید پوست بسفایج اجزاء مساوی را
کوفته و بیخته باب کاهو قرص کنند هر قرص بشکل مثلث و این قرص را مثلث از برای
آن میگویند که شکل مثلث دارد و تا مشتبه نشود بباقی اقراص که مبادا از راه اشتباه بخورند
و مضرت رساند و با مثلث از این جهه میگویند این قرص را که در این سه محذور قوی است
قرص کاکنج سودمند است جهه اوجاع کلیه و مثانه و بول و خون و چرک را
و حرقت مثانه را اخلاط آن مغز تخم خربزه سی و شش مثقال ایرسوس هفت مثقال تخم بذر البنج
سفید تخم کرفس تخم حماض از هر یک نه مثقال تخم شوکران تخم کشنیز از هر یک نه مثقال
حب کاکنج حبلی عقناد بیخ حب جمیع را بکوبند بعقید انگوری بسرشند و قرص
سازند شربتی از این از دو مثقال تا سه مثقال نافع است باذن الله تعالی و تقدس
حب کاکنج مؤلف ذکر نسخه صاحب اسباب و علامات از برای قروح کلیه و مثانه
مجرب است اخلاط آن تخم خربزه مقشر ده مثقال کاکنج سه مثقال تخم کرفس شاه دانه گل ارمنی
صمغ عربی جوزه شباو بذر البنج سفید از هر یک دو مثقال افیون یکمثقال اقراص
سازند هر قرصی سه درم شربتی از وی دو مثقال است نافع باد انشاء الله تعالی

قرص گلنار مزن ونیز از شکم باز دارد اخلاط سلیخه رومی گل ارمنی صمغ عربی
از هریک چهار مثقال ورق گل سرخ اقاقیا از هریک سه مثقال کثیرا سفید دو مثقال
کوفته و بیخته باب گلنار سبز سرشته و قرص سازند شربتی از وی یکمثقال است و قوت
این تا شش ماه بماند قرص ورد کرمانی جهت تقویت جگر سودمند است اخلاط زرشک
بیدانه پنج مثقال تخم کاسنی تخم خیار تخم خرفه هندبا الانک از هریک سه مثقال گل سرخ
پنج مثقال ریوند چینی سنبل الطیب از هریک یکمثقال کوفته و بیخته بلعاب بذرقطونا
قرص سازند شربتی یکمثقال است قرص بنفشه بلغم و صفرا دفع کند دماغ را پاک گرداند
و قوت دهد و تاریکی چشم را زایل کند و درد سر صفراوی را بغایت نافع است
اخلاط تخم بنفشه خشک چهل مثقال تربد سفید مجوف مراسیل بروغن بادام مرب
کرده چهل مثقال رب السوس ده مثقال پوست هلیله زرد دو مثقال سقمونیا مشوی
چهار مثقال کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی از این دو مثقال است و پنج مثقال
یا ده مثقال شکر سرخ در آب حل کنند و قرص را در آن حل کرده مشغول شوند
و شرایط مسهل خوردن رعایت نمایند و قوت این قرص تا چهار ماه باقیست
قرص گل مستعمل مسهل صفرا و بلغم است اخلاط گل سرخ هفت مثقال عصاره
غافت طباشیر سنبل از هریک یکمثقال رب السوس چهار مثقال کوفته و بیخته
باب صرف قرص سازند شربتی یکمثقال است و قوت این قرص تا شش ماه
بماند والله اعلم فصل چهارم در لعوقات بدانکه لعوقات در امراض سینه
بهتر از اشربه اند بسبب میعان زود از سینه و حوالی آن میگذرند و مجمل
وارد میشوند بخلاف لعوقات که در سینه توقف مینمایند و اثر اینها با امراض سینه

در لعوقات

بلشتر هر سه لعوق زوفا سودمند بود جهت سرفه کهن سینه و شش را از اخلاط
پاک کرداند بلغم سینه را منفتح میلها اخلاط ابرساوه زوفا خشک از هریک
بیست مثقال ابرسا را نیم کوفته کرده با زوفا در سه رطل آب بجوشانند تا بان یک رطل
اید و بدست بمالند و صاف کنند و یک رطل قند صافکرده بران اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام لعوقات رسد و استعمال کنند شربتا زین لعوق ده مثقال
تا دوازده مثقال لعوق اسفیل سودمند بود بو سرفه کهن را و دفع رطوبت
غلیظ نماید اسقیل بریان کرده سه مثقال ابرساوه مثقال فراسیون و برزوفا
از هریک یکمثقال کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و استعمال کنند بقدر حاجت
شربتی ازین پنج مثقال مناسب است لعوق رب السوس سودمند است فضول النزج را
که در سینه جمع شده باشد اخلاط رب السوس کتیرا بادام تلخ مقشر تخم دانا از هریک
جزوی مساوی کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و روغن بادام اضافه کنند
شربتی یکمثقال تا دو مثقال تلخ زوفا یابسا منه نافع بود لعوق سه از برای سرفه گرم
و خشک و نزله حاده مناسب است اخلاط بادام شیرین ده مثقال تخم خیارین
و مغز دانه کدوی شیرین و تخم کاهو و تخم کاهو از هریک پنج مثقال صمغ عربی و کتیرا
سعبل و نشاسته از هریک چهار مثقال تخم خشخاش سعبل سه مثقال مجموع را کوفته
و بیخته سحق نمایند و پنجاه مثقال ترنجبین در آب حل نموده با آنها حل سازند و تصفیه
نمایند و بقوام اورند و ادویه مسحوق را بدان معجون سازند و این لعوق وقت
حاجت بتفاریق که مزاج قبول نماید لعق کنند لعوق حلبه که سودمند است جهت
محرور صدوف و هوا و غلیظ اخلاط تخم کتان ده مثقال حلبه چهار مثقال بادام شیرین
مغز

مقشر چهار مثقال کبرا و اصل السوس مقشر و جلغوزه و بادام تلخ مقشر و نشاسته و صمغ
عربی از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته کرده بمثلث بسرشند و لعوق سازند بقدر
احتمال مزاج نافع باد انشاء الله تعالی لعوق خیار شنبر مسهل صفرا و بلغم است خصوصاً
از حوالی حلق و سینه و شش اخلاط تلوس خیار شنبر پانزده مثقال گل قند ماخوذ
از گل بغدادی پانزده مثقال مغز بنفشه ده مثقال بزر خشت ده مثقال ربوند چینی سه
مثقال روغن بادام شیرین یکمثقال این لعوق ساده است و اگر خواهند تقویت
این نمایند بمحموده و بادرنجبویه و باغاریقون سفید بیش از مقادیر شربت الساع
بر وجهی که قوانین تقاضا کنند والله اعلم فصل یازدهم در سفوفات
سفوف حب الرمان سودمند است اسهالی را که از ضعف معده و روده باشد سفوف حب الرمان
و قوت این اعضا می دهد اخلاط ناردانه ترش و شیرین بریان کرده بیست
مثقال تخم مورد و بلوط و سماق و زیره کرمانی در سرکه خیسانیده در سایه خشک
کرده و بریان کرده و جوز بوّا و سنبل و شامی از هر یک ده مثقال مشک و عود از
هر یک یکمثقال کوفته و بیخته سفوف سازند و شربتی از این پنج درم تا پنج مثقال
نافع است سفوف زرشک سودمند است جهت ضعف معده و قوت وی سفوف زرشک
میل صدر و شکم می بندد اخلاط نانخواه سماق زنجبیل ناردانه ترش بریان کرده
زرشک بیدانه بیست مثقال کوفته و بیخته استعمال کنند شربتی تا سه مثقال نافع
سفوف سورنجان مستعمل صاحب اختیارات بدیعی جهت مفاصل و نقرس و عرق سفوف سورنجان
النسا نافع است اخلاط سورنجان مصری سفید ده مثقال سنا مکی هفت مثقال
مغز شیرین بادام مقشر سه مثقال پوست هلیله زرد سه مثقال زعفران نیم مثقال قند

قند سفید سی مثقال سقمونیا بریان کرده یکمثقال اگر ماده بلغمی باشد عوض سقمونیا
تربد باید نهاد مقدار سه مثقال و شربتی دو مثقال بو شراب سرد کرده مشغول شوند
نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس فصل شانزدهم در سنونات سنونی
که دندان را جلا دهد و منع خون امدن کند بغایت اخلاط مله شاخ بز کوهی سوخته
و نمک اندرانی و کف دریا از هر یک جزئی بیخ نی سوخته ساذج ربع جزء
مثقال سفال چینی جزئی همه را سحق کرده کالغبار و سنونه سازند سنونی که جهت
دندان متحرک نافع باشد و بیخ دندان محکم کند اخلاط مله شاخ گاو کوهی سوخته نمک
اندرانی عسل سرشته سوخته از هر یک جزئی گلنار نیم جزء پوست هلیله زرد گل
سرخ از هر یک جزئی سحق کرده کالغبار در اول شب بر بیخ دندان مالند و آب
بیرون کنند و بگذارند که نیک تاثیر کند بعد از ان دهان را بسرکه جوشیده که
داشته باشد و بگلاب بشویند و خواب کنند و در جمیع سنونات همین عمل
کنند سنونی که گوشت دندان برویاند و بیخ ان محکم دارد اخلاط مله ذراوند
مدحرج کرسنا ایرسا خون سیاوشان اجزاء مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین
عنصلی بسرشند و به بینه پاره بر بیخ دندان نهند سنونی که بوی دهان
خوش کند و بیخ دندان محکم سازد اخلاط مله شاخ بز کوهی سوخته و نمک عسل سرشته
سوخته از هر یک دو مثقال گلنار و سماق از هر یک یکمثقال سعد و جو سوخته
از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته سنونه سازند چنانکه شرط است سنونی دیگر
که بوی دهان خوش کند و بیخ دندان محکم سازد اخلاط مله صندل سفید پوست ترنج

خشک

خشک اذخر و املک از هر یک سه مثقال قاقله کبار کبابه قرنفل عود هندی
مشک خالص مصطکی از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند والله اعلم
فصل شش هم در ادهان استعمال روغن بنفشه با دام در ترطیب دماغ و
تقویت آن در امراض حار امراض سودا بر مناسب است صفت آن این است که بگیرد بادام
شیرین و مقشر کند و هر یکی بادام را بدو نیم کند و خشک کند و بهر یک من بادام
نیم من گل بنفشه در میان آن کند و شب در زیر جامه خواب بیاندازد و روز همچنان
پهن کند و چون ده روز بگذرد اگر بنفشه درین ایام مکرر کند بهتر باشد تا چهل
روز برین وجه پرورش کند و بعد از آن بادام بنفشه روغن بگیرد و اگر بعوض
بادام دانه کدو باشد شاید بلکه در روغن رطوبت زیاده بود که در بادام روغن
گل سازد ام هم چنین بادام را در میان گل چنانکه بنفشه با بادام گفته شد پرورش
دهد و روغن بگیرد تقویت اعضا کند چون نیم گرم طلا کنند بگیرند گل سرخ تازه
و در شیشه کنند و روغن کنجد بر سر آن کنند و چهل روز در آفتاب بنهند
اویزند که کامل شود روغن بنفشه با آب وجهی دیگر بگیرند بنفشه تازه پنجاه
دسته و از آن پانزده دسته اول بجوشانند بعد از آن آب را بپالایند و پانزده
دسته دیگر در همان آب بنفشه بجوشانند که نیک پخته شود بعد از آن بگیرند آب را
بپالایند و در همان آب بیست دسته بنفشه باقی را بجوشانند که نیک پخته شود
بعد از آن بپالایند و در آن آب صد مثقال روغن تازه بادام بریزند و باتش
نرم بجوشانند چندانکه آن آب تمام بتحلیل رود بعد از آن روغن را

در ادهان

روغن بنفشه بادام

روغن گل

روغن بنفشه بآب

در شیشه کنند و قدری گل بنفشه در آن اندازند که بدان معلوم شود که روغن
بنفشه بادام است و آن شیشه را در آفتاب نهند چهل روز پیاپی بنهند که روغن
بنفشه بادام تمام کامل شود دوم چنین روغن بادام گل را نیز بدین وجه بگیرند فهم چنین
روغن یاسمین و خیری و سوسن و زنبق و نسرین و نرجس و شقایق و امثال
اینها بدین هر دو وجه میتوان گرفتن اول را آفتابی دوم را آتشی میگویند و هم
چنین روغن گل سفید و روغن گل بهر بدین وجهین مذکورین میتوان گرفتن
روغن قسط کبیر سودمند است درد جگر و معده و اوجاع مفاصل بلغمی را و استرخاء
اعضا را و قولنج ریحی را و فالج و لقوه را و خدر و جمیع امراض عصبانیه را گرم کرده
بر اعضا مذکوره مالند اخلاط آن قسط ده مثقال سنبل ساذج میعه سایله ابرهسا قرنفل
اشنه قسط ملح از هر یک بیست مثقال دارش خشک سلیخه عیدان بلسان
از هر یک ده مثقال مر پنج مثقال بورق سداب بجبل سنه فلفل پنج مثقال پر سند
بیل ستر سه مثقال فرفیون سه مثقال مجموع را نیم کوفته کرده یک شبانه روز در پنج من
آب خوب بسایند و بعد از آن بجوشانند از اول روز تا نیم روز آهسته تا آخر آب
روز و صاف کنند و دو من روغن زیت یا کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا
بسوزد و روغن بماند و گاهی عرق شراب بدین روغن اضافه میکنند و
میجوشانند و گاه نفط سفید قدری اضافه مینمایند و بسبب این دو اضافه این
روغن اقوی میشود روغن مصطکی جهت ضعف معده نافع است که نیم گرم بر محل
مالند بر روغن گل مکرر دو بار پرورده نیم من مصطکی ده مثقال در شیشه کنند و دیگ را

پر از آب

بر از آب کنند و آن شیشه را در میان آن آب پاره بزنند و باتش نرم بجوشانند
تا آنکه مصطکی در میان شیشه کداخته شود و استعمال نمایند روغن بابونج از بابونه تر
چنانکه روغن کل امثال این بکیرند بر وجهی که ذکر رفت بکیرند و اکر بابونج تر نبود
بابونه خشک بیست مثقال با چهار من آب بجوشانند تا آب نیم من آید بعد از آن
بدست بمالند و صافی کنند و بروغن کنجد یا روغن زیت بقدر کفایت بدان
اضافه کنند و بجوشانند که آب تمام تحلیل رود و روغن بماند و علامت تحلیل
آب اینست که چون چوبی در روغن فرو برند و بر آتش عرض کنند در حال مشتعل
شود و این علامت در جمیع روغنهای آتشی بکار میبرند روغن بیخ مورد موی بخت کند
و منع سقوط مو بکند و چون بروغن بادام اضافه کرده باشند و نیم کرم بر سر بمالند
تقویت دماغ کند صفت آن بکیرند از آب بالک برک و چوب مورد تر سه رطل روغن
بادام و یا کنجد یک رطل بدان اضافه کنند و بجوشانند چندانکه آب بسوزد و روغن
بماند و در شیشه کرده حفظ نمایند و نیم کرم در بیخ موی بر سر بمالند

فصل هجدهم در مرهمها معتبر این مرهم را مرهم کافوری و مرهم سفیداج هم میگویند
گوشت صبر و بالد و در تابستان قروح حارّه را نافع است اخلاط موم سفید
اسفیداج قلعی از هر یک دو درم روغن کل چهار مثقال موم را با روغن بکدازند و
اسفیداج کوفته و از حریر بیخته بر او اضافه نمایند و در هاون سحق کنند و اکر حرارت
زیاده بود قدری کافور اضافه نمایند و چون سرد شود قدری سفیدی تخم مرغ
نیز اضافه آن نمایند و اسفیداج مرداسنک بدل اسفیداج قلعی است چون بکار
نماید مرهم خل گوشت بر و یاند و قروح تر خشک کرداند اخلاط بکیرند مرداسنک

دو مثقال کوفته و بغایت بجنبانند چهل مثقال سرکه بپزند تا نیمی بعد از آن در هاون کنند
و چهل مثقال روغن زیت بدان اضافه نمایند و مرهم سازند نافع باشد ان شاء الله تعالی
مرهم دیاخلیون جهة تحلیل خنازیر و سلع نافع است و جهة اورام تحلیل
صلبه بغایت مناسب است صفت آن بستانند هفت مثقال مرداسنگ مسحوق بغایت
و در بیان کنند و بدان اضافه کنند پس هفت مثقال روغن زیت و بهم زنند و در زیر
بیان آتش نرم بپزند تا آنکه مرداسنگ تمام بروغن حل گردد بعد از آن بستانند
چهارده مثقال لعاب تخم کتان و چهارده مثقال لعاب حلبه و هفت مثقال لعاب خطمی و این
لعاب را با سر روغن و مرداسنگ ریزند و در بیان با آتش نرم می پزند چنانکه
غلیظ شود و بعد از آن از آتش فرو گیرند و بهم زنند و بگذارند تا سرد شوند
و مثانه و لزوجت آن ظاهر شود و بعد از آن در ظروف مناسب کرده عند الحاجت
استعمال نمایند مرهم بیک جهة تحلیل خنازیر و اورام صلبة التحلیل مناسب است [illegible]
بحسب حاجت ابرسا کوفته و از حریر گذرانیده با دیاخلیون ده مثقال مخلوط سازند
و استعمال نمایند که جهة تحلیل مسطور مجرب است مرهم باسلیقون جهة دمیدن [illegible]
در قروح سود مند است زفت راتنج و موم از هریک ده مثقال [illegible]
مثقال داوود برا جمع کرده با روغن زیت بقدر حاجت مرهم ساخته استعمال
نمایند مرهم الرسل از برای بواسیر و خنازیر و صعبه بغایت نافع است در قروح ها
میکرده اند و سرطانات را نافع است اخلاط آن موم سفید راتنج از هریک [illegible]
مثقال زراوند طویل کندر ذکر از هریک شش مثقال زراوند مدور از هریک چهار
مثقال مقل ازرق شش مثقال مرداسنگ پنج مثقال جاوشیر زنجار از هریک چهار
مثقال اشق

مثقال عسل کدر نصف شش مثقال موم اسفید پنج مثقال جاوشیر زنجار چهارده مثقال نقل اشق
وجاوشیر واشق را در سرکه سفید انگوری بخیسانند که حل شود و دو رطل زیت
بدان اضافه نمایند چون تابستان باشد و اگر زمستان باشد سه رطل اضافه نمایند
وکم ساختن در وقت حاجت استعمال نمایند نافع باد انشاء الله تعالی مرهم زنجار
هفت الحم نماید قروح مناسب است اخلاط موم ربع یک رطل علک الانباط وشق از
هر یک چهارده مثقال وشق را در سرکه سفید انگوری حل سازند و دو رطل زیت
بلوم بگدازند وبواقی را بدان خلط نمایند و زنجار بغایت سحق کرده هفت مثقال
کم کم بر مذکورات ریزند و بیک هم مزنند که سرد شود و استعمال نمایند نافع
باد مرهم العسل وما قبل را پاک میکرداند و سایر قروح و جراحات را پاک میکرداند
اخلاط کبریتا انزروت وشل ان عسل صاف وانزروت را با عسل سحق کنند
وبعضی راوی عسل را بقوام بیاورند بعد از آن انزروت را بر آن میریزند
وبا یکدیگر خلط کامل مینمایند واین مرهم جمیع قروح وجراحات را پاک میکرداند و جرب قروح را
زایل میکرداند مرهمی که جهت سوختگی آتش آب نافع است اسفیداج اسرب مزن
سیاه و نشان مرداسنگ از هر یک مساوی همه را بغایت سحق کنند که غبار
و موم کافوری بقدر احتیاج با روغن کنجد بگدازند و در هاون کنند و چند
نوبت بآب سرد بشویند بعد از آن داروهای سوده بر آن افشانند و با
مخلوط سازند دیگر باره بشویند و استعمال نمایند فصل نوزدهم در مرهم
عزیزه که نفع مبعد هس ناسور و بعض و سکته و صرع را و دماغ را از فضول غلیظه پاک میکرداند
اخلاط ایارج فیقرا حنظل مقل بزر ... سعتر ... نوبت

پوست بیخ کبر از هر یک پنج مثقال همه را بکوبند و مثل غبار سازند و از حریر بیخت
بیرون کنند و در شیشه کنند و نگاه دارند و چون خواهند که بران غرغره نمایند
سکنجبین عسلی در آب حل کنند و قدر قلیلی مثلث یکدرهم ازین دوا بران بریزند
و بدان در حمام غرغره نمایند و مطلقا نگذارند که از ان چیزی بحلق فرو رود و دفعه
دفعه از دهان بیرون کنند که رطوبات و بلغم همراه ان میاید نافع باد فصل
پنجم در ادویه امراض عین دارو چشم مامیران دو مثقال چیمک سه مثقال انزروت امراض عین
سفید یکمثقال نبات سفید نیم مثقال قند سفید نمک و نیم بدستور کوفته و بیخته
کالغبار استعمال نمایند دارو شیاف کف دریا نیم مثقال چیمک سه مثقال انزروت
دو مثقال نبات سفید نیم مثقال قند سفید نیم مثقال بذر قطونا نیم مثقال
دارو شیاف سرخ خون سیاوشان دو مثقال چیمک دو مثقال انزروت
سرخ یکمثقال نبات سفید یکمثقال قند سفید نیم مثقال بدستور استعمال نمایند
کحل جلاء در عمش و این از تراکیب شاپور است نشاسته چهار مثقال مغز مرغی
دو مثقال سفیداج قلعیا نقره سرمه از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته و از سه تو حریر بکذرانند
باز سحق کرده چنانکه کالغبار باشد و حفظ کرده عند الحاجت استعمال کنند برود
توتیا پوست هلیله زرد از هر یک چهار مثقال زنجبیل دو مثقال دار فلفل یکمثقال
زرد چوبه چهار مثقال نمک طبرزد مامیران از هر یک نیم مثقال همه را کوفته و بیخته
بیخته و از حریر بیخت سه تو گذرانند و باب غوره تر هفت روز در هاون
سایند و بعد از ان در سایه خشک کرده بعد از ان که خشک شده باشد

باز کش

بازسحق بلیغ کرده استعمال نمایند این برود از برای حکه عین ودمعه وجرب سودمند است

وحفظ صحت عین میکنند شیاف حصرم نوعیست از شیاف علاوی جهة حکه

وجرب ودمعه مناسب است اخذ له توتیا ده مثقال زنجبیل پنج مثقال پوست

هلیله زرد پنج مثقال مصفی هندی سه مثقال صمغ عربی چهار مثقال عروق الصفر یك

مثقال زعفران یکمثقال باب عوره حصرم سازند بعد از کوفتن وبیختن وبآب

سامتن شیافات کنند وعند الحاجت استعمال نمایند بانکه اول بر عین را

بغایت سحق مینمایند چنانکه از عنبر وسامنه بتجاوز کنند زیراکه المباکفه اند

که اکر خاك را کالعنبر مهبا سازند از برای چشم نایده میکنند واکر هوا مردا

درشت نباید بچشم مضرت میرساند شیاف یا سلیقون از برای حکه

وظلمت عین وسبل وجرب بغایت نافع است اخذ له تلمیا فقد زبد البحر

مقشر از هریك چهار مثقال ورد سوخته دو مثقال سفیداج قلعی ملك دو زانی

نوشادر فلفل اسود دار فلفل از هریك نیم مثقال قرنفل اشنه از هریك دو دانك

کوفته وبیخته چنانکه شرط است استعمال نمایند اشیاف ابیض جهة ابتداء رمد کرم

وسوزش وجع عین بغایت نافع است اخذ له صمغ عربی کثیرا نشاسته از هریك

دو مثقال سفیداج قلعی افیون از هریك نیم مثقال کوفته وبیخته وبغایت سحق کرده

بتکرار وکالعنبر ساخته وبه سپیده بیض ویا باب باران شیاف ساخته وبر سنك

افسانه بشیر دختران ساوبین ومیل در چشم کشند نافع باد شیاف اشهر تین

جهة بقایای رمد وغلظ اجفان سودمند است اخذ له صمغ عربی کثیرا نشاسته

اسفیداج و سوخته سادج هندی اجزا مساوی همه را کوفته و بیخته بحریر سرمه نوی صفت
چنانکه شرط است و شیاف سازند باب مرض نافع باد و بشیر زنان بر سنگ افسانه
سائیده میل در چشم کشند شیاف احمر حاد از برای جرب و سلاق و استرخاء اجفان
و سبل سودمند است اخلاط آن سادج سه مثقال صمغ عربی دو مثقال افیون صبر سقوطری
از هر یک یکمثقال و سم زنجار یکمثقال مرتکی و زعفران از هر یک یکدانگ کوفته و بیخته
چنانکه رسم است و باب مرض شیاف ساخته استعمال نمایند شیاف اخضر از برای
جرب کهنه و حکه پلک سودمند است بغایت اخلاط آن اسفیداج قلعی و نشا صمغ عربی
از هر یک دو مثقال نشاسته یکمثقال زنجار سه مثقال سحق کرده کابنیخ و باب سداب
شیاف سازند و استعمال نمایند شیاف ابیض که قائم مقام شیاف مرارات است
که سودمند است از برای عشا و ابتداء نزول الماء و انتشار بگیرند زهره
بز و آنرا خشک کنند در ظرفی از مس و از آن ده مثقال اخذ کنند و از تخم حنظل
نیم مثقال و از سکبینج دو مثقال و از فربیون و نوشادر از هر یکی یکمثقال و باب
سداب و یا آب برگ بابونج شیاف سازند و استعمال نمایند نافع باد انشاء الله
تعالی و تقدس کحل مانند محنت عین بگیرند توتیا ده مثقال شیاف مامیثا سه مثقال
صبر سقوطری یکمثقال کافور یکدانگ و در ایام ثلثه سحق کنند باب عنب الثعلب و در سایه
خشک کنند و باز سحق بلیغ نمایند و استعمال نمایند برین وجه که بمیل صباح
و شب هنگام بر کنار پلک چشم بکشند نافع باد انشاء الله تعالی و تقدس
برون آمدن ناخنه در ملتحمه چشم بسی سودمند است صفت آنست که بگیرند آب انار
شیرین و آب انار ترش صادق الحموضت و هر یکی را صاف کنند و این عصاره در
کنند

کنند و سر شیشه‌ها استوار کنند و در تمام فصل صیف در آفتاب بیاویزند و هر ماه
انرا از درد که در ته شیشه نشسته باشد پاک کنند و بعد از آن عند الحاجت استعمال
نمایند نافع باشد تمت الرساله نفایس الطب مشتمل بر مسایل مشهوره طبیه من تالیف

حضرت خلافت و شریعت پناه طبابت و حکمت

دستگاه قاضی جلال الدین شیخ اویس ابن

المرحوم المغفور مولانا نظام

الدین محمد اللطیفی عفا الله

تم عثمانی سلخ شهر

ذی قعده الحرام

سنه ۱۱۹

تمت تمام

صداع

و ایضاً بجهت صداع مزمن سیر کاو و زیره را چهل مثقال با پنج مثقال آرد گندم و دو مثقال نمک کوفته
نیم گرم بر سر بندند صداع مزمن را برطرف گرداند و ایضاً هرگاه دو سه درخت بادام تلخ را
بجوشانند و با سرکه و روغن گل سرخ بر پیشانی و پیش سر بمالند صداع را برطرف سازد
و ایضاً بجهت صداع مزمن حنظل را جراب نکرده و در آتش سرخ کرده در شراب اندازد
و سر را بجای آن بدارد و هرگاه در میان آب ممزوج بسر کنند نیز مفید است و ایضاً هرگاه

شقیقه

مرزنگوش را بکوبند و با سرکه کهنه سرشته مرهم نمایند و بر سر بمالند درد شقیقه و سر را ساکت کند
و ایضاً هرگاه قرنفل و نانخواه و دارچینی از هر یک سه درم را بکوبند و بیزند و با گلاب معجون سازند
و بقدر فلفل حب کنند و در زیر زبان نگاه دارند و آب آن فرو برند بوی بد دهن را دفع کند و آب
دهن را خوش مزه گرداند و اگر در وقت جماع در زیر زبان نگاه دارد و آب آن فرو برد لذت جماع را

صلاح دندان

دریابد و ایضاً هرگاه نیم مثقال از هر یک از طباشیر سفید و مرجان سفید و دو دانگ و نیم مروارید
کوبیده و با دو دانگ کهربا صلایه نموده و دو دانگ خون سیاوشان و نیم مثقال بیخ بنفشه و دو دانگ
زراوند مدحرج و نیم مثقال کشنیز خشک بریان کرده و نیم مثقال گل سرخ و نیم مثقال مغز دانه
تمر هندی و نیم مثقال فوفل و نیم مثقال گلنار فارسی و نیم مثقال صندل سفید باهم نرم ساخته
در بیخ دندانها بپاشند مزه دهن و بوی آن را خوش سازد و دندان متحرک را محکم کند و سفید

درد دندان

گرداند و چون بن دندانها را ابل نماید و ایضاً اگر کسی درد دندان عظیم داشته باشد
دندان مرکوش را بآن طرف که درد میکند بیاویزد تسکین یابد و ایضاً هرگاه سیر خشک
در زیر دندان درد کند درد دندان را ساکت گرداند و ایضاً پنج مثقال کندر و پنج

صلاح دندان

مثقال زراوند مدحرج و کاو دانه پنج مثقال خون سیاوشان پنج مثقال بیخ بنفشه پنج
مثقال مرجان سرخ پنج مثقال صندل سفید سه مثقال داکوبیده در بیخ دندانها
بپاشند دندان متحرک را قوت دهد و گوشت دندانها برویاند و بوی دهن را خوشبو

درد دندان

کند و خون دندانها برطرف سازد و هرگاه زعفران را در زیر دندان درد کنند درد را

ساکن

ساکت کند و ایضا پوست خشخاش و عنب الثعلب و گل بابونه را هرگاه با سویق بجوشانند و سر را بخار
آن بلا دهند نافع بود به پیشانی جاری کرده درد دندان را ساکت کرده اند و ایضا هرگاه بقلة الحماد
نخود زهره کبک را با پنج منقال عسل و سه منقال آب تازه را زیانه سینه کشیده در چشم کشند
قوت باصره را زیاد کند و هرگاه ناف خرگوش و خایه او را خشک نموده در چشم کشند سفیدی
چشم را ببرد و هرگاه زهره خار پشت را خشک نموده بساید و بچشم کشد سفیدی را زایل سازد
و هرگاه خشخاش و تخم شنبلیله و آرد جو و اکلیل الملک را بکوبند با نشا اجزاء را مساوی مخلوط
سازند و با آب عنب الثعلب و شیر زن و گلاب خمیر کنند و ضماد سازند و بر چشم گذارند درد
چشم را زایل سازد و ایضا هرگاه نشا و کثیرا و آرد جو و آرد تخم شنبلیله و صمغ عربی با شیر زن
و آب عنب الثعلب و گلاب و سفیدی تخم مرغ را ضماد سازند و بر چشم گذارند درد را ساکت کند
و ایضا هرگاه سفیدی تخم مرغ را با روغن گل و روغن بنفشه و زعفران و شیر زن و مغز بادام و پوست
خشخاش کوبیده و آب عنب الثعلب و گلاب و کثیرا ضماد ساخته بر چشم گذارند درد را ساکت
کرده اند و ایضا بجهت ضعف معده و سوء هضم این معجون مجربست دارچینی پنج منقال دارا بانه
سه منقال مصطکی دو منقال املج مقشر ده درم هلیله کابلی ده درم تخم کاسنی سه منقال دارشیشعان سه
منقال زرنباد سه منقال نعناع خشک سه منقال پوست ترنج سه منقال برگ گل سرخ
دو منقال ساذج هندی دو منقال صندل سفید سه منقال بکلام طالیه عود خام سه درم
بابونه سه منقال قرنفل ۳ منقال زعفران ۲ منقال انیسون دو منقال همه را کوفته و بیخته
بر حسب برشیرین سی منقال و شیره املج سی منقال با عسل سفید کف گرفته معجون سازند و شربتی
یکمنقال بنوشند و ایضا بجهت درد پشت و کمر چند عدد تخم مرغ را نیم برشته نموده دارچینی کوبیده
را بر روی آن پاشیده بخورند و ایضا خوردن نارجیل بجهت درد پشت نافع است و ایضا خوردن
یکمنقال ماهی روبیان بجهت درد پشت نافع است و ایضا هرگاه سه منقال زنجبیل و اشق و مقل را
و کمون و آرد با فلفل با پانزده منقال زرده تخم مرغ خانگی و پانزده منقال پیه اردک و هفت ورق ...

بر سر آتش بپزند و بروغن گاو بر خصیه که ورم کرده بگذارند ورم را بتحلیل برد بجهت
جراحت و سوزش مثانه اشنان ابرفوفی ۳ مثقال تخم دلجان ۳ مثقال ارد کندم ۲ مثقال
کوفته و بیخته بروغن بنفشه بادام چرب کرده حب ساخته هر روز ناشتا سه حب فرو
برند بجهة عسر بول و دیک مثانه سبوس بیه دانه شیره خشخاش ده درم دانه ده مثقال سبوس تخم خربوزه
مجلی ده مثقال خیره بنفشه اصل ۵ مثقال شربت دینار ده مثقال با عرق گاوزبان
بنوشند ناشتا و در وسط روز ده مثقال نبات سفید با عرق گاوزبان و گلاب
و لعاب بارتنگ بخورند و غذا لوبیا و نخود بنم کوفته در خروس جوجه و شیره خشخاش دانه
و دارچینی را طبخ نموده میل نمایند وایضا آرد گندم را با سرکه ضماد نموده بموضع
درد بمالند درد را ساکن کند وایضا هر گاه سرگین گاوی را که علف بهار را خورده باشد
با آرد و سرکه داب چیز کرده بموضع درد بمالند البته درد را ساکت کرداند ایضا بجهة
دفع رطوبات رحم سه علاجوز بوا سه علاء قرنفل دو مثقال لادن بیچ را کوفته و بیخته
با آب مورد نانه و گلاب بصلایه نموده نیم گرم بر کمر بمالند که بسیار نافع است
وایضا هر گاه کافور دو درم کلنار فارسی دو درم کوهی دکه مقل باشد سه درم
چشم خروس را و اجیلنک نامند سه درم مغز دانه شفتالوی بریان کرده سه مثقال
خون سیاوشان سه مثقال چشم کوسفند بخته سه مثقال دهاون کوبیده مرهم
ساخته صاحب بواسیر استعمال نماید خون را حبس کند و جراحت را با صلاح آورد
درد و الم ساکت کرداند وایضا هر گاه صاحب بواسیر دو درم مقل ازرق با ده مثقال
آب کلنار و مغز دانه زردآلوی تلخ سه درم و مغز دانه شفتالوی سه درم کوبیده
مرهم ساخته استعمال نماید بغایت مفید است وایضا هر گاه مقعد بیرون آید

دو درم

ده درم گلنار یک درم مازوی سبز نیم کوفته درم سنبل آس سرکه را با ... سنبل تخم مرغ
و دو درم برادهٔ گل سرخ و دو درم درم الجبا اجزا را دو بیدا کوفته و بیخته بروغن گل سرخ و سپیدهٔ
تخم مرغ سرشته بفعل بالله وایضا این مرهم بجهت خنازیر مجربست زفت ده مثقال تخم
سوسن آسمانجونی دو مثقال صمغ کاج دو مثقال داخلیون سیر مثقال موم صاف ده مثقال
روغن کنجد بیست مثقال مرهم ساخته بموضع خنازیر بالله کر نافع است وایضا هرگاه
ده درم زرنیخ سرخ و دو درم اشق و ده درم خردل و دو درم شونیز و دو درم از هر یک از
بورق و شیطرج هندی و پوست بیخ کبر و عاقرقرحا و کندش مجموع را کوفته و بیخته با سرکهٔ کهنه
خمیر نموده بموضع برص بالله وایضا هرگاه بیخ مو انگور سفید را کوفته ~~با سرکه سرشته~~ با هر نوع
سفید و سیاه مساوی هم کوفته و بیخته با سرکه سرشته صاحب بهق بر موضع بهق بمالد ~~شفا~~
یابد وایضا تخم خطمی سفید را کوفته با سرکه سرشته صاحب بهق بر موضع بهق بمالد شفا یابد
وایضا نوشادر را با روغن تخم مرغ هفت نوبت بموضع برص بمالد رفع برص و بهق نماید
وایضا بوقطونا اگر اسپرزه باشد باب دهن ترکرده بر دمل گذارند دمل را نضج دهد
وایضا کثیرا و تخم مرو تخم کتان و سرپستان و جو پوست گل بابونه و گل خطمی را مساوی کوفته و کوبیده
باشیر جوشانیده مرهم ساخته نیم گرم بالای دمل گذارند دمل را بپاشد ... اگر اکو تری را
بگلاب جوشانیده طفل و مادر از طفل بپاشانند شفا یابد و مجربست وایضا هرگاه مردم
بر فرده و بیخ حنظل وارد نخود و استخوان کهنه وارد کوبج و تخم تره تیزک و مرو قطرا ماستیم
کوفته مرد ابلعاب سپلوس حل نموده و سایر ادویه کوفته بیخته سرشته و بموضع ابلیر مالند
ابلیر را زایل سازد وایضا هرگاه طبیعت قبض باشد سنبل را پنج مثقال کرفته با ده مثقال
قند سفید مکرر سفوف ساخته میل نماید و در هر شبان یک پیاله آب گرم بنوشد که قبض
طبیعت را برطرف کرداند وایضا جهت بادهای معده و رحم و اعضا بگیرد دو برنج مغز بجه را
دانگ و جند بیدستر دانگ و اکر ترکم دانگ و زنیاد دانگ و زیتون دانگ و دانک باده

خنازیر
مقل ازرق دو درم
برص
بما لله مجربست
دمل
ام الصبیان
...
قبض طبیعت
ریح معده و رحم

درد مفاصل

منقال نبات مصری سوف ساخته تناول نماید وایضاً بجهت درد مفاصل سرد خشک را
بابونه روغن زیتون سرشته بر مفاصل اعضا بمالند درد را ساکن کند وایضاً زنجبیل
مصری و زنجبیل را با دیگر نی در گلاب سایده بموضع درد بمالد که مجربست وایضاً
ضمادی که مفاصل را نافع است و مجربست اینست سورنجان مصری پنج کبر اذخر یک
پنج درم مو پنج سه درم عاقرقرحا پنج درم تخم ترتیزک سه درم قسط تلخ سه درم زفت
درم مجموع را کوفته و بیخته در گلاب و آب خالص و روغن زیتون سرشته ضماد کنند

صرع و لقوه و فالج و رعشه

وایضاً این معجون بجهت صرع و لقوه و فالج و رعشه و قطع بلغم غلیظ میکند و مجربست
مثل دو دانگ مرداید کوبیده یک مثقال سنبل الطیب پنج مثقال درونج عقربی سه مثقال
زرنباد سه مثقال سلیخه پنج مثقال مر سه مثقال ساذج هندی پنج مثقال حب [illegible]
سه مثقال قسط تلخ سه مثقال جندبیدستر دو مثقال سنبل نیم مثقال کهربا یک مثقال
ابریشم مقرض پنج مثقال [illegible] نای رومی سه مثقال زراوند طویل سه مثقال حب
الغار سه مثقال با عسل سفید کف گرفته سه مساوی همه ادویه را معجون ساخته
شربتی یک مثقال قبل نماید که نافع است وایضاً این معجون بجهت تب ربع مجربست مر

تب ربع

صافی قسط و زفت سلاب خشک پودنه فلفل عاقرقرحا قردمانا زرنباد نیم درم با نیم
درم حلتیت کوفته و بیخته با سه وزن همه این ادویه عسل سفید کف گرفته معجون سازند
و نیم درم تا نیم مثقال در هر شب بتی قبل نماید وایضاً بجهت ورم طحال و دفع وسواس

ورم طحال و دفع وسواس

از این معجون مجربست پوست هلیله زرد ۵ درم بلیله ۵ درم املج مقشر ۵ درم
هلیله سیاه ۵ درم سنبل هندی ۳ درم کبابه چینی ۲ درم افتیمون ۲ درم ایرسا

پوست هلیله کابلی ۵ درم

۲ درم و نیم دوقو ۲ درم قرنفل ۲ درم بسباسه ۱ درم و نیم قاقله کبار ۲ علاج

هلیله

هال ۲ درم دنبان ۲ درم پوست بیخ کبر ۵ درم تخم کشوث ۳ درم مجموع را کوفته و بیخته
مقل وی از روغن بادام چرب نموده مساوی سه وزن ادویه عسل سفید کف گرفته
ثالول معجون سازند و هر شب در وقت خواب نیم مثقال را فرو برند وایضا هر گاه مازو و سب
یمانی و تخم ترتیزک را مساوی هم بکوبند و بوهم کاد برشند و بر ثالول مکرر بمالند
ثالول را تحلیل برد وایضا هر گاه اشنان فارسی و مس سوخته و تخم حنظل و بوره ارمنی
و نوشادر و شنجار و زرنیخ راهک اب بدبله هم را مساوی هم بوزن هر کدام باب صابون
سرشته بثالیل بمالند مجرب است و باید تا دو ساعت بر بندند و بکشایند وایضا هر گاه
حد خاکستر بید را بسرکه کهنه سرشته بثالول بمالند ثالول را برطرف کند و مجرب است و بجوز دوش
بتر بوی از مجربات است ۱۲ وایضا کل کافته در شیر مچیه مقل دیم وزن ان سوده ضماد
نموده ضماد نمایند در هشت یوم بالکل کنده جبر الیول